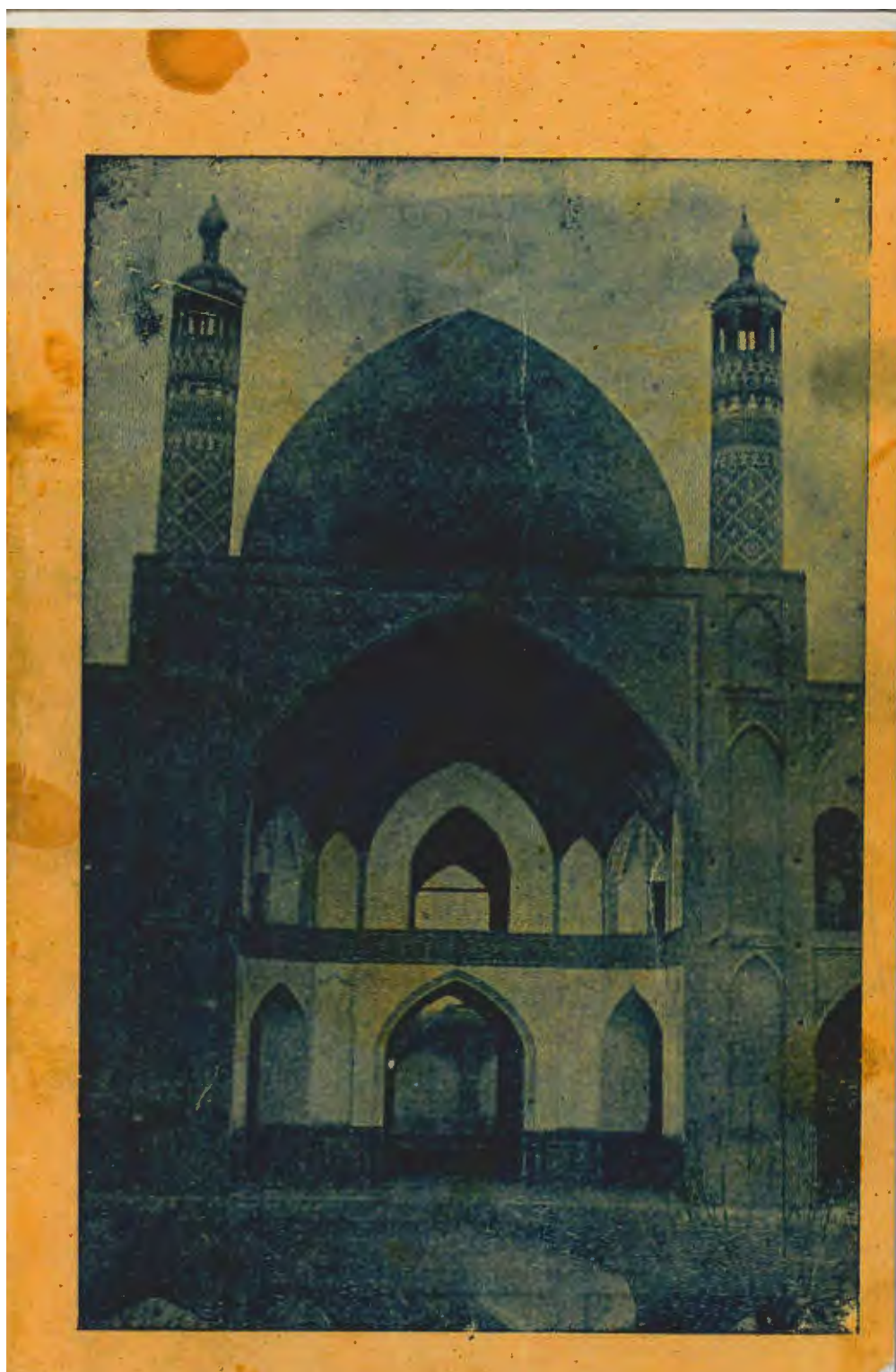






توانا بود هر که دانا بود

سالنامه

دبیرستان پهلوی
کاشان

سال تحصیلی ۱۳۲۵ - ۱۳۲۶



بهاء ۳۵ ریال

چاپ کاشان

بنام خدای بزرگ

مقدمه

.....

نویسندگان این نامه مفتخرند که مجموعه‌ای بدوست داران علم و ادب تحویل میدارند که محصول دسترنج نونهالان این شهرستان است.

گرچه گروه آورندگان این بیاض ادعای اجتهاد ندارند و حاصل رنج خود را بدون عیب و نقص نمیدانند ولی تا آنجا که امکان موجود بوده است سعی شده عیوب کمتر شود و موضوعات پسنديده تر فراهم گردد تا وقت عزیز خوانندگان بیهوده صرف نشود

گرچه در نظر بود این سالنامه مدت‌ها قبل چاپ و در دسترس گذاشته شود ولی اشکالات فنی و مادی ما را تا این زمان از رسیدن به مقصود باز داشت.

در اینجا ناگفته نماند که انتشار این سالنامه تا حد بسیار زیادی نتیجه فعالیت و کوشش خود دانش‌آموزان است و میتوان ادعا نمود که این اولین کار مثبتی است که دانش پژوهان و نونهالان شهر ما با قوه ابتکار خود بدان اقدام نموده‌اند

بنا بر این پیش‌بینی آینده‌ای درخشان ترو تا بنا کتر برای اینان دور از واقع نخواهد بود . در خانه متذکر میشود که، این کتاب، مرکب از دو قسمت است و با اینکه دو قسمت از هم مجزا هستند مکمل هم نیز میباشند

در قسمت اول: معرفی دبیران و مربیان و دانش‌آموزان و فعالیت‌های مربوطه آنان و در قسمت دوم: تراوشات منزی و کنگاشتهای علمی و ادبی آنها

تم میخورد

انجمن سالنامه

تاریخچه دبیرستان

☆ (پیدایش و تکامل تدریجی) ☆



مؤسسه‌ای که هم اکنون بنام (دبیرستان بهاوی) افتخارپرورش نسل جوان این کشور را دارد ؛ مشعل فروزانیت که ابتدا بصورت يك نقطه سایه روشن در فرهنگ کاشان بدیدار شد و با مساعدتهای مردان عالیقدر و کوششهای افراد خیر و فعال طی سالیان دراز تکامل یافته و تقریباً مجهز شده است افراد ارجمند و فداکاری که در بنیان گذاری و تکامل این کانون علم و معرفت متحمل رنج و زحمت شده اند در حقیقت وظیفه خود را در قبال جامعه ایرانی بنحو احسن انجام داده اند ولی بدون شك و تردید دین بزرگی بگردن دانش پژوهان این شهر دارند

سالها پیش یعنی در سال تحصیلی (۶-۱۳۰۷) بر اثر تقاضای فارغ التحصیلان کلاس اول متوسطه در مدرسه علمیه احمدیه (دبستان بهلوی) با مدیریت آقای پرورش تاسیس گردید ولی بعلمت فقدان دبیر جهت تدریس مواد ریاضی این کلاس تعطیل شد اما در سال ۱۳۱۴ شمسی بود که این آتش بنهان در زیر خاکستر فراموشی بعلمت پشتکار دانش طلبان و علاقه شدید آقای فرجاذ آزاد (رئیس فرهنگ در آن زمان) توانست فروغش ظاهر گردد و کلاس اول متوسطه در دبستان فوق الذکر تاسیس گردد و آقای محمد سلیم

مدیریت این دبستان را بهمه گرفته و سپس تا سال ۱۳۱۶ کلاس دوم و سوم نیز دائر گردید

دوهمین سال بود که آقای علی اصغر جهان‌شاه با حکم جدا نمودن دبیرستان از دبستان بکاشان آمد و دبیرستان پهلوی را اوهان سال دو کوچه شیخ الاسلام در محل دبستان دخترانه تقوی تاسیس نمود

بعد از آن در سالهای ۱۳۱۷، ۱۸ کلاس چهارم و در سال ۱۳۱۹ کلاس پنجم نیز افتتاح گردید

آری مقارن ایامی که تشنجات و انقلابات خونین در کشور ما و جهان با شروع جنگ بین الملل شروع شده بود یک چراغ فروزان با تشکیل دبیرستان پنج کلاسه در شهر ما افروخته شد ولی متأسفانه محل دبیرستان مناسب نبود تنها در آبان سال ۱۳۲۳ بود که دبیرستان با اصطلاح خانه تکایی کردواز آن بیغوله بخیا بان پهلوی منزل حسام الاسلام انتقال یافت ولی باز هم کاملاً اشکال مرتفع نشده بود و چون بنای جدید با وجودی که بواسطه کهنگی قابلیت برای آموزشگاه مدرنی را نداشت، در اینجا بود که عطیه ملوکانه راه را هموار نمود

آری شاهنشاه محبوب مبلغ دو میلیون ریال جهت ساختمان یکباب دبیرستان اهدا فرمودند بدینال این اقدام خیر، کارخانه ریسندگی ۱۰ هزار متر زمین برای ساختمان واگذار نمود پس از خرید ۲۵۰۰ متر دیگر از محل ۲ میلیون ریال بعلل اغتشاش و عدم ثبات اوضاع اقدام ساختمان مدتی بتأخیر افتاد آخر الامر در زمان ریاست آقای معارفی اولین کلنیک ساختمان بنام نامی شاهنشاه بدست آقای اعتصام فرماندار بزمین زده شد بلافاصله ساختمان تحت نظر معتمدین شهر شروع گردید و با وقفه‌های کوچکی که در کار پیش آمد

آخرالامر در سال ۱۳۳۰ در زمان ریاست آقای موبد قسمتهایی
از ساختمان قابل استفاده شد و چون محل قبلی اجاره‌ای بود در فروردین
۱۳۳۰ دبیرستان به محل فعلی منتقل گردید و البته کار ساختمان همچنان
ادامه داشت.

با کمال تأسف باید متذکر گردید که با همه احتیاجی که با تمام
دبیرستان میباید اقدام جدیدی (عملاً) برای اتمام آن انجام نشده است.
با وجودیکه اتمام سالن و آزمایشگاه مورد علاقه تمام دانش‌پژوهان
کاشان است. اداره فرهنگ بعثت عدم بودجه، از اتمام آن خود داری
مینماید ولی اطمینان قاطع داریم که با پشتکار و جدیت شخص شخیص
جناب آقای محسنی و عطف توجه مقام منبع وزارت فرهنگ دبیرستان
هر چه زودتر کاملاً مجهز خواهد گردید.

رضا عطار بورمجرد



قسمت اول

سازمان اداری دبیرستان پهلوی



ریاست معظم دبیرستان

قیانهای مصمم ومطمن باموهای جووکنمی ؛ ازصفات بارز

رئیس دبیرستان ماست - رئیسی که هر روز در ساعت هشت صبح با قدمهای محکم واستوار بدبیرستان وارد میشود و در تمام ساعات کار این موسسه بر تقو و فتق امور مشغولست. مشکلات را بازبان مخصوص خود تشریح میکند و توضیح میدهد و راه حلها را با کمال صراحت روشن میسازد فساد را درك میکند و فاسد را در هر مقام و مرتبه ای که هست محکوم می نماید. این کار امروز و دیروز او نیست. سالها است که بدون باقی گذاشتن يك نقطه سیاه زندگی روشن خود را ازامه میدهد

هنوز بسیاری از شاگردان دبیرستان ما با بر صه وجود ننهاده بودند که جناب آقای محسنی از دانشرای عالی در رشته فلسفه و علوم تربیتی فارغ التحصیل شد. از آنسال (۱۳۱۶) تا با امروز به آموزش و پرورش نسل جوان این کشور اشتغال دارد. آقای رئیس برای آگاهی دانش آموزان و بهبود وضع کشور از مخصوصی را پیروی میکند. ایشان پرورش صحیح را مهمتر از هر چیز دیگر میدانند. آقای محسنی از این موضوع خیلی ناراحت است که چرا دبیرستانی که بنا بامر اعلیحضرت همایون شاهنشاه و از محل عطیه ملوکانه بنا گردیده هنوز سالن آن ناتمام و بدون سقف مانده است. که ما نتوانیم بوسیله سخنرانیها و مناظره ها نوباوگان مردم را، همین کسانی را که سازنده فردای امیدبخشانند برای يك زندگی بهتری در فردا آماده نماییم.

راستی فراموش کردم بگویم که آقای رئیس مدتها کفالت فرهنگ‌باشان را بعهده داشته و همه ما ویدران ما از این ایام خاطرات خوشی داریم مخصوصا داستان خرید میز و نیمکت و نحوه رسوا شدن پیمانکاران بندوبست چی هنوز نقل‌معافل و مجالس فرهنگی و غیر فرهنگی شهر ما است

در زمان ایشان بود که مقدار زیادی از آموزشگاهها مجانی از طرف مردم بختیار فرهنگ گذاشته شد و یا ساختمان آنها از طرف اشخاص خیر بفرهنگ اهداء گردید. در نتیجه این فعالیت بود که بارها مورد تقدیر وزارت فرهنگ قرار گرفت و باتمام سماعت ما آقای رئیس حاضر نشدند اظهاری درباره این تقدیرها بنمایند

با کمال تبختر میتوان گفت که در تمام فرهنگ بدیل و نظیری ندارد و از اینجهت هم هست که کسی در مقابل او عرض اندام نمی‌کند چون بی‌جهت عرض خود میبرد و زحمت او را هم نمیدارد.

آقای رئیس بارتبه ۱۰ دبیری از صاحب منصبان عالی‌رتبه وزارت فرهنگ محسوب میشود و مورد احترام همه است. ۵ سال قبل بود که از ایشان خواستند که ریاست فرهنگ استان اول را بپذیرد ولی ایشان گفتند که من در پست ریاست دبیرستان بهتر میتوانم به آموزش و پرورش کشور خدمت کنم.

کسی چه میداند، شاید صلاح خود را نمیدانست در آن زمان تابع

سیاستهای غلط روز قرار گیرد آری او در انتظار روزگار بهتری از قبول
 مشاغل بزرگ گریزان بود و عذر خواست. راستی آقای محسنی عجب
 حوصله عجیبی دارد تا امروز متجاوز از بیست سالست که در وزارت
 فرهنگ خدمت میکند با وجود این میگوید: «من دبیری را بر همه چیز
 ترجیح میدهم چون مقدم لذت روحانی بالاترین لذتهاست»

کار پر زحمت دبیری از خلال چین و شکنجهای صورت آقای
 رئیس هویداست. با وجودی که بیش از چهل و دو بهار پشت سر نگذاشته
 بدان پیرمردی شبیه است که با پشت خم بدنبال جوانی خود می گشت
 راستی که:

پشت دوتای فلک راست شد از خرمی

تا چو تو فرزند زاد مادر ایام را



بقلم جناب آقای محسنی آراسته ریاست محترم دبیرستان



گفتنیها

این سومین نشریه است که انجمن سالنامه دبیرستان پهلوی منتشر
میشود. شاید برای اشخاصی که در کاشان کمتر با مطبوعات مخصوصا
باطبیح رسالات مصور و روکار دارند مقدور نباشد معضلات و صعوبتهایی
که در این راه وجود دارد بتصور آورند و بارزش واقعی زحمات آنها تیکه
در این شهر بنشر کتاب و یا مجله و یا روزنامه مبادرت میکنند واقف
گردند مطابق مجبزی که در شهرستانهای بزرگ در خدمت علم و فرهنگ
بکار افتاده اند بی شک انگیزه ارزنده ای برای تهییج صاحبان دانش
بنشر عقاید و کمالات و تنویر افکار عمومی و ارشاد و راهنمایی جوانان
بشمار میرود ولی در کاشان تا آنجا که من بخاطر دارم با تمام تحول و
ترقی نسبی که در کلیه شئون زندگی مردم پیدا شده متاسفانه امور
مطبوعاتی همچنان بحال وقفه و رکود باقی مانده است و اگر روزنامه
و یا کتابی در این شهر طبع میشود دلیل بارز فعالیت و پشتکار و یا
بمسارت صریحتر نشانه عمیق عشق و علاقه خاص ناشر و یا ناشرین آن
باید دانست زیرا با تمام دشواریها و ناکامیها بمبارزه می پردازند و نظر
خود را با هزار زحمت جامه عمل می پوشانند بنا بر این برای سازمانی مانند
انجمن سخنرانی دبیرستان که از عده ای دانش آموز تشکیل شده و اعضاء
آن علاوه بر انجام تکالیف درسی با علاقه و عشق مخصوصی در راه تنظیم
و طبع و نشر مجموعه ای بنام سالنامه فعالیت مینمایند و با کمی تجربه و
وقوف کامل امور اجتماعی و مخصوصا نداشتن بودجه مخصوصی و شائل

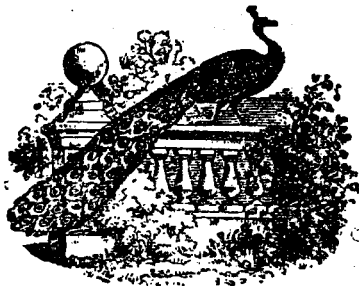
طبع و نشر سالنامه را فراهم باهمت و پشتکار زائدالوصف خودسر-
 مشق زنده‌ای در راه وصول بمقصود برای دیگر همسالان میکردند
 باید احترام خاص و اهمیت زیادی قائل شد من قصد ندارم سالنامه
 اینجده از جوانان را از آن نظر که دانش آموز دبیرستان پهلوی هستند
 و بی شك خالی از عیب و نقص هم نباشد بگزاف بزرگ و ارزنده
 جلوه دهم ولی از نظر شغلی موظفم انجام هر عمل مفید را در آموزشگاه
 از آنجهت که مقدمه اعمال مفید و پرارزش اجتماعی می تواند باشد
 با نظر تکریم و احترام بشکرم و ارزش واقعی فعالیت های دانش آموزان
 را بی پرده ستایش نمایم و بهمین مناسبت برای دانش آموزان عزیز
 دبیرستان که علاوه بر انجام تکالیف درسی بکارهای فوق برنامه نیز
 که همان نمونه های کوچک فعالیت های اجتماعی است اظهار تمایل
 نموده و دسته ای در سازمان پیش آهنگی با ترویج روح درستی و صداقت
 و فداکاری و شاد دوستی در تحکیم میانی ملی سهیم میگردد و وعده ای
 با همکاری در سازمان جوانان شیرو خورشید سرخ و سرمشق زنده
 عطوفت و مهربانی و دستگیری از ضعیف و کمک بدرماندگان میشوند
 و گروهی در انجمن سخنرانی با ایراد موضوعات مفید و ذیقیمت اجتماعی
 و تربیتی و نمایشات جالب بارشاد فکرو روح سایرین همت می-
 گمارند و دسته ای در انجمن ورزش سرمشق نشان و تندرستی و فعالیت
 میشوند و بالاخره گروهی در انجمن سالنامه نتیجه فعالیتها و زحمات
 بکماله رفقای تحصیل می خود را برای اطلاع عامه بشکل سالنامه ای

تدوین و انتظار می دهند اهمیت فوق العاده ای قائل هستیم و رجاء وائق دارم که این نور چشمان عزیز پس از فراغ از تحصیل با سرمایه علمی و اخلاقی و عملی که از آموزشگاه اندوخته اند خواهند توانست بسهم خود در گرداندن چرخهای ماشین عظیم تشکیلات اجتماعی سهم و وظیفه خود را بنیکو و جوی ابقاء نمایند. چه اینان بخوبی واقفند که میزان بزرگی و عظمت هر ملتی متناسب با عده افراد خدمتگزار و فداکار و بالایمان آن ملت است و نیز بخوبی میدانند فردی که مصدر خدمت واقعی برای جامعه و میهن خود نشود و ~~هنر زندگی بی خود میبانی زندگی~~ اوبی ارزش و سربار دیگران خواهد بود بنابراین تصادفی نیست اگر این جوانان برای رفاه و آسایش افراد جامعه و برای سر بلندی و عظمت کشور از هم اکنون بانسکیل انجمنهای مختلف تربیتی کار نیک و عمل مفید و خدمت شاه و میهن را بذوق طبیعی و میل فطری دنبال و تمرین مینمایند و سعی دارند عملاروح همکاری و صمیمیت، راستی و صداقت جوانمردی و شجاعت و بالاخره فداکاری در راه میهن را تقویت نمایند این طرز فکر و روش همکاری دسته جمعی افراد چیزی نیست که بتازگی معمول شده باشد بلکه سالهاست که دانش آموزان این دبیرستان تحت رهبری دبیران ارجمند خود تعقیب و تمرین میکنند و هر دسته پس از فراغ از تحصیل آثاری از فعالیت های خود برای دسته های بعدی بیادگار گذارده اند.

امیدوار است برای بعد هم آیندگان قدر زحمات اسلاف خود را

نیکو بشناسند و در تعقیب هدفهای مقدس آنان منتها باروش بهتر و
 جامعتری گام بردارند تا در اجتماع افراد مفید و مؤثری واقع گردند
 و ضمناً بسیار بجا خواهد بود اگر اولیاء فرهنگ هم برای تسهیل کار
 آموزش و پرورش و فعالیتهای اجتماعی دانش آموزان اقدامی نمایند
 تا سالن نیمه تمام این دبیرستان که بنا بامر اعلیحضرت همایون
 شاهنشاهی و از محل عطیه معظم له پی گذاری و ناتمام مانده
 هر چه زودتر مسقف و اجتماع آنرا بهتر ممکن سازد
 در خاتمه سعادت و موفقیت همگی دانش آموزان عزیز را از
 خداوند متعال مسألت دارد و توفیق آنرا در خدمت بکشور
 و شاهنشاه آرزو مند است

پایان



ما ناظم ما آشنا شوید

در حدود ساعت هفت و نیم صبح مردی با قیافه‌ای آرام و مطمئن وارد دبیرستان میشود و با قدمهای کوتاه و شمرده بطرف اطلاق کارش رهسپار میگردد ، این مرد موقر که زودتر از همه باین کانون علم و معرفت داخل میشود و دیرتر از همه بیرون میرود آقای محمود عربی ناظم منظم دبیرستان ما است .



چشمان نافذ و دقیقش همه چیز و همه کس را در انداز میکند و نگاه مطمئن او همه چیز را ولو جزئی و بی اهمیت باشد تشخیص میدهد . بشغل و مدرسه اش علاقه مفراطی دارد و با پشتکار عجیب و بی نظیری این علاقه را اثبات میکند جناب آقای ناظم با وجودیکه

بیش از ۳۰ بهار در پشت سر نگذاشته باندازه مردان دنیا دیده ، تجربه آموخته است ، اگر نگاه دقیقی بر اندکی کوتاه این مرد بزرگ پیف کنیم نمونه بارزی از فعالیت مشغولانه چشم مارا خیره میسازد جزئی از این فعالیت موفقیت‌های درخشان ایشان در دوره تحصیل و تدریس است در کلاس پنجم متوسطه ، در دانشکده علوم ، در دانشکده افسری خلاصه در همه جا ، رتبه اولی آقای عربی مارا بدرقه کرده است.

۱ در شما بمنزل ایشان تشریف ببرید آتوقت تمثال مدال درجه
اول علمی را که آقای ناظم بواسطه موفقیت کامل در رشته شیمی
گرفته‌اند مشاهده خواهید فرمود

در سال ۱۳۲۷ آقای عربی بدیبری دبیرستان های کاشان
منصوب شد و پس از چند سال که باسر بلندی وظیفه مقدس خود را
انجام داد بنظامت دبیرستان ما انتخاب گردید
آقای ناظم هم اکنون علاوه بر وظیفه پر مشقتی که بمعهده دارند
شیمی و زبان فرانسه کلاس ششم طبیعی را نیز تدریس مینمایند.
خداوند ایشانرا در خدمت بفرهنگ موبد و منصور بداراد

دبیر دفتر دبیرستان

جوانی آراسته و موقر ریاست

دفتر دبیرستان را بمعهده دارد.

این کار امروز و دبروز او

نهایت قریب هفت سال میشود که

زیر نظر جناب آقای محسنی امور

اداری دبیرستان را اداره میکند.

اگر کسی بدفاتر دبیرستان

سرکشی نماید آتوقت به کیفیت

کار این آقا پی میبرد، خودش

میگوید : کار منظم خستگی نمی

آورد، دلخواهی من همین نظم و



ترتیب است. از سال ۱۳۲۰ که وارد خدمت فرهنگ شده ام هر کاری که داشته ام با فظم همزاه بوده است واقعاً جای تعجب است ، خیلی هم تعجب دارد آقای اکبر قدرت الهی متجاوز از ۱۶ سال است که در اداره فرهنگ خدمت میکند، و از قرار حالا باید چهل سال را داشته باشد چون خیلی از دبیران کاشان شاگردان سابق آقای مدیر هستند ولی با همه اینها قیافه این آقا جز بیست و پنج سال نشان نمیدهد: کسی چه میداند شاید هم اکسیر جوانی را بچنگ آورده است

آقای قدرت الهی غیر از وظیفه خطیر خود در سیکل اول دبیرستان ادبیات رانیز تدریس مینماید و در کلاس نیز مانند دفتر مرتب است نمونه ذوق لطیف ایشان اشعار زیبایی است که زینت بخش صفحات سالنامه میباشد

منشی دفتر



آقای سید حسن داد گرمسلا
برای منشی گری خلق شده است
زیر احوصله زیاد و خط بدیع او
زبانزد خاص و عام میباشد

آقای داد گرشش سال است که
در سلك فرهنگیان این شهر در آمده
و واقعاً وظائف خود را همه جا با
جدیت و بنحو احسن انجام داده است
در مدت چهار سالگی که عهده دار

دفتر داری در دبیرستان بوده لحظات فراغت را بتعلیم خط دانش-
آموزان مبذول ننوده و اخیراً آقای دادگر باوجود مشغله زیاد عهده
دار سرپرستی کتابخانه نیز شده اند
خداوند ایشان را در انجام امور خیر موفق بدارد بیه و عییم فضله

سازمان آذوقه (مغز متفکر)

آقا سلام علیکم حال شما چطور است خدا حافظ
شما .. این بزرگواری که اینطور فرمولی گفتگو میکنند دبیر
ریاضیات سیکل دوم دبیرستان ما
است



هفته ای ۳۰ ساعت در این
دبیرستان تدریس میکنند و از اول
تا آخر هفته سروکارش با فرمول
های بی پدر و مادر، ریاضی است
چه هوا سرد باشد چه گرم، چه
بارانی و چه آفتابی سر ساعت به

دبیرستان می آید مثل اینکه غیبت و دیر آمدن در قاموس این آقا وجود
ندارد. اگر یک روز بولمسطه علتی مدرسه تعطیل باشد هزا میکند
خودش باز بان مبارکش بمن گفت که من حتی روزهای جمعه هم
راضی نیستم تعطیل باشم کسی چه میداند، شاید ریاضیات هم بمنزاج

بعضی‌ها می‌سازد ، چهار سال است که در این شهر و در این دبیرستان ریاضیات و فیزیک را تدریس مینماید با وجودیکه شاید ده‌ها نفر را بواسطه عدم معلومات رد کرده باشد ، همه بچه‌ها او را دوست دارند برای اینکه میدانند بدون نظر و حب و بغض نمره میدهد

درین تمام دبیران کاشان آقای امینی بدبیر «پدشانس» معروف است چون اگر در امتحانات (آپاندیسیت) نکرانته بود الان در بلژیک مشغول تحصیل دوره دکترا بود

همین مریضی سبب شد که آقای امینی از رقیب خود عقب افتد و با وجودی که در سال دوم و سوم رتبه اول شده در کل معدل يك صدم کسر داشت . هر چه بود گذشت و در خرداد سال ۱۳۳۲ از دانشکده علوم در رشته فیزیک فارغ التحصیل شد و بشهر ما نزول اجلال فرمود.

پیر فرهنگ

آقای پاکدامن با سابقه ترین فرهنگیان دبیرستان ما است جناب ایشان مدتها با دامن پاك و بهره تابناك بر تقو فتق امور اداری و آموزشی فرهنگ اشتغال داشته و دارند

البته بعکس ایشان نگاه نکنید ، این عالیمقام از معمرین دبیران کاشان هستند و این تمال متعلق بچندین سال قبل ایشان میباشد .

اگر از ایشان پیرسید که آقا بعد از سالها خدمت چرا هنوز



هم تدریس میکنید بدون
شك جواب خواهید داد
که من چطور میتوانم
تدریس نکنم برای
من تدریس انبساط
خاطر می آورد
من هر روز به مدرسه
می آیم برای اینکه
بچه هایم را بینم و از
کوشش خستگی
ناپذیر آنها لذت ببرم

آقای باکدامن اکنون دورشته متضاد را تدریس میفرمایند
یکی ریاضی و دیگری ادبیات و شاید در سالهای آینده تدریس علوم
دیگری را نیز عهده دار شوند
باید گنجینه علم بود تا چون جناب ایشان در افشانی نمود

دبیر معمم

تنها دبیر معمم دبیرستان پهلوی مظهر اخلاق و تقوی و علم و
معرفت است و وقتی وارد دبیرستان میشود مثل اینست که خورشید جدیدی

طلوع نموده است درجه نباید انکار کرد که در کاشان علمی
بزرگواری وجود دارند که هر يك چون خورشید درخشنده‌ای بر تو
افشانی میکنند بقول شاعر :

شهر کاشان از حرارت گر بسوزد باک نیست
چونکه از هر کوچه‌ای صد آفتاب آید برون

ولی این آقای تشکری ما
واقعا «شمس الشموس» هستند، این
موضوع لبایستی ناگفته بهمانند که
بنیر از روزها که جناب ایشان بچه‌ها
را به خداشناسی و اخلاق ترغیب و
تشویق مینمایند، بی‌بهایز بر روی
منابر خلق الله را بسوی خداوند
راهنمایی میکنند



کسی که در محضر مرحوم آیت الله صدر و آیت الله شریب تحصیل
نموده باشد حقا هم باید این چنین باشد و اگر جز این بودی عجب نمودی
راستی یا دم رفت بگویم که اگر همه امپینید بچه‌های مدرسه ما با ایمان هستند
برای این است که تدریس فقه و عربی یکف با کفایت ایشان سپرده شده است
واقعا نمی از عمر کسی که درك محضر ایشان را ننموده باشد
برفنا است

دیرورزش

استاد مسلم کرسی ورزش دبیرستان ما شخص شخیص
جناب آقای حمصیان است این آقا دائماً میکوشد برای اینکه مابچه های
زردولاغر را فربه و نیرومند نماید، مرتب برای پیشرفت ورزش دست
وپا میکند و اگر کسی دیر فرمانی را اجرا کند داد و فریادش با آسمان
میرسد.

وقتی میگویم: آقای حمصیان، آخر
ما که قهرمان جهان نمیشویم چرا آنقدر اذیتمان
میکنی، میگوید: شما هنوز بچه اید نمیدانید
زنیرو بودم و از آلتی



زسستی کوی آید و کاستی
خود این حقیر متجاوز از صد بار این شعر
شرا از دوا لب مبارک ایشان شنیده ام و هنوز گو

تا باز هم بشنوم

پادشاه بی تخت و تاج زمین چهل جریب، اضافه جز دیری،
بر قلوب تمام دانش آموزان دبیرستانهای کاشان و چهل جریب زمین
حکمرانی میکند ولی (اندر این ملک چوطاوس بکار است مگس
یعنی در این حکومت همه کار میکنند برای اینکه زمینها منظم و
آماده باشند)

بارها با چشمان خودم دیده‌ام که آقای مصیان مشغول جمع
آوری سنگریزه‌های زمین بسکتبال است همین فعالیت بی نظیر است
که سبب شده ورزش شهرماتا این حد پیشروی حاصل نماید و ماتا این
اندازه قوی و نیرومند شویم

از ورزش بن عقل شود نیرومند چون عقل قوی گشت شود فکر بلند
ایجان عزیز من ورزش میکوش در گوش نگهدارزش منشی این بند

آشنای فریب

سالها پیش در شهر قدیمی قم کودک کی بدنیسا آمد که دست
سرنوشت اورا برای دبیری ادبیات مابرویش داد.

چه کسی غیر از سرنوشت اطلاع
داشت که چه آینده‌ای انتظار او
را خواهد کشید. گذشت زمان
آبستن حوادثی بود حوادثی که
گاهی معلم‌مارا شاد و زمانی غمین
مینمودند. گرچه در دوره تحصیل
همه جسام و فقیهت اورا استقبال
مینمود ولی گاهگاهی در همان



لحظاتی که فرشته شادکامی با آغوش باز اورا پیشباز میگرد، چون

بعقب نظر مینمود و غیبت ناکامی رامیدید که باشیظمت مخصوص
بخود او را بدرقه میکنند

زمانیکه پایان نامه خود را از دانشکده ادبیات و دانشسرای
هالی دریافت کرد حس کرد که باری بردوش سنگینی میکنند این
بار وظیفه سنگینی بود که باو محول شده بود

بعد از سالها شاگردی حالا استاد شده بود اول کمی مشکوک
شد بعد کمی قیافه خود را و رانداز کرد هیچ چیزش تغییر محسوسی
نکرده بود چیز يك صفحه کاغذی که عکسی بر روی آن الصاق شده
بود چیز دیگری در دست نداشت ولی این صفحه کاغذ سند یافت معلمی
او بود ناچار بود بار سفر بندد و بدیاری روی آورد . همه جا را در نظر
گرفت و آخر سر شهر را از همه جا بهتر پسندید گرچه چند ماه پیشتر
از عمر معلمی این جناب نمیکند ولی در همین مدت کم رء صد ساله
پیموده است او توانسته باندازه يك دیر معلم نظر شاگردان را بخود
جلب کند شاگردان هر يك خصوصیات از دیران خود میداند خصوصیتی
که همه بچه ها از آقای خواجوی نقل میکنند منظم بودن او است
نه غایب میشود و نه تاخیر میکند . شاید پیش آمده های خارق العاده
نیز احترام او را منظور داشته و راه غیبت را براو مسدود کرده اند

این معلم غریب باندازه دیران هم شهری با شاگردان دوست و
آشنا است . غریبی که زود خیلی هم زود با ما آشنا شد ولی عجب این است
که همه ما مطمئن داریم این پیوند آشنائی آقدر مو کداست که تا باید مستدام
خواهد ماند

دیر خوش ذوق

امسال در زمرة دیران، جوان هنرمندی خودنمایی میکند که کارهای نظیف و دوست داشتنی او، هر کس را مسحور ذوق و هنر او مینماید این آقای احمد دبیری متخصص کارهای دستی و حرفه ای میباشد.



اگر شما سری با طاق
ریاست دبیرستان ویا
هموزه دبیرستان بزنید
نمونه ای از کارهایی
که دانش آموزان
زیر نظر آقای دبیری
تهیه نموده اند ملاحظه
خواهید فرمود
این کارهای با ارزش
نمونه بارز و آشکاری
از قریحه فیاض این معلم
با استعداد و معرفت یک

روح لطیف و مبتکر تواند بود

منکه هر بار چشم بیکى از کارهای دستی دوستانم میافتد بی اختیار نسبت باین آقای هنرمند یعنی آقای دبیری، یک احترام خارق العاده در خود احساس میکنم چه میتوانم بکنم، جز اینکه در مقابل این ذوق و هنر تعظیم فرود آورم و هنر او را بستايم

مقصود آزمونگاه

چهره همیشه بشاش آقای زاهد گواه شادمانی روحی و شاهد موفقیت در حوادث گوناگون زندگی است . فیلمی بدیع نمودار زندگی گذشته ایشاست . این فیلم زمانی مجسم کننده شخصیت يك فرد ورزشكار و زمانی سربازی فداكار و روزگاری در پشت ویتربن

مغازه و خلاصه مدیریت
دوایر فرهنگی میباشد
اگر این فیلم خیلی
دقیق باشد از خـلال
چین و شکن قیافه ایشان
دانش دوستی او را هویدا
میسازد



زندگی فرهنگی
او فعلا در آزمونگاه
دبیرستان سپری میشود
و این مرد کوشا همواره

برای ترقی افکار و پیشرفت علم دانش آموزان زحمت میکشد
ایشان در عین حالیکه وظیفه شاقی را بعهده دارند دانشجوی
حقوق نیز میباشد
ما امیدواریم که همه جا موفقیت این آقا را استقبال نماید

دبیر جامع

باوجودی که شعبه تخصصی این آقای دبیر رشته طبیعی است

ولی در همه جا حق اظهار عقیده

دارد



وقتی آقایان دبیران، رادیو

منزلشان خراب میشود فوراً بفکر

آقای زرکش میافتند

چند روز قبل آقای دبیری را

دیدم سراغ آقای مهندس رامی-

گرفت بعد فهمیدم که بله، کنتور

منزل ایشان بمرضی دچار شده است

خلاصه چه دردسرتان بدهم تا حالا

چنه بار چراغ قوه این حقیر سراپا

تعمیر امرمت نموده است.

در کار تدریس نیز آقای زرکش بهمین میزان جامع هستند

علوم طبیعی را که تدریس میفرمایند هیچ، زبان خارجه را نیز تقریباً

درس میدهند

تازه در زبان خارجه هم ایشان جامعند چون هم در زبان فرانسه

و هم در انگلیسی تخصص دارند. این دبیر بزرگوار در معاشرت نیز

مرد کاملی است. آنقدر خون گرم و دوست داشتنی است که اگر يك

روز بعلتی تاخیر نماید همه ما شاگردها بکرمیشویم

از یکی از آقایان دیران همین سؤال را کردم اونیز بامن هم
عقیده بود ؛ واقعاً خدایک بنده ای را چه قدر اجتماعی و دوست داشتنی
میا فریند . جل الخالق ؛

دیدی شریف

آقای شریف در سال ۱۰۳۸ در یک خانواده شریف و روحانی
کاشان پابمیدان نبرد زندگی گذاشت. چون تولد ایشان مصادف با عید
مولود بود نام آقا زاده را علی گذاشتند. علی بعد از پشت سر گذاشتن
دوره طفولیت برای شروع دوران جدیدی بآموزش مطالب نویسی
همت گماشت

پس از گذراندن دوره ابتدائی
و استفاده از محاضر علمای دینی
کاشان در آبان سال ۱۳۲۷ به خدمت
فرهنگ وارد و بتعلیم و تربیت
نونهالان همت گماشت



آقای شریف با ادامه تحصیل و
تکمیل معلومات خویش علاوه
فراوان دارد و بواسطه پشتکار در این
مدت توانسته است در امتحانات دوره
اول و دوم متوسطه و دانشسرای
مقدماتی موفق گردد و هم اکنون

با داشتن دیپلم ششم ادبی بتدریس ریاضیات و فیزیک سیکل اول دبیرستان
مشغولند.

دیپرنقاش یا نقاش دیپر

با وجودی که بقیافه آقای صنعتی بهتر برازنده بود که دیپر
چهره یا هندسه باشد ولی ایشان استاد نقاشی هستند و اقامه می کنند که میرزا
سلیمان اکبرخان نقاش قابل است بعضی اینکه پای تخته می رود با چند
خط یک مدل زیبایی برای مانپی می نماید



خط آقای صنعتی هم مثل نقاشی ایشان
قشنگ است. در این موضوع درست و دشمن
عالم و عامی متفق القولند که آقای صنعتی در
کاشان در خط و نقاشی نظیر و بدیل ندارد
هریک از ما شاگردان چند نمونه از کارهای
ایشان را برای یادگار نگه داشته ایم تا بهمه
نشان دهیم که شهر ما چه مردان با ذوق و
استعدادی را پرورش میدهد

این آقای در خلال بیست و چند سال تدریس خود اغلب بزرگان
و مشاهیر فعلی این شهر را راهنمایی نموده است .
آری خیلی از بزرگان امروز شاگردان کوچک دیروز
ایشان بوده اند

دیپرمورخ

بنازم مشهد اردهان را . واقعا عجیب است ، دهی بدان کوچکی مردی بدین
بزرگی بجامعه عرضه داشته است ، اصولا مملکت ما کشور حوادث خارق العاده

است بزرگترین مردان وطن ما چه در امروز و چه در گذشته از دههای کوچک و گمنامی برخاسته اند، شهاب الدین سهروردی بدیع الزمان فروزانفر بشرویه ای؛ عباس اقبال، آشتیانی همه مردان بانامی هستند که از قصبات بی نامی بلند شده اند

آقای ظهیری که واقعا مردی کامل عیار است در وقت شناسی از يك ساعت انومات بهتر کار میکند از معلومات نپرسید در جغرافی يك اطلس جغرافیای سیار است از کوچکترین جزایر و رودخانه ها و دهها و کوهها و کوهپایه ها) اطلاعات دقیق و موثقی دارد در تاریخ از يك الفهرست ابن النديم، بیشتر اطلاعات دارد



اگر شما از فلان مرد که در چند صد سال پیش زندگی میکرده بپرسید نام پدر و مادر و هفت جدش را هم بدست شما میدهد و سال و ماه و روز تولد و وفاتش را هم ناگفته نمیگذارد خلاصه من چه بگویم که اگر يك طومار بلند بالا هم بنویسم ذره ای از این خرمن معلومات را نمیتوانم تشریح کنم خود شما در این مدت چهار سال بهتر از خود من آقای جواد خان ظهیری را شناخته اید و به صدق گفته های من واقفید خدا این بزرگوار را حفظ کند تا مردانی تربیت نماید که چون او جامع جمیع محاسن باشند

دیر زبان

آقای عطاء الله فروغی دیر زبان انگلیسی دبیرستان ماسمیل اخلاق و خدای ذوق و سلیقه است. در اولین برخورد آنقدر با شما مهربانی و عطوفت میکند که گویی هزاران سالست با شما محشور



بوده و آنقدر در صحبت کردن رعایت نزاکت و ادب را مینماید که گویی مدتها در مدرسه (سن لوئی) تدریس درس اخلاق را بعهده داشته است.

وقتی با او مواجه میشوید متوجه میگردید که در همه کارش یک نظم و انضباط رعایت میگردد خلاصه چه بگوییم هر چه خوبان همه دارند این آقا تنها دارد

الان سه سالست که در این دبیرستان تدریس مینماید توانسته هر روز بیشتر از روز قبل در دل شاگردان جا باز کند. یک موضوع دیگر هم میگویم ولی این موضوع را بکسی نگوئید و آن این است که آقای فروغی گاهی بمرض فراءوشی دچار میشوند مثلاً شما قول میدهند که برای شما ترجمه‌ای تهیه نمایند بعد که بایشان مراجعه میکنید ملاحظه میفرمائید که متأسفانه ایشان بواسطه کثرت مشغله قول خود را از یاد برده‌اند. اینهم خیلی عجیب نیست چون هزار وعده خوبان یکی وفا نکنند.

محبوب همه

د قولیست که جملگی برآند، که آقای محمدی امروز
وابراهیم آقای دیروز مظهر صفا و حسن خلق و نمونه شاخص دوستی
و وفاداری است یکی از دوستانم که دانش آموز کلاس ششم میباشد
میکفت دوست داشتم سی سال رفوزه میشدم و بسالین رفوزه شدن
موفق میکردیدم بیشتر این بزرگوار را زیارت کنم و اغراق نیکویم
این نمونه بسارزی از
احساسات پاک دانش-
آموزان نسبت بمشارالیه
میباشد.

آقای محمدی در
سال (۱۳۲۹) از رشته
طبیعی دانشکده علوم
فارغ التحصیل شد و از
همان سال کمر همت بست
و بخدمت فرهنگ مشغول
گردید.



آقای محمدی در
مشهد ادهال تولد یافت ولی تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در
قم بپایان رسانید و پس از اخذ لیسانس بکاشان آمد
یک موضوعی میگویم که خیلی محرمانه است روزی آقای
محمدی بایکی از آقایان دیران صحبت از خدمت میکرد و وضع

فرهنگ را تشریح مینمود و از علاقه خود نسبت به دانش آموزان و پیشرفت آنها سخن میگفت. او خود را بشمی مانند میکرد که خود را میسوزاند و آتش بجان خود میزند تا مجمع دیگران را منور کند

آری :

شمع شو شمع که خود را سوزی تا بدان بزم کسان افروزی

دیرانگلیسی



آقای مصطفوی دیرانگلیسی
سیکل اول دبیرستان ماجوانی فرزانه
و دوست داشتنی است.

کلاسش همیشه ساکت و آرام
و در عین حال روحانی و بانشاط
میباشد.

بواسطه فعالیت و دلسوزی
جناب ایشان پیشرفت دانش آموزان
در زبان سریع و قابل توجه است
آقای رضا خان در شهر

خودمان متولد شده است و علاقه بکار تدریس از ناصیه متفکرانه اش
هویداست.

حقیر خود قریب چهار سال شاگردی مکتب این مرد بزرگوار
را نموده است و آنچه تجربه بمن آموخت این بود که فریاد جان-
بخش در نگاه این استاد نهفته است که شاگرد را مجبور مینماید که

تکالیف خود را و دستورهای او را وار و شکل و شاق هم باشد انجام دهد
خداوند ایشانرا اجر دهد

دبیر ورزشکار

آقای معارفی از دو لحاظ مورد علاقه و احترام است، یکی
از جنبه دبیری و دیگر بجهت دوستی، جناب ایشان قبل از اینکه برای
ما دانش آموزان دبیر باشد دوستی صمیمی و بی تکبر است

يك روز زمستان که برف سنگینی باریده بود و من خیلی
احساس سرما میکردم وقتی وارد دبیرستان شدم این آقا را دیدم که با
دانش آموزان مشغول برف بازی است از اینهمه سادگی و صفات معجب
کردم ولی موقعی که این موضوع را با خود
ایشان در میان گذاردم گفت: رفتار خشونت
آمیز و تکبر باعث بدبینی دانش آموزان
میشود.

بلی این دوست بی تکبر و مهربان
بدینگونه به ما درس زندگی میدهد

آقای مجدالدین معارفی در عین حالی
که دبیر ورزش با تجربه ای است ورزشکار



کهنه کاری نیز میباشد

پیمانند

آقای احمد منمیان در عین حالیکه ۳۰ ساعت ریاضی و فیزیک

تدریس مینماید مدیر فنی پيشاهنگی و عضو شورای هدایت جوانان
شهرستان کاشان نیز میباشد

بدون هیچ گزاره این آقا تنها دبیری است که درس دادن
را طبیعت ثانوی خود قرار داده است. شش سال است که کار میکند
و در این مدت حتی یک ساعت نیز بدون اجازه غیبت نکرده است

خودش میگوید یکساعت



به آفتاب بلند میشوم اول نماز را
میخوانم و بعد نامه های مربوط به
پیشاهنگی را صادر و وارد میکنم
و بعد از آماده شدن بدبیرستان
میآیم، راست هم میگوید چون
این عالیجناب با پشتکار بی نظیر
خود همه را باعجاب واداشته است
وقتی موضوعی مطرح میشود

عقیده و فکر خود را بدون رودر

بایستی وبا کمال شهامت ابراز میدارد آنقدر بانضباط معتقد است
که گویی مترصد ساختن یک جامعه ایده آلی است. خدا میداند شاید
هم این همه سماجت برای شاگردان شمر نمی باشد

وقتی یکی از دانش آموزان از او تقاضای عضویت در سازمان

پیشاهنگی را مینماید آقای منعمیان کنجکاو تر میشود. چندین نفر را
بررسی احوال و اخلاق متقاضی و امیدارد و تا از همه چیز مطمئن نشود
محال است نام او را ثبت نماید

یادم رفت بگویم که آقای منعمیان در سال ۱۳۲۹، فارغ التحصیل شده و با توجه به سال تولد ایشان (۱۳۰۸) و شش سال تدریس جناب ایشان از دبیران قدیمی دبیرستان مامیباغند شش سال دبیری با کمال صمیمیت بعینه شصت و سه هزاران سال حکومت بر قلوب طبقه منورالفکر اجتماعی خواهد بود

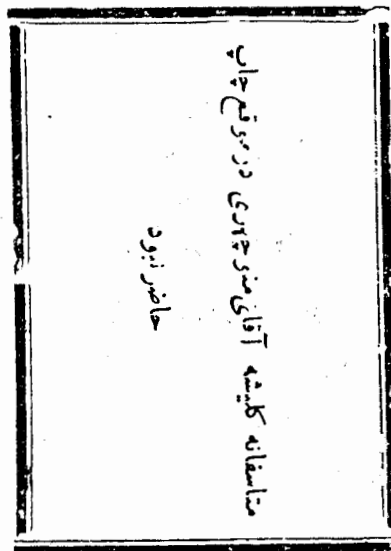
دبیر شیمی

در اواسط تابستان سال ۱۳۱۱ شمسی؛ همان موقعی که حرارت هوای کاشان طاقت فرسا بود در خانواده معظم منوچهری دبیر شیمی ما با بر صره وجود گذاشت.

پس از شیطنت‌های دوران کودکی و پس از فعالیت و جنب و جوش‌های دوران بلوغ، گذارش اول به طهران و سپس بدانشکده علوم افتاد. با همان پشتکار عجیب و فعالیت غریب خود توانست در رشته شیمی دانشکده علوم فارغ التحصیل شود

جناب ایشان در سال ۱۳۳۵

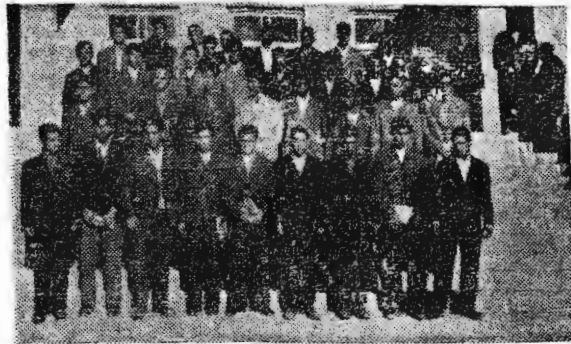
یعنی سال تحصیلی جاری دبیری



دبیرستانهای کاشان منصوب گردیدند

بی رودر بایستی باید بگویم که مادرانمذت کوتاه خاطرات
بس شیرینی از این دبیر تازه وارد داریم.
برومندباد این همایون درخت

دانش آموزان کلاسهای مختلف دیرستان ما



(دانش آموزان کلاس ششم طبیعی)



(کلاسهای پنجم ریاضی و طبیعی)



(دانش آموزان کلاس پنجم ریاضی)

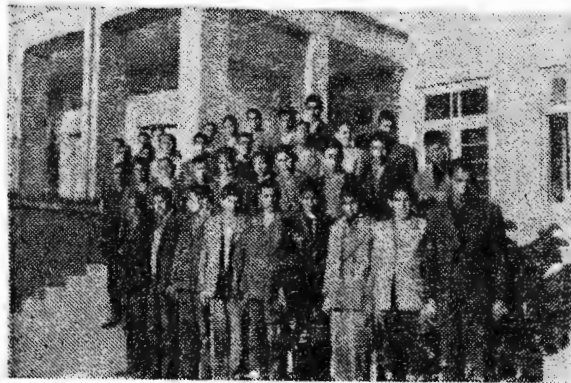


(دانش آموزان کلاس پنجم طبیعی)

(کلاسهای چهارم ریاضی و طبیعی)

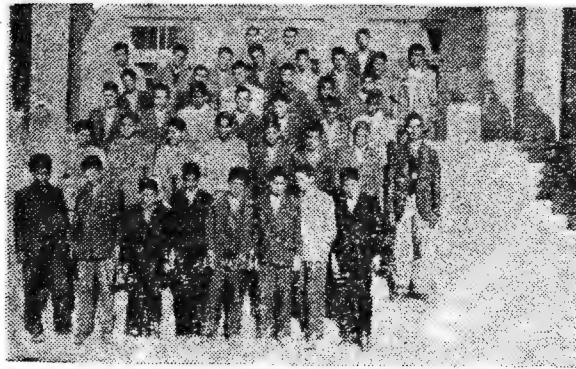


(دانش آموزان کلاس چهارم ریاضی)



(دانش آموزان کلاس چهارم طبیعی)

(دانش آموزان کلاس سوم و دوم الف)



❖ (دانش آموزان کلاس سوم) ❖

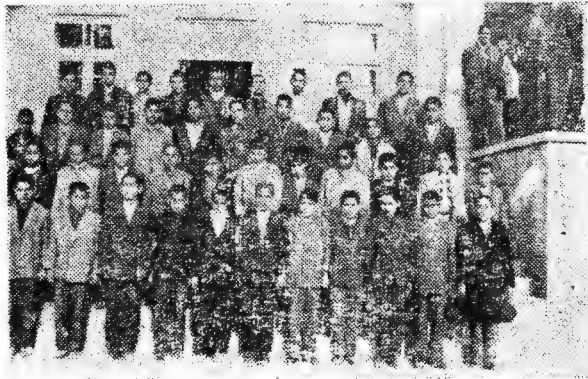


• دانش آموزان کلاس دوم الف

دانش آموزان کلاس دوم و اول



(دانش آموزان کلاس دوم)



دانش آموزان کلاس اول

«فعالیت برای پیشرفت آموزش»

آزمایشگاه

آزمایشگاه برای وضوح تئوری‌هایی است که در دروس علمی مورد بحث قرار گرفته است

دروس در صورتیکه بدون مشاهده و تجربه بخاطر سپرده شوند دیر بازود از صفحه روشن ذهن خارج میشوند در صورتی که اگر با آزمایش همراه شوند دوام و پابرجائی آنها بسی بیشتر خواهد شد. بخاطر آگاهی از این وسیله سودمند بود که وزارت فرهنگ بتاسیس و تکمیل و توسعه آزمایشگاهها اقدام و همت گماشت

دیرستان ماخو شبخانه برای توسعه آزمایشگاه فعالیت قابل تقدیری نموده است ولی باید با کمال صمیمیت اعتراف نمود که هنوز آزمایشگاه ازدو لحاظ نسبتاً مهم در مضیقه میباشد
اول از لحاظ محل که بواسطه نیمه تمام ماندن ساختمان آزمایشگاه محل فعلی چندان مناسب نیست و دیگر بواسطه کمی وسائل.

با وجودی که دبیران همواره سعی مینمایند دروس خود را بطور عملی تدریس نمایند ولی بخاطر عدم وسایل لازم منظور آنها کاملاً عملی نمیکردد. باتمام این نواقص دانش آموزان

اکثر دروس خود را با تجربه آموخته اند و طبق آمار مدون آقای زاهد متصدی
 آزمایشگاه کلاس های مختلف بدین ترتیب از آزمایشگاه استفاده نموده اند
شیمی - شیمی کلاس اول ۲۳ ساعت : کلاس دوم ۲۲ ساعت و
 کلاس سوم ۱۸ ساعت و کلاس چهارم طبیعی و ریاضی ۲۷ ساعت
 و کلاس پنجم ریاضی و طبیعی ۲۴ ساعت و کلاس ششم طبیعی ۲۴ ساعت.
فیزیک - کلاس اول ۲۲ ساعت : کلاس دوم ۲۲ ساعت ، کلاس
 سوم ۲۸ ساعت ، کلاس چهارم طبیعی و ریاضی ۲۴ ساعت و کلاس پنجم
 ریاضی و طبیعی ۲۴ ساعت و کلاس ششم طبیعی ۲۴ ساعت .
طبیعی - سیکل اول ۱۰ ساعت و سیکل دوم ۲۰ ساعت.
 آزمایش ها طبق برنامه کلاس ها و با توجه بوسایل موجود
 انجام گردیده و دبیران مربوطه بشرح زیر مییناشد
 آقایان امینی، منعمیان، شریف، (فیزیک)، آقایان منوچهری، قطبی،
 عربی، شیمی، آقایان محمدی و زرکش (طبیعی)



در عکس فوق آقای باتفاق دانش آموزان کلاس ششم طبیعی در حال
 آزمایش دیده میشوند

کتابخانه

اگر در دبیرستان سراغ کتابخانه را بگیرید شما را بسالن تختانی دبیرستان بمعلی تنک و تاریک راهنمایی میکنند که متاسفانه برای مطالعه مادرانش آموزان در نظر گرفته شده است . اینهم يك عیب دیگر نیمه تمامی ساختمان است . خود جناب آقای محسنی هم از این موضوع دل خونی دارد و هر وقت بیاد کتابخانه میافتد آهی می کشد و خاطر نشان مینماید چرا ما باید محل دیگری نداشته باشیم که برای کتابخانه در نظر بگیریم ، بهد خودش را دلداری میدهد و میگوید انشاءالله وقتی ساختمان تمام شد وضع مرتب میشود ولی ناگفته نماند که کتابخانه دبیرستان ما با وجود نقص ساختمانی حسابی کتب ذی قیمتی است که مطالعه آن برای دانش آموزان ضروری و لازم است ۲۰۰۰ جلد کتاب کتابخانه مدرسه ما نماینده افکار و عقاید مردان بزرگی است که نتیجه تفکر خود را برای ما تدوین نموده اند امروز کتابخانه دبیرستان پهلوی را آقای حسن دادگر سرپرستی مینماید

ایشان بواسطه علاقه فراوانی که بمطالعه و مباحثه دارند حداکثر سعی مینمایند که دانش آموزان بیشتر از کتابخانه استفاده نمایند .

« کارگاه »

در مقابل کتابخانه دبیرستان اطاقی قرار گرفته که در محوطه

وسیع ان همه‌روزه دانش آموزان تحت نظر جوان خوش‌ذوق و هنرمندی کارآموزی مینمایند

باید اذعان نمود که یکی از اقدامات مؤثر وزارت فرهنگ تدوین برنامه حرفه‌ای برای سیکل اول دبیرستان است این اقدام سبب تحریک ذوق شاگردان و محرض جوانان برای آموزش صنعت و هنر میگردد

نمونه کارهای شاگردان زینت بخش موزه دبیرستان ماست آری در مقابل اطاق جناب آقای عربی «اطاق موزه» قرار گرفته است. اطاقی که درودیوار آن گویای هنر هنرآموزان خوش‌قریحه دبیرستان ماست

جا دارد که بدان ماسری بدین موزه بزنند تا به فعالیت شبانه روزی فرزندان خود ایمان آورند. دبیرستان ما محیط کار و فعالیت، کوشش باصمیمیت برای آماده شدن برای يك زندگی نو و يك اجتماع نوی است ما برای ساختن این دنیای نو فعالیت میکنیم. ما ایمان داریم که آینده متعلق بمانست

مراسم مذهبی و ملی

هر روز صبح ساعت هفت و نیم بلند گوی دبیرستان برنامه مذهبی را بخش مینماید.

آقای محمد جارچی‌زاده قاری آیات کلام‌الله مجید با صدای دل‌انگیز خود مردم را بطرف خدای بزرگ دعوت مینماید.

مراسم مذهبی از این لحاظ مورد توجه اولیای دیرستان است که جوانان امروز و مردان فردا با ایمانی راسخ و با برجای پرورش یابند. در دیرستان بعد از مراسم مذهبی، هفته‌ای یکروز یعنی روزهای شنبه پس از نواخته شدن زنگ مراسم ملی برپا میشود. این مراسم تحت نظر آقای عربی ناظم دیرستان اجراء میگردد ابتدا دانش-آموزان بترتیب میایستند و پس از اینکه پرچم افراشته شد سرود شاهنشاهی و سپس سرود پرچم توسط دانش‌آموزان خوانده میشود برای افراشتن پرچم ابتدا فرمان (خبردار) داده میشود سپس سه نفر از دانش‌آموزان سیکل دوم بترتیب خاصی پرچم را نصب مینمایند این مراسم اقدام وطن پرستانه ایست که محبت شاه و وطن را در خاطر دانش‌آموزان جاوید نگاه میدارد

فعالیتهای فوق برنامه

قسمت اول سازمان پیشاهنگی

آئین پیشاهنگی جز رضای حق و تکمیل شیوه جوانمردی و ظاهر ساختن مقام عالی انسانیت چیز دیگری نیست در پیشاهنگی باید شرکت کرد و نتایج آنرا دید. بایستی بفعالیتهای پیشاهنگی دست زد و دوستی و پاکدامنی و عفاف و تقوی را سرمشق زندگی قرارداد و آن وقت انتظار نتیجه داشت.

پشاهنکی عبارتست از مجموعه عملیاتی که برای تربیت عقلی و روحی و بدنی افراد مخصوصاً برای تهذیب و تصفیه قلب و روح آنان بکار میرود. سعی میکند افراد مفیدی برای جامعه بپرورد

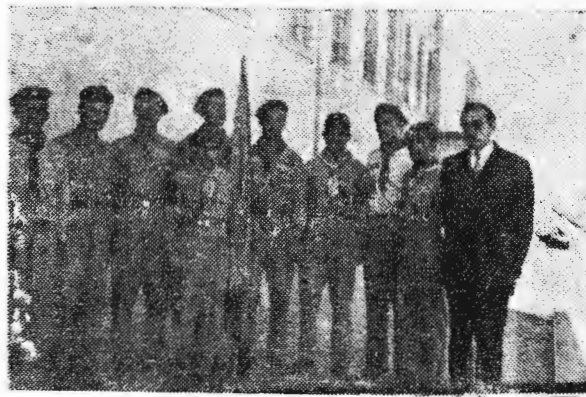
پیش آهنگ تلقین میشود که هر روز باید يك كار نيك انجام دهی. پیش آهنگ خود را موظف میداند که کارهای نیک و قابل توجه انجام دهد. او باید برای مریض همسایه دوا بخرد. اگر شخص غریبی راه گم کرد او را راهنمایی نماید. دست کوری را بگیرد و بمقصد برساند

آری باید بانعالیم پشاهنکی برای تصفیه روح مردم اقدام نمود
شاهنشاه داش برور ووالانبار ریاست عالیہ پیش آهنگان ایران برای توسعه امور تربیتی و پشاهنکی نهایت مساعی مبذول داشته اند و بخاطر توجهات عالیہ این پادشاه بزرگست که نسل جوان کشور روز بروز زنده تر و فعال تر میگردد.

ناگفته نماند که از همه جا برای شرکت در صفوف پیش آهنگی متقاضیانی وجود دارد و در شهر مانیز قریب دو سال است که سازمان مشغول فعالیت میباشد. سال گذشته نیز هشت نفر از پشاهنگان دبیرستان پهلوی بیباغ پشاهنگان درمنظریه طهران بسر پرستی آقای حسن شریف عزیمت نمودند و اضافه بر تعالیم برنامه باعهده ای از هموطنان خود و برخی از پشاهنگان ترکیه و فرانسه و چند کشور دیگر آشنا شدند البته برخی از پشاهنگان مانند آقای حسین منذری مدال دریافت نمود و آقای حسین سبکرو بنام بهترین پشاهنگ از جناب آقای دکتر بنائی مدیر فنی سازمان بدریافت مدال و نشان مفتخر

گرددید و همچنین آقای محمد کاشانیان بواسطه موفقیت در مسابقات
 پیشاهنگی بدریافت مدال مفتخر گردید
 در هر حال پیش آهنگان این دییرستان ثابت نمودند که
 روحادارای استعداد و لیاقت میباشند
 فعلا دییرستان پهلوی دارای ۱۳ نفر پیشاهنگ میباشد که ۸ نفر
 آنان بدریافت دستمال گردن از دست مبارک اعلیه حضرت همایون
 شاهنشاه مفتخر گردیدند.

احمد منعمیان



درعکس فوق جناب آقای منعمیان مدیر فنی پیشاهنگی در کنار
 پیشاهنگان دیده میشود

انجمن سخنرانی

تشکیل جلسات سخنرانی و خطابه یکی از اساسی ترین و موثرترین روشهای تهذیب و تنویر اخلاق دانش آموزان است و با اهمیتی که سخنرانی برای دانش آموزان دارد مساهمی اولیای محترم دبیرستان بیشتر در این بکار می رود تا جلسات جالب و مورد توجه دانش آموزان تشکیل گردد. به همین جهت از اوایل سال تحصیلی صحبت از انتخاب اعضاء بود تا بالاخره آقایان خلیل غفاری «رئیس» و محمود وطنی «نایب رئیس» و احمد علاقمند «منشی» با اکثریت آراء بنام اعضاء هیات رئیسه انجمن سخنرانی انتخاب گردیدند و جلسات قابل توجهی نیز تشکیل دادند که دانش آموزان محترم همه شاهد آن جلسات بوده اند.



متأسفانه کلیشه اعضاء انجمن برای چاپ حاضر نبود و بدینوسیله ما پوزش میطلبیم

انجمن سالنامه

نمونه کار و کوشش مداوم این انجمن، سالنامه ایست که از نظر مبارکشان میگذرد دقت نظر و توجه کامل بدین اثر میزانی از زحمات طاقت فرسای اشخاصی است که در ذیل اسامی و عکس آنان را ملاحظه خواهید فرمود.



آقای امیر حسن خواجوی
ریاست عالی انجمن

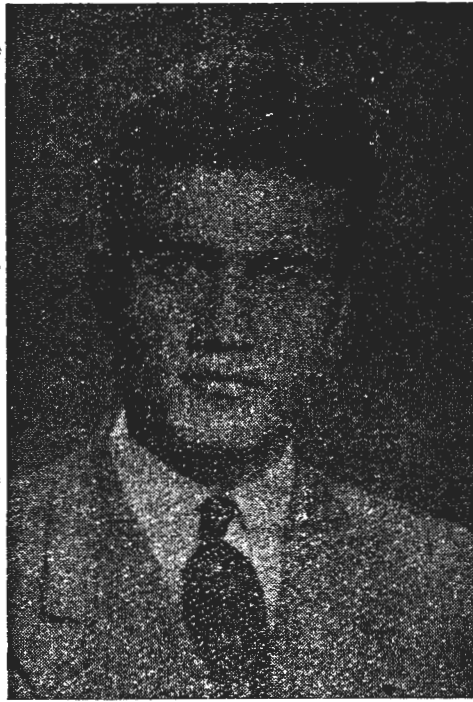
آقای رضاعطار پور مجرد رئیس انجمن



آقای جواد شمار (منشی انجمن)



آقای منوچهر صالحی منشی انجمن



آقای علی اکبر حمصی (صندوقدار انجمن)

قسمت چهارم

انجمن ورزش

در روز دهم آذر ماه انتخابات انجمن ورزش با حضور کلیه دانش آموزان دبیرستان و آقایان محمود عربی ناظم و محمد حمصیان دبیر ورزش انجام گردید و بلافاصله اخذ رای برای انتخاب هیئت رئیسه بعمل آمد در نتیجه آقایان زیر بعنوان

هیئت رئیسه انتخاب گردیدند:



آقای احمد علاء‌زهد نایب رئیس



آقای فریدون شفق رئیس



آقای محمد کاشانیان مامور خرید



آقای عباس امینی حسابدار



آقای سیحون منشی

XX

بعد از آمادگی انجمن فعالیت برای انجام مسابقات دوستانه
بین کلاسها و دبیرستانها شروع شد بطوری که پس از يك هفته
مسابقات بین کلاسهای دبیرستان شروع گردید و در مسابقات والیبال
تیم کلاس پنجم طبیعی تیم برنده دبیرستان و تیم کلاس سوم تیم برنده
سیکل اول شناخته شدند



تیم کلاس پنجم طبیعی تیم برنده والیبال دبیرستان

در مسابقه بسکتبال تیم کلاس ششم طبیعی، تیم برنده دبیرستان
شناخته شد، بطوریکه در مسابقات همه جا برتری خود را بنحوشایسته ای
نشان داد



(راجع بکلیشه صفحه قبل)

«تیم کلاس ششم طبیعی برنده بسکتبال دبیرستان»

مسابقه پینک پینک دبیرستان با شرکت ۱۸ نفر از دانش آموزان انجام گردید و در نتیجه آقای حسن سینا از کلاس ششم برنده مسابقه دبیرستان شناخته شدند.

در روز جمعه ۲۴ آفرین ۱۳۳۵ مسابقه دو صحرانوردی ۳ و ۵ کیلومتر بین دانش آموزان دبیرستانهای کاشان با شرکت ۲۵ نفر در خیابان امیرکبیر و صبا تا مهمانخانه شهرداری انجام گردید و در نتیجه آقای جعفر مشرقی برنده دو، سه کیلومتر و آقای نصرت الله قزاقی برنده دو، ۵ کیلومتر شناخته شدند و بدینوسیله پیروزی و افتخار دیگری بر افتخارات دبیرستان ما اضافه گردید
ضمناً در مسابقه دو صد متر دبیرستانی آقای محمد هاشم شاکری برنده دبیرستان شناخته گردید.



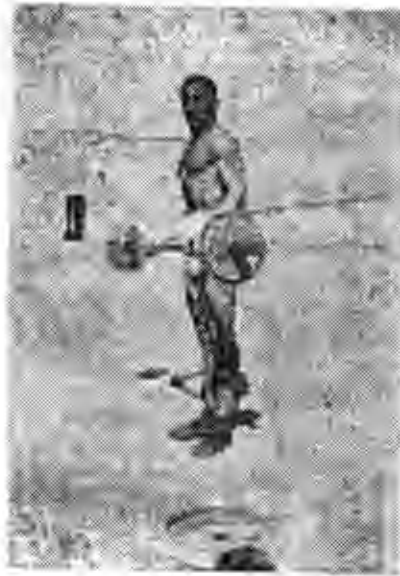
آقای

نصرت الله قزاقی —————

برنده دوه کیلومتر

نمونه
يك اندام زيبا

آقای حسن صبا
قهرمان وزنه برداری
ديريستان



آقای
شاكري قهرمان
دو صدمتر ديريستان

در اینجا لازم میدانیم از مسابقه مهیج دیگری نیز یاد کنیم
این مسابقه که برای تعیین تیم برنده والیبال دبیرستانهای کاشان
انجام گردید از هر لحاظ بدنی بود. فعالیت بی نظیر بازیکنان و دانش
آموزان دبیرستانها همراه وادار بتحصین مینمود در این مسابقات تیم
والیبال دبیرستان باکیتانی آقای علی حمصی دانش آموز کلاس
پنجم دبیرستان برنده شدند.

انجمن ورزش دبیرستان بدینوسیله از فعالیت و بازی ایشان اظهار
رضایت مینماید

انجمن شیخ و خورشید سرخ ایران

همیشه زندگی مردم در معرض خطر است، سیل و حریق و زلزله
و هزاران درد بی درمان دیگر اجتماع مارا، خانواده ما و خلاصه خود
مارا دائماً تهدید میکند. جمعیت بین المللی صلیب سرخ مرهم بودی
بخشیده است که برای درمان این مرض مهلك تعییه شده است
امروز هزاران هزار نفر در اطراف و اکناف جهان بدعوت
صلیب سرخ جواب مثبت داده اند تا با هم علیه نام لایمات طبیعت مبارزه
و مقاومت نمایند این جمعیت یک جرگه سیاسی نیست و بایند و بستیهای
سیاسی بهیچوجه رابطه و میانه ای ندارد.
صلیب سرخ تنها برای درماندگان و بخاطر و اماندگان اجتماع
بوجود آمده است.

هر جا که از با افتاده‌ای پیدا می‌شود صلیب سرخ فوراً بیاری
او می‌شتابد. خاطره سیل کاشان و فداکاری جمعیت شیروخورشید سرخ
بر هیچ‌کس از ما پوشیده نیست. به خاطر نوع دوستی هر کس که می‌تواند
بایستی با این جمعیت همکاری کند

در دبیرستان مانیز مانند اغلب دبیرستان‌های کشور انجمنی
بنام انجمن شیر و خورشید سرخ به سرپرستی جناب آقای عربی ناظم
دبیرستان تشکیل گردید و بواسطه فعالیت مشارالیه عدم اعضائه به
۶۵ نفر رسید که همه راهه هر يك مبلغی در حدود ۵ ریال به صندوق
انجمن که کما می‌کنند تا به مصرف محتاجان برسد

در انتخاباتی که برای هیئت رئیسه انجمن بعمل آمد آقایان محمد
کاشانیان (رئیس) و علی حمصی «صندوقدار» و مازندرانیان منشی
انتخاب گردیدند و به فعالیت مشغول شدند این انجمن علاوه بر تشکیل
جلسات سخنرانی و نطق و مناظره «برای آشنائی ما جمعیت» اقدامات
دیگری نیز بعمل آورد. بزرگترین قدم مؤثری که توسط انجمن
برداشته شد خرید میوه و شیرینی و تقسیم آن بین بیماران بیمارستان-
های کاشان بود این عمل انجمن شیروخورشید سرخ نمودار فعالیت
نوع دوستانه جوانان دبیرستان ما است

ما می‌کشیم تا با فقر و مرض و بدبختی و بی‌خانمانی ستیزه‌نماییم
ما می‌کشیم تا دنیای بهتری بسازیم که در داخل آن جهل و مرض
و فقر و بدبختی جایی نداشته باشد



جناب آقای محمود عربی سرپرست انجمن آقای محمد کاشانیان رئیس انجمن



آقای علی همدی صندوقدار



آقای محمدمازندرانیان (منشی)



گردش علمی

دانش آموزان خان ششم دبیرستان و پنجم ریاضی تحت سرپرستی دبیر فیزیک آقای منعمیان برای فرا گرفتن طرز کار بی سیم و تلگراف در دونوبت با اداره پست و تلگراف کاشان مراجعه و دستگاه ارسال و گیرنده را از نزدیک تحت نظر آقای مهندس معلاتی مطالعه و روی آن آزمایش نموده و مخصوص با دستگاه انورتور که در مخابرات رمز استفاده میشود کار کردند و قسمتهای مختلفه آشنا شدند و همچنین در اساس نظریه ماسک و تل و امواج هرتز آزمایشهایی شد که بی اساسه مورد توجه قرار گرفت.



آمار امتحانات و دانش آموزان از سال ۱۳۳۲ الی سال ۱۳۳۹

سال تحصیلی	کلاس	عده داوطلب	تعداد قبول شدگان	شاگردان اول	معدل کل شاگردان اول
۱۳۳۲-۳۳	اول	۵۱ نفر	۴۳ نفر		
"	دوم	۱۱۸ "	۱۱۰ "		
"	سوم	۷۸ "	۷۳ "		
"	چهارم	۳۷ "	۳۱ "		
"	پنجم	۲۱ "	۱۲ "		
"	ششم	۸ "	۷ "		
۱۳۳۳-۳۴	اول	۵۵ نفر	۴۴ نفر		
"	دوم	۳۳ "	۲۹ "		
"	سوم	۶۹ "	۵۹ "		
"	چهارم	۳۷ "	۳۱ "		
"	پنجم	۳۲ "	۲۹ "		
"	ششم	۲۳ "	۲۳ "		
"	تربیت معلم	۲۶ "	۲۳ "		
۱۳۳۴-۳۵	اول	۷۵ نفر	۷۱ ((	احمدزایه	۱۷۰۶
"	دوم	۵۷ "	۵۵ ((	اکبر تاجی	۱۸۰۲۶
"	سوم	۴۰ "	۳۴ ((	برو بزماسبی	۱۶۰۲
"	چهارم طبیعی	۴۹ "	۴۹ ((	تقی هاشمی	۱۶۰۴۰
"	" ریاضی	۲۵ "	۲۳ ((	حبیب تسلطی	۱۶۰۷۷
"	پنجم علمی	۳۲ "	۳۰ ((	محمود صفدری	۱۷۰۷۰
"	ششم طبیعی	۳۲ "	۲۴ ((	ناصر وطنخواه	۱۷۰۱۰

آمار کلی دانش آموزان از سال تحصیلی ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۶

[illegible]

وراثت

از زمانهای قدیم مسئله وراثت یعنی انتقال صفات از پدر و مادر به اولاد از مسائل مبهم و در عین حال جالب توجه بوده است و دانشمندان علم الحیات همیشه از خود می پرسیدند که چرا همیشه شباهت تامی بین افراد خانواده موجود است .

و یا چگونه صفاتی که در پدر و مادر موجود است گاهی بلافاصله با اولاد بعدی منتقل میشود و گاهی هم در چند نسل بعد ظاهر میشود؟ و یا اصولاً چرا از قور باغه و فقط بچه قور باغه از انسان فقط بچه انسان بوجود می آید؟ این تصورات اخیر موجب شده که بعضی از دانشمندان فرض کنند که در تخم قور باغه که از حیوان ماده جدا میشود یک قور باغه کوچک موجود است ولی این فرض پس از کشف میکروسکپ و مطالعه در تخم قور باغه بزودی رد شد و بطلان آن بشبوت رسید ولی هنوز مسئله روشن نبود. این موضوع را همه میدانستند که کودکی دارای چشم زاغ و یا موی بور و یا بینی دراز است این صفات باید یا در پدر و یا در مادر موجود باشد ولی این مطلب همیشه ثابت نبود زیرا اتفاق می افتاد که هر یک از صفات مذکور در یکی از کودکان آن خانواده و یا اکثر افراد خانواده ظاهر نیست و یا اصولاً در چند نسل بکلی مخفی مانده و پس از چند نسل ظاهر میگردد و همچنین در بعضی خانواده ها امراض و نقائص بدنی و ارثی دیده شده که در یکی از اجداد دور موجود بوده ولی اعقاب تا چند نسل از آن عاری بوده اند بنظر میرسیده است که مرض یا نقص بکلی از بین رفته است در صورتیکه یکباره در یکی از افراد

خانواده ظاهر میشد. مطلب تا سال ۱۸۶۵ مبهم باقیمانده بود و از این سال بود که برای اولین مرتبه کشیش گمنام اتریشی بنام مندل از یک طرف و شارل نودن فرانسوی از طرف دیگر بدون اینکه از کار یکدیگر اطلاع داشته باشند روی نباتات آزمایش پرداختند.

مندل که اوقات فراغت خود را بتربیت گلها و نباتات اهلی میپرداخت آزمایشهای خود را بر روی نخودها، بیکه دارای پوست صاف و نخود چین خورده بود شروع نمود و نتایج مهمی که بدست آورد در مجلات زمان خود انتشار داد ولی چون پایه اطلاعات علمی عصر هنوز کافی برای درک آزمایشهای مندل نبود مورد توجه واقع نگردید و بدست فراموشی سپرده شد.

درست در سال ۱۹۰۰ بود که افکار مندل توسط سه تن از دانشمندان بنام دوری ولورنس و چرمک دومرتبه روی صحنه آمد و نام بردگان مشاهده کردند آزمایشهای مندل که در روی یک گیاه بخصوص انجام گرفته درباره کلیه موجودات زنده صادق است و لذا نتیجه آزمایشهای ویرا در سه قانون بنام قوانین مندل بدنای علم معرفی نمودند و بدین طریق بود که نام وی در تاریخ علوم جاودان گردید.

قوانین مندل: اگر دو نژاد خالص از یک موش سفید نر و خاکستری ماده و یا بالعکس انتخاب نموده و جفتگیری نمایم در نسل اول تعداد بچه موشها هر چند تا که باشند برنك خاکستری ظاهر میشوند (قانون اول مندل) در اینجا نمیتوان اظهار نمود که در این موشهای خاکستری صفت سفیدی رنك وجود ندارد زیرا این موشها دور که

هائی هستند که صفت سفیدی رنگ تحت الشعاع رنگ خاکستری قرار گرفته است بنابراین رنگ خاکستری را صفت غالب و رنگ سفید را صفت نهفته یا صفت مغلوب نامند.

حال اگر موشهای خاکستری مزبور را بین خود جفتگیری نمایم نتیجه عجیبتر خواهد شد زیرا تعداد نوزادان هر چند تا که باشند به نسبت یکچهارم سفید و سه چهارم خاکستری است (قانون دوم مندل) یعنی اگر تعداد نوزادان ۴ تا باشد یک سفید و سه خاکستری خواهد بود. اکنون اگر موشهای حاصل را با هم جفتگیری نمایم فقط موش سفید خالص نتیجه خواهد شد ولی از موشهای خاکستری فقط یکسوم میتوانند موش خاکستری خالص ایجاد کنند ولی دوسوم بقیه را اگر با هم جفتگیری نمایم نتیجه همان است که در قانون دوم بیان شد یعنی باز هم یکچهارم سفید خالص و یکسوم خاکستری خالص و دوسوم خاکستری دورگه بوجود میآید (قانون سوم مندل) بطوریکه ملاحظه شد در افراد نسل دوم با وجودیکه همه خاکستری هستند معذالك رنگ سفید در آن ها نهفته است. در نسل سوم و چهارم نیز اگر تعداد موشها کم باشد اصولا ممکن است رنگ سفید ظاهر نشود و بنابراین میتوان پی برد که چگونه یک صفت در چند نسل مخفی و یا برعکس در همان نسل اول بارز و آشکار میشود .

زمانیکه مندل آزمایشهای فوق را انجام میداد علت اصلی این موضوع برای وی مبهم بود زیرا مردم هنوز از ساختمان

اصلی و درونی یاخته بی اطلاع بودند ولی امروز همه میدانیم که بدن موجودات زنده اعم از گیاه یا حیوان از عناصر بسیار کوچک ذره بینی بنام یاخته درست شده است که خود باهمه کوچکی دنیائی در آن نهفته است باز میدانیم در این یاخته علاوه بر ماده سیتوپلاسم هسته ای در وسط آن قرار دارد که در داخل آن در موقع تقسیم یاخته عناصری بنام کروموسوم که (باشکال مختلف ۷ و ۵) بوجود میآید که تعداد آن در موجودات مختلف متفاوت است مثلاً در یاخته های بدن انسان ۴۸ و در قورباغه ۲۶ و در موش ۴۰ و در کرم روده (آسکاریس) ۴ تا است و در حقیقت کروموسوم ها هستند که ناقل صفات از پدر و مادر باولاد میشوند ولی چون تعداد صفات در هر موجود زیاد ولی تعداد کروموسوم ها محدود است هر کروموسوم نمیتواند نماینده يك صفت مشخص باشد بدینجهت دانشمندان متوجه شده اند که خود کروموسومها بایستی از اجزاء کوچکتري درست شده باشند که پس از تحقیقات بذرات کوچکی که بعداً بنام ژن نامیده شده برخورد نمودند ژنها ذرات شیمیائی بسیار کوچک هستند که تعداد آن ها روی هر کروموزوم متفاوت است اضافه بر آن ژنها محل معینی را روی کروموزوم اشغال نموده اند و صفت مشخصی را منتقل میکنند. چگونگی انتقال صفات: همه موجودات زنده از گیاه یا حیوان از یاخته ای بنام یاخته تخم (که از ترکیب یاخته نر از موجود نر) و یاخته ماده از موجود ماده حاصل میشوند) فرق این دو یاخته نر و ماده با یاخته های دیگر بدن این است که تعداد کروموزم های آن نصف کروموزمهای

یاخته معمولی است مثلاً تعداد کروموزومها در یاخته های بدن انسان ۴۸ تا است ولی یاخته های نر و ماده انسان هر يك ۲۴ کروموم دارند که پس از ترکیب آن دو يك یاخته تخم ۴۸ کروموزوی ایجاد خواهد کرد. یاخته ای که دارای کروموزوم کامل باشد کلیه صفات موجود زنده را واجد است بنابراین یاخته بانیم کروموزوم نصف صفات را خواهد داشت و در نتیجه یاخته نر نصف صفات موجود نر و یاخته ماده نصف صفات موجود ماده را می آورد و یاخته تخمی که حاصل میشود هم از نظر صفات واجد صفات پدری و مادری همه از نظر کروموزوم کامل و قابل تقاء خواهد بود و میتواند موجودی را ایجاد کند که بعضی صفاتش بموجود نر و بعضی صفاتش بموجود ماده شبیه باشد.

همانطور که قبلاً گفتیم محل ژنها در روی کروموزومها ثابت است و بنا بر این تغییر محل آنها باعث تغییر کلی صفت مربوطه خواهد شد مثلاً اگر ژن ایجاد کننده چشم در یاخته تخم تغییر محل پیدا نماید موجود عجیبی ایجاد خواهد شد که چشمش در جای اصلی خود نیست و این موضوع در بدشکلیهای کروموزوم یعنی بهم چسبیدن آنها بطور تصادفی و با پیچیدن آنها بدور یکدیگر که ژنها را جابجا میکند و باعث افراد ناقص الخلقه نیز میشود کاملاً مشخص میگردد نمونه این افراد عجیب الخلقه چه در حیوانات و چه در بین افراد انسانی زیاد دیده شده است و چون اغلب مردم آنها را بدیوم و نحس میدانند بزودی آنها را از بین میبرند. امروز موفق شده اند عوامل خارجی را بر روی ژنها تاثیر دهند و تغییراتی در ساختمان جنین پدید آورند ولی

ممکنه‌اند نتوانند تغییراتی درجه‌ت درجه‌ت مطلوب بوجود آورند وراثت صفات وابسته به جنس - گاهی اوقات صفات ارثی در اندرانسان باعث میشود که از قانون مندلی پیروی نکنند ولی طبق تئوری کروموزومی قابل تغییر است مثلاً بیماری ارثی بنام هموفیلی نزد مردان وجود دارد که در این بیماری بعلت منعقد نشدن خون در رگها بامختصر خراشی خونریزی شدید در شخص ایجاد و منجر بمرگ میشود و چنین افراد بن رشد میرسند و این مرض بوسیله زنهای انتقال پیدا کرده ولی مردها فقط بآن مبتلا میشوند و زنهای از این مرض مصون هستند زیرا زن ناقل آن در زنهای موجود و بعلت نهفته ولی در مردان بعلت بارز و ظاهراست چگونگی نوزاد پسر یا دختر میشود؟! از آنچه که در بالا ذکر شد میتوان علت پسر یا دختر شدن نوزاد را نتیجه گرمی، زیرا همانطوریکه گفتیم یاخته‌های جنین نری یعنی اسپرماتوزوئیدها بعضی دارای ۲۳ و بعضی دارای ۲۴ کروموزوم هستند ولی یاخته‌های جنین ماده که همیشه منحصر بفرد است فقط ۲۳ کروموزوم دارند موقه‌یکه يك یاخته ماده (اول) بوسیله عدد زیادی از اسپرماتوزوئیدها احاطه میشود فقط تصادف در ورود یکی از آنها بداخل یاخته ماده حکم فرماست .

زیرا اگر اسپرماتوزوئید ۲۴ کروموزومی وارد شود تخم حاصله ۴۷ کروموزومی ولذا نوزاد پسر خواهد بود و اگر برعکس اسپرماتوزوئید ۲۴ کروموزومی وارد شود تخم ۴۸ کروموزومی و بنابراین نوزاد دختر خواهد بود و میتوان نتیجه گرفت که هیچ عاملی جز تصادف در تشکیل جنین پسر یا دختر دخالت ندارد.

پایان



(فـزنی)

ای مه دیر آشنا ظلم و ستم با ما چرا
ظلم بیحد ای صنم بر عاشق شیدا چرا
عاشقانرا میکشی با عشوه و جور و جفا
نیت از عاشق کشی جانانرا پروا چرا
روز اول بانگهای بردی از من دین و دل
بر نهداری دگر دست از من رسوا چرا
در ره عشق تو من مجنون تر از مجنون شدم
کارت از لیلی گرفته ماه من بالا چرا
شمع خوبانی و کرد عارضت پروانه ام
شله بر جان میزنی ای شمع جانفرسا چرا
(قدرت) از هجر رخ دلدار و مهجوری یار
دیدگان را کرده ای از اشک چون دریا چرا



دنیا فانی است تا میتوانید اعمال خیر بجا آرید و نام نیک
برای خود ذخیره نمائید که نامتان بر شمتی برده نشود

مفراط

(يك مضمون و سر لطيفه)

در ارزش گل

گل نعمتی است هدیه فرستاده از بهشت مردم کریم تر شود اندر نعیم گل
ای گل فروش گل چه ستانی برای سیم؟ وز گل عزیز تر چه ستانی بسیم گل؟
از : « کسانی مروزی »

در ارج می

من در عجم زمی فروشان، کاینان به آنچه فروشد، چه خواهند خرید
از : « عمر خیام »

در بهای حلوا

دیوانه‌ای در نشابور بدکان حلوا فروشی رفت؛ گفت « لوزینه داری ؟
گفت بلی. گفت بیادام و شکر آبادان هست؟ گفت بلی. گفت بکافور
و گلاب آغشته هست؟ گفت از بهر چه نگه میداری؟ چرا بخوری؟ بهاء آن
خوشر از آن چه خواهی خرید؟
« از روز دوشنبه خطی در تفسیر سوره یوسف بنقل مجله یغما سال اول شماره ۴ »

هجو

رشیدی شاعر معروف دربار خضر خان پادشاه ترکستان و ماوراءالنهر روزی
در حضور پادشاه عمق بخارانی ملك الشعراء دربار را بدین طریق هجا کرد.
شعرهای مرا به بی نمکی هب کردی ، روا بود شاید
شمر من همچو شکر و قند است و ندرین دو نمك تكو باید
شلفم و باقلاست گفته تو نمك - ای قلبتان ترا باید
این هجا بدینجهت بود که عمق پادشاه گفته بود که شعرهای رشیدی بی مزه
و بی نمك است.
« نقل از چهار مقاله »

(رادیو اکتیویته)

تاریخ کشف - تشعشع اجسام رادیو اکتیو - رادیو اکتیویته
مصنوعی - تبدیل مصنوعی عناصر - کاربرد مواد رادیو اکتیو

مردی تنومند در کنار غاری مترمد ایستاده بود. چشمانش مرتباً
باینطرف و آنطرف متایل میشد. از چشمانش همه چیز خوانده میشد.
میشد ادراک کرد که اودر عین حالیکه منتظر طعمه ایستکه شکم او
و فرزندانش راسیر کند از خطر حمله، حمله دیگران، دیگرانی که چون او
هستند و سرنوشت او گرفتارند نیز مصون نیست. در مغز کوچک او نیز
این فکر در تلاطم بود که زندگی چقدر مشکل است؟! او از سرنوشت
بدران خبر کم و بیش مطلع بود میدانست که پدرش موقعیکه برای
شکار رفته بود ولی پدر بزرگ بیچاره اش نیز از بی غذائی و سرما مرده بود.

آخر تاکی باید این رنج مستدام را تحمل کرد؟! این تنها کلام
اونبود دیگران هم افکاری شبیه باو داشتند همین افکار هم طراز و هم رنگ
بایه گذار خانواده ها بود و شاید بیس از صدها و هزاران سال دسته ها را بوجود آورد
حالا دیگر قدم اساسی برداشته شده بود و ارا به تکامل در سرازیری
بحرکت درآمده بود.

بشر وقتی خودش را شناخت تکالیف خود را نیز ادراک نمود
برای انجام این وظیفه بود که انسان بتکاپو افتاد هزاران سال سعی
و کوشش تاریکی را بسایه روشنیا بدل ساخت آخرین کوشش بشرشایه
روشنیا را نیز از بین برد و در طلیعه قرن نوزدهم روشنائی علم و معرفت

تمام سطح افق را فرا گرفت. آری قرن نوزدهم قرن انوار خیره کننده دانش بشری است در پیچه های علم بروی بشریت یکی پس از دیگری بوسیله دانشمندانی از قبیل نیوتون گالیله و کپلر و صدها دانشمند دیگر باز شد اگر بخواهم تمام رازهای مهم طبیعت و کشفیات عجیبی که در این دوره کشف شده شرح دهم مشغول هفتاد من کاغذ خواهد شد و متأسفانه با وجود صفحات محدودی که از طرف انجمن سالنامه در اختیارم گذاشته شده غیر مقدور خواهد بود لذا فقط بشرح یکی از پراحترتین پدید های فیزیکی که بادست نوابغی از قبیل بکرل و کوری در سالهای آخرین قرن کشف و در دسترس جهان علم گذاشته شد میپردازم.

عصر روز بیستم ژانویه سال ۱۸۹۶ بود که جلسه آکادمی علوم ریاست آقای کرنو در قصر مازارن تشکیل یافت در میان صحبت های خصوصی دانشمندان آقای هانری پوانکاره ریاضی دان معروف از جای خود برخاست یکمرتبه سکوت بر جلسه حکمفرما گردید هانری پوانکاره در حالیکه یک صفحه فیلم از کیف خود بیرون میآورد چنین ادامه داد اینک تصویر استخوانهای یکدست را که بوسیله اشعه ایکس برداشته شده است به آکادمی علوم تقدیم میدارم. این کشف عجیب ایجاد همه بین دانشمندان نمود در بین حضار آقای بکرل نیز حضور داشت و از هانری پوانکاره سؤال نمود «بنظر شما این اشعه از قسمتی از لوله که خاصیت فلوئورسان دارد خارج میشود؟» پوانکاره گفت اینطور بنظر میرسد همین موضوع سبب گردید که روی اجسام فلوئورسان آزمایشهایی بوسیله هانری بکرل بعمل آید.

نامبرده وقتی روی ملج اورانیوم که خاصیت فلوئورسان دارد آزمایش می نمود متوجه شد که این ملج دارای اشعه ایست که روی کاغذ عکاسی اثر میکند و این اثر بدون اشعه محرك انجام میگیرد (زیرا برای اشعه

ایکس اشعه کاتوری را بیک صفحه فلزی می‌تابانند اشعه ایکس خارج میشود)

پادیدن این اثر یکی از ارزنده ترین پدیده های فیزیکی کشف شده بود که رادیو اکتیویته نامیده شد باز شدن این افق جدید در جهان علم سبب شد که علما در این رشته شروع به تحقیق و آزمایش نمودند بین آنان دو تن از ستارگان درخشان علم بنام (پییر کوری) و (مادام کوری) در سال ۱۸۹۸ از سنگ معدن پشیلان- موفق به کشف دوفلز شدند- که از نظر خواص رادیو اکتیویته خیلی از اورانیم قوی تر بودند و آنها را پلونیوم و رادیم نامیدند البته این دوفلز بطور خالص نبودند بلکه ملج هالوژنه این دوفلز کشف شده بود- در سال ۱۹۱۰ مادام کوری موفق به کشف رادیم خالص گردید که ملیونها بار از اورانیم فعال تر بود و مهمترین ماده رادیو اکتیو میباشد .

تشعشع مواد رادیو اکتیو بی مناسبت نیست مطالبی درباره کیفیت و جنس اشعه مختلفی که از این اجسام خارج میشود گفته شود از مواد فوق سه نوع شعاع خارج میشوند که از نظر خواص بایکدیگر مشابه نیستند (بکرل) آنها را از میدانهای الکتریکی و مغناطیسی عبور داد متوجه شد که دو قسمت از آنها در این میدانها منحرف میشوند ولی جهت انحرافشان عکس یکدیگرند ولی قسمت سوم هیچ نوع منحرف نمیشود در اثر تحقیق دانشمندان دیگری از قبیل «پل و بلار» و «فریژکی یزل» و «راذر فورد» کشف گردید.

یک قسمت از آنها عبارتند از هلمین یعنی هسته اتم هلیوم که از بعضی مراد رادیو اکتیو خارج میشوند چنانکه میدانید عبارتست از دو تروپرون و دونوترون که آنرا اشعه آلفا می‌نامند و با سرعت بیست هزار کیلومتر در ثانیه از هسته اتم خارج میشوند و در هوا در حدود ۸ تا ۱۰ سانتیمتر

طی میکند اگر یکجسم رادیو اکتیو مثلا رادیم را در محفظه ای بگذاریم و هوای اطراف آنرا تخلیه کنیم بعد از مدتی گاز هلیم اطراف آن ایجاد میشود و همچنین از خواص این اشعه اینست که هوا را هادی میکند (یونیزه) و در اثر عبور از یک محیط که از بخار آب اشباع باشد در مسیر آن بخار آب تبدیل به آب میشود و مسیر آنرا بصورت یک خط نازک سفید نمایش میدهند چون ذرات بعد از طی مسافتی سرعت خود را در اثر برخورد ها از دست میدهند اینست که انتهای مسیر خمیده میشود.

قسمت دوم نیز که در میدانهای الکتریکی و آسیر مغناطیسی منحرف میشود عبارتست از یک فوران الکترونی که با سرعت ۲۴۰ هزار کیلومتر در ثانیه از هسته جسم رادیو اکتیو پخش میشود و آنرا اشعه بتا مینامند این اشعه نیز خاصیت میعان بخار آب و یونیزه کردن هوا را شدیدتر از اشعه آلفا دارد است و بواسطه همین موضوع است که بعد از انفجار اتمی که با تولید این دو نوع اشعه همراه است انقلابات جوی صورت میگیرد و بارانهای شدید میبارد.

قسمت سوم اشعه ایست از جنس نور مرئی و اشعه ایکس که قابلیت نفوذ آن خیلی شدید است و از اجسام سنگین حتی از ورقه های سرب که برای اشعه ایکس گذر هستند نیز میگذرد و آنها را اشعه گاما مینامند و خاصیت یونیزه کردن بسیار شدید دارند و از روی همین خاصیت وجود آنها را بوسیله دستگاهی بنام کنتور میتوان تشخیص داد اساس کار این کنتور بر اینست که در اثر یونیزاسیون هوای بین دو جوشن یک خازن ایجاد جرقه شده صدای مخصوصی ایجاد میشود هر قدر دانسته اشعه زیاد تر باشد صدا ها نزدیک بهم

خواهند بود مثلاً اگر یک مقدار رادیم را در نزدیکی کنتور قرار دهند ایجاد يك سوت پیوسته میکند.

همانطور که در کیفیت تشعشع اجسام رادیواکتیو گفته شد موضوع رادیواکتیو مربوط به هسته اتم بوده و عوامل فیزیکی و شیمیایی در کیفیت آنها تغییری نمیدهد مثلاً اورانیوم و تمام ترکیبات آن را رادیواکتیو هستند و چنانچه حدس میزنند وضع هسته این اتمها ناپایدار بوده و پیوسته از صورتی بصورت دیگر درمی آید.

تبدیل مواد رادیواکتیو - اجسام رادیواکتیو چون مرتباً ذراتی از هسته بخارج میفرستند جنسشان در تغییر است زیرا چنانکه میدانید در هر اتم یک مقدار پروتون و نوترون که هسته و یک مقدار الکترون در خارج آن وجود دارد ولی ممیز هر اتم تعداد پروتونهای آنست که آنرا عدد اتمی میگویند ممکن است دو جسم از لحاظ عدد اتمی یکی باشند و نوترونهای آنها مختلف باشد که آنها را ایزوتوپ نامند در اجسام رادیواکتیو چون ذره آلفا دارای دو پروتون و دو نوترون است پس در موقع تشعشع این اشعه ازون اتمی چهاروازه عدد اتمی دو کم میشود و بالنتیجه جسم بجسم دیگری تبدیل میشود و در موقع تشعشع ذره بتا يك نوترون هسته تبدیل بیک الکترون و يك پروتون میشود الکترون خارج شده پروتون باقی میماند و بالنتیجه عدد اتمی یکی زیاد میشود و جسم تبدیل میابد پس در معادن اجسام رادیواکتیو تمام اجسام آن باهم موجود هستند مثلاً اورانیام ۲۳۸ پس از چهارده مرتبه تبدیل و ایجاد اجسامی مثل رادن رادیم لونیوم بالاخره بجسمی که ایزوتوپ سرب است تبدیل میشود زمان این تبدیل در اجسام متفاوت است و زمانها

که لازم است تا نصف يك ماده رادیو اکتیو تبدیل شود نصف عمر میخوانند و برای اجسام مختلف این زمان از ملیونها سال تا کسرنانیه میباشد .

رادیو اکتیو ته مصنوعی - بعد از سی و پنج سال از اولین کشف رادیوم بوسیله مادام کوری و پیر کوری دختر و داماد آنها بنام ایرن کوری و ژولیو کوری موفق بکشف اجسام رادیو اکتیو مصنوعی شدند وضع کشف از این قرار بود که میخواستند از آلومی نیم بوسیله بمباران اشعه آلفا سیلیسیم تهیه کنند البته این آزمایش بوسیله دانشمندان دیگر نیز انجام شده بود بیک مرتبه متوجه شدند که بجای سیلیسیم یکجسم رادیو اکتیو قوی شبیه رادیم بدست آمد که ایزوتوپ فسفر است که آنها رادیو فسفر نامیدند با کشف این جسم عجیب انقلابی در جهان علم ایجاد شد زیرا کاربرد مواد رادیو اکتیو در علوم مخصوصاً در پزشکی بسیار زیاد بود و اجسام رادیو اکتیو گران بودند ولی این موضوع راه تهیه اجسام رادیو اکتیو را بطور زیاد بدست داد بطوریکه مبالغ بسیار زیادی از طرف تراست های آمریکائی پیشنهاد شد که باین دودانشمند پرداخت شود و امتیاز تهیه مواد بآنان واگذار شود ولی قبول نشد و این کشف بتمام جهان تقدیم گردید بعد از این جریان در تمام کشورهای متمدن جهان کارخانه های بزرگ ایجاد شد برای تهیه این نوع اجسام و موضوع دیگر بمباران اجسام بوسیله ذرات و تبدیل جسمی بجسم دیگر در دستور کار دانشمندان قرار گرفت ماشینهای قوی که آنها راسیکلوترون مینامند برای اینکار اختصاص یافت و طرز کار این دستگاهها چنین است که ذرات آلفا

یاهسته ئیدرژن سنگین رادر اثر و لتاژهای زیاد سریع کرده و اجسام مورد نظر رادر مسیر آنها قرار میدهند تا جسم دیگری تولید شود مثلاً از بمباران برلیوم بوسیله ذرات الفا کربن و نوترون بدست میآید یا در اثر بمباران آلومی نیم بوسیله ذرات آلفا رادیو فسفر و بالاخره سیلیسیم بدست میآید بالنتیجه با این کشف مهم افسانه کیمیاگری که قرنهای فکر بشر را بخود مشغول داشته بود تحقق پذیرفت.

چون بکار بردن ذرات الفا و هسته ئیدرژن برای بمباران عناصر مواجهه با این اشکال شد که خود اتمهای مهاجم دارای بار مثبت بودند و نمیتوانستند به هسته اتم نزدیک شوند با کشف نوترون این نقص نیز برطرف شد زیرا نوترون از لحاظ الکتریکی خنثی است و این وظیفه را بهتر انجام میدهد بمباران هسته بوسیله ترون ادامه یافت و امروز بیش از ۱۸۰ عنصر اکتیو مصنوعی مینامند.

کاربرد مواد رادیواکتیو مطابق فرمول انشتین که ماده عبارت از یک مقدار انرژی است یعنی وجود ماده از انرژی دو بخارج داند و مرتب بر انرژی بخش میکند و باعث شده اند که بشر بتواند از انرژی ذخیره اتم استفاده کنند و علاوه بر این در آزمایشهای بیولوژیکی و پزشکی میتوان از این مواد استفاده کرد زیرا وجود ماده رادیو اکتیوها در یک جسم هر چقدر هم که کم باشد قابل اندازه گیری است اینک برای اطلاع علاقمندان چند مورد کاربرد مواد را در قسمتهای مختلفه علوم یاد آور میشویم .

۱- چون اشعه گاما روی سلولهای زنده تأثیر میکند در پزشکی برای از بین بردن بعضی میکروبها یا برای از بین بردن نسوج زائد در

معالجه سل و سرطان مورد استفاده قرار میگیرد .

۲- برای تعیین ضریب حلالیت کرمات سرب که در آب خیلی کم محلول است آنرا بایک کرمات از یک فلز رادیو اکتیو ایزوتوپ سرب مخلوط کرده در آب حل میکنند از روی اندازه گیری ملج رادیو اکتیو میزان حل شده کرمات سرب اندازه گرفته میشود .

۳- در معالجه سیفلیس بایسموت . چون بیسموت تامدتی در بدن میماند و اثر ضد سیفلیس دارد لذا بایستی ترکیباتی از بیسموت بکار رود که مدت زیاد تری در بدن مریض بماند برای فهمیدن این مطلب ترکیبات مختلف بیسموت و یک ماده رادیو ایزوتوپ بیسموت را بشخص مریض میخورانند و از روی تشعشع ماده رادیو اکتیو زمان ماندن بیسموت را در بدن معلوم میکنند .

۴- برای تعیین مقدار خون در بدن انسان مقداری از ترکیبات مراد رادیو اکتیو رادر خون تزریق میکنند بعد از مدت کمی مقداری خون گرفته و مقدار ماده رادیو اکتیو آنرا تعیین میکنند از روی غلظت خون نسبت به آن ماده (چون در تمام خون همان غلظت هست) میزان خون تعیین میشود .

۵- از روی میزان مختلف مواد رادیو اکتیو که در یک معدن اورانیم بدست می آید و دانستن نصف عمر هر یک میتوان بزمانیکه معدن ایجاد شده بی برد و از همین خاصیت حدس زده میشود که تقریباً دو میلیارد سال است اولین سنگ در روی زمین تشکیل شده .

۶- فرضیه (آرتیوس) راهمه میدانند که هرگاه یک جسم محلول هادی جریان برق باشد در آب حل شود بدو ایون تجزیه میشود مثلاً (کلرور سدیم یا نمک طعام بدو ایون کلر بایک بار منفی و ییدرژن بایک بار مثبت) ؛ این موضوع را بوسیله مواد رادیو اکتیو میتوان

تحقیق کرد مثلاً ؛ مقداری ملح سرب و نیترات يك فلز رادیو اکتیو ایزوترپ سرب رادرا آب حل میکنند بعد مقداری کلرور سرب در آب ریخته و آنرا گرم میکنند تا کلرور حل شود بعد از سرد شدن دیده میشود که ماده رادیو اکتیو بيك نسبت درجسم رسوب وجسم محلول موجود است در صورتیکه اگر در آزمایش بجای کلرور سرب يك نمک دیگر از سرب که یونیزه نمیشود مثل تترافنیل سرب آزمایش شود نتیجه بالا بدست نمی آید یعنی جسم رادیو اکتیو در کلرور وجود ندارد پس باید قبول کنیم که اتمهای نیترات سرب و کلرور سرب تجزیه شده و بعداً جایجا شده اند.

موضوع رادیو اکتیویته را بهمین جا ختم میکنم البته باید در نظر داشت مطالبی که دراین مقاله اشاره شده است بسیار باختصار گفته شده و چون میبایست مورد استفاده دانش آموزان که منظور اصلی از انتشار سالنامه است واقع گردد لذا مطالب خیالی ساده مورد بحث قرار گرفته است.



(پند)

گرفتم که رسیدی بدانچه میطلبی
گرفتم که شدی آنچنانکه می بانی
نه هرچه یافت کمال از پیش بود نقصان
نه هر چه داد ستد باز چرخ مینائی
(منوچهری)

انترطبع جناب آقای منشی
رئیس ادیب دیپرستان شاهدخت

« غزل »

رفتی و از نامه ای روزی نکردی شاد مارا
شادمان باشی گمانم برده ای از یاد
بیش چشم خویش دارم آستین حائل، و گرنه
کنده بود این سیل اشک از ریشه و بنیاد
یا بیا بر دیده گریان متعاقب قدم نه
یافدای خویش گردان هر چه بادا باد ،
از همان روزی که جانا دیده ام آنچه و قامت
در نظر دیگر نمی آید گل و شمشاد
کی بگوشت ذره ای تاثیر بخشد گر بعمری
در که و بیکاه تا گردون رسد فریاد
پیشه ما را نباشد غیر عشق و عشقبازی
روز اول غیر از این یادی نداد استاد
در کمند عشق هستم خوشدلای (منشی) الهی
ناید آن روزیکه از قیدش کند آزاد

نومیدی اولین قدمی است که انسان بسوی ا
بر میدارد
(ناپلئون)

گردآورنده مطاور پور مجرد

دانش آموز کلاس ششم

چیز یکه نمیدانیم !

((پنج نکته))

نکات زیادی است که مانمیدانیم، بعضی چیزها را هم میدانیم ولی این دانستن فایده ای ندارد، چون مجبوریم برای خاطر دیگران، برای اینکه بر ما بخندند یا از ما نرنجند خلاف میل و قصدمان فتوی می دهیم، برای نمونه شما میدانید صحیح غلطیدن « غلتیدن » است ولی اگر درستش را بنویسید اگر آقا مملتان غلط نگیرد لااقل بشما بدویی راه میگوید که « پر تو برای من معلم زبان شده ای و دستور تعیین میکنی » این دسته از لغات و ترکیبات که بدبختانه یا خوشبختانه اکثر ادبا نیز آنرا پذیرفته اند قابل تأمل است، مراد ما در اینجا لغات یا ترکیباتی است که باید دانش آموزان را مجبور نمود تا آنها را رعایت نمایند، و اهم آنها از این قرار است.

(۱) « بر علیه و بر له »

امروز مردم در کوچه و بازار، در مسجد و مدرسه، (بر له) را « بسود » و (بر علیه) را « بزبان » معنی میکنند و بجای هم قالب میزنند، ولی این استعمال غلط است. يك غلط « بی مزه و رکیک » میدانید چرا ؟

برای اینکه « علی » حرف جر هری است و در معنی ضرر نیز میشود آنرا استعمال نمود. هو هم ضمیر سوم شخص مفرد است. پس ترکیب آن با ضمیر در صورتیکه بجای هریك از کلمات آن فارسی بگذاریم چنین

میشود «بر بضرر او» و همینطور (برله) استعمال کلمه علیه وله بدون «بر» هم صحیح نیست چون دوضمیر پشت سرهم درمی آید مثلا (بریان او او) و (بضرراو او) و این نیز ناپسند است، پس بهتر اینست که این ترکیب را کنار بگذاریم و «بسود و هزیان» استعمال نماییم.

(۲) آخره بمعنی کندی است و بالاخره یعنی بکندی و اصولا این ترکیب ساخته و پرداخته ایرانیهاست و از آن معنی آخر الامر خواسته میشود در صورتیکه معنی صحیح آن بکندی است «نه آخر و آخر الامر» پس بایستی از استعمال آن خودداری کرد.

(۳) در آخر مصادر عربی (یت) علامت مصدر جعلی عربی اضافه نمیشود پس استعمال «وضعت» و «فعلیت» غلط است و از اینها غلطتر ترکیب «خریت» و «برتریت» است که آخر کلمه فارسی اضافه کرده اند (۴) میدانید. صد، طپیدن، طهران، نفط، طهمورث، دیکته صحیحش

سد. تپیدن. تهران. تفت. تهمورس است زیرا از سی و دو حرفیکه امروز در فارسی استعمال میشود هفت حرف مخصوص زبان عربی است «ث ح. ص. ض. ط. ظ. ع.» و (ق) مشترك میان زبان عربی و ترکی است.

پس اگر کلمه ای یک حرف از حروف بالا را داشت عربی است و یا ترکی و یا مربوط یکی از زبانهای بیگانه، مگر اینکه کلمه ای فارسی بفاظ بدین حروف نوشته شده باشد مثل «طپیدن» که قبلا گفتیم صحیح آن تپیدن است ولی ناگفته نماند که غلط آن مشهور تر از صحیح آن است.

۵ - فوق الذکر - کلمه فوق از حروف دائم الإضافه است فوق الذکر بمعنی بالای ذکر است که معلوم است که نامفهوم است و بهتر آنست که بجای آن سابق الذکر بگوئیم و بنویسیم.

اثر طبع الف)

هـ (غزل) هـ

از توام ایدوست این بیگانه‌گی باور نبود
زانکه جزمهر تو دل را پیشه دیگر
کو کب بختم چرا با مهر مامم نیست جفت
طالع نحسم اگر در گردش اختر
سخت جانو بین که دور از روی جانان زنده‌ایم
زندگی هیبت بی او باللهم باور
درو لای او نبودم اینچنین رسوای خلق
راز پنهانم اگر پیدا ز چشم تر
راحت جان گر طلب کردی به جانان دل‌مبند
هر که لاف عشق زد اندیشه‌اش از سر
مهر جانانم بدور زندگی پا بند کرد
ورنه ما را مهر با گردون دون پرور
خاك پایش تاج سر کردم دگر عیبم مکن
هیچم از خاك ره جانان گرامی تر
عاشقانرا سیم اشك و زر گونه حاصل است
گرچه عاشق در بی تحصیل سیم‌وز
یا بدلا جز عشق جانان پیشه‌ای اندیشه کن
یا صبور ی پیشه‌گیر ار مهر بودش و در

آخرین بزم محبت را که اش از لطف دوست
 جز نوای چنك و غیر از خنده ساغر نبود
 مدعی گرسرزنش کردم ز عشق او چه باك
 گره لامت گویدم کش ذوق در گوهر نبود
 هرگز از لوح ضمیره نانشد سودای دوست
 گرچه او مارا بنای نیز یاد آور نبود
 دفتر مازینت و زیور بنام دوست یافت
 ورنه این افسانه ها شایسته دفتر نبود



کسیکه مالک عقل و دین است چگونه میتواند
 مالک خشم خود گردد
 ((صاحب بن الاریس))

.....

(نکته)

ما قصه سکندر و دارا نخوانده ایم
 از ما بجز حکایت عشق و وفا مپرس
 خواهی که روشنت شود احوال سرعشق
 از شمع پرس قصه ، ز باد صبا مپرس

« رادار »

رادار و جنگ بین الملل - استفاده رادار در بهبود زندگانی
بشر - اساس ساختمان و چگونگی کار رادار تصویر اشیاء در
رادار - پارازیت های رادار

رادار در جنگ بین الملل - همه بخاطر داریم که تا سال ۱۳۲۵
قریب ده سال پیش دنیا در آتش جنگ های خاموش بین المللی شعله ور
بود و از هر سو خواهران و برادران ما جان شان طعمه گلوله های مسلسل
و درمخاطره انفجار بمب و نارنجک بود در این هنگام دستگاہی بنام
رادار توسط دانشمندان فیزیک تکمیل و در میدان جنگ جهانی وارد
شد این دستگاہ توانست فواصل زیر دریائی های دشمن را در اعماق
اقیانوسها و طیاره های بمب افکن که در دل آسمانها بودند بخوبی
معین و جهت یابی نماید رادار در جریان جنگ توانست از قلب
دشمن و از مرکز پایگاههای نظامی اطلاع کافی بدست آورد بخاطر
بیاورید که نیروی عظیم آلمان چگونه دنیا را متزلزل و عالم بشریت
را متوحش ساخته بود هیچکس نمیدانست آیا تا فردا خواهد توانست
زند بماند و با خواهران و برادران خود بخوشی زندگانی کند اختراع
رادار یعنی حاصل افکار دانشمندان آلمانی بوسیله علمای امریکا
و انگلستان تکمیل و بمیدان مبارزت بین المللی وارد شد و هرآن

این دستگاه عجیب از فواصل و مراکز نیروی پیاده و هوایی و زیر دریایی آلمان اطلاع صحیح بدست داد و نقشه های نظامی هیتلر را نقش بر آب کرد هیتلر در بدو امر از اینکه نقشه های نظامی او افشا میشد ب سرداران فعال خود مظنون میگشت و حتی از شدت عصبانیت حکم اعدام بعضی از آنها را صادر نمود این بود که این دستگاه راجن صنعت و علم مینامیدند تا سرانجام دشمن توانست بر قدرت عظیم آلمان فائق آمده و او را شکست بدهد خلاصه رادار اجرای نقشه های آلمان هیتلری را در جبهه های جنگ متوقف ساخت و پرچم صلح و آزادی را بر فراز کاخ صلح جویان دنیا باهتزاز درآورد و در آن موقع که طیاره های بمب افکن آلمان در فراز آسمان دودهای غلیظ و مصنوعی ایجاد میکردند تا از خطرات ضد هوایی محفوظ باشند و بمقاصد پلید خود یعنی ویران کردن کاخهای تمدن و نابود ساختن بشر بپردازند رادار توانست آتش گرم خشم و غضب جنگجویان را تبدیل ب خاکستری سرد نماید رادار چه در روز روشن و چه در میان ظلمت شب و در میان تاریکی مصنوعی یعنی دودهای غلیظ بسیار دقیق طیاره های جنگجویان را هدف گیری مینمود آنها را سرنگون میساخت رادار ب سربازان اطمینان داده بود که در مواقع شب در سربازخانه های خود بخواب راحت بپردازند او خود به تنهایی بهتزاز چشم سرباز بیدار و بهتزاز دوربین های نجومی بخوبی حتی فواصل بمب افکن ها را که در اعماق آسمان بودند تعیین میکرد و بطور خود کار دستگاه ضدهوایی را بکار میانداخت و موتور طیاره های دشمن را قراول میرفت و او کار میانداخت سرمای شدید زمستان و دودهای مصنوعی کوچکترین اشتباهی در قراول روی او ایجاد نمیکرد آخر الامر متفقین در جنگ ناحیه رور (غرب آلمان) بکمک این دستگاهها آلمانها را شکست دادند.

استفاده رادار در زندگی - گرچه رادار روی اصل اختیاجی

در جنگ و برای جنگ اختراع شد ولی خوشبختانه باید اذعان کنیم علاوه بر استقرار صلح در سراسر جهان بطوریکه فوقاً اشاره شد اینک هم در بهبود وضع زندگانی بشر کمک مؤثری نموده است از سال ۱۹۱۲ در اقیانوس کبیر در اثر تصادم قطعه یخ بزرگی بایک کشتی عده زیادی بهلاکت رسیدند غالباً کشتیهاییکه مجهز بدستگاه رادار نمیباشند از شب و یادر روزهاییکه مه آلود میباشد کشتیها دچار تصادم بیکدیگر میشوند و بهمین طور طیاره های مسافری که فاقد رادار باشند علاوه بر تصادم بیکدیگر احتمال دارد با کوه تصادف نمایند در نتیجه طیاره و سر نشینان آن از بین بروند این است که رادار مانند سایر اختراعات همچن نیروی مخربه بمب اتمی صرف بهبود وضع زندگانی بشر میگردد که حتی کارخانه های اتمی امروز در شرف تأسیس و تکمیل است در آبادان ما (جنوب ایران) از کشتیهایی جنگی که داریم ناوبر و یلمنک میباشد که مجهز بیک دستگاه ساده رادار میباشد که میتواند با مسافرتی از آن دیدن کند.

اساس ساختمان و چگونگی کار رادار - رادار دستگاهی است

مانند رادیو که دارای دستگاه ارسال و گیرنده است اساس کار مبنی بر این است که موج میفرستد بمانع میخورد منعکس میشود از انعکاس موج دستگاه گیرنده همه چیز را روشن میسازد البته دستگاههای انتشار رادیو نیز امواج الکترو مغناطیس پخش میکند و همین امواج میباشد که از کوه و برف و باران و هوا عبور میکند این دستگاه نیز موج میفرستد پس از ارسال موج وقتی به طیاره در آسمان و یا به زیر دریایی در دریا میخورد منعکس میشود همانطور که نور در هر ثانیه با سرعت ثابت ۳۰۰۰۰۰ کیلومتر یا پنجاه هزار فرسخ طی میکند امواج رادیویی یا رادار نیز با همین سرعت حرکت میکنند چون موج را که میفرستیم پس از انعکاس

اسیلوگراف این زمان را اندازه میگیرد این اسیلوگراف در تلویزیون
 این هست میتوان بعد و ارتفاع طیاره را نیز معلوم کرد بعلاوه میتوان
 بكمك رادار اشیاء دور مانند کشتی و هواپیما رادرروی صفحه ای تشخیص
 داد توجه شد براینکه کار اسیلوگراف بسیار حساس است و چون امواج
 سریع حرکت مینمایند بایستی زمان را بدقت این دستگاه اندازه گیری نماید
 یعنی ۳۰۰ متری هم دستگاهها قادرند اندازه گیری نماید (۱۵۰ باضافه
 ۱۵۰ متر) شرح ساختمان رادار مفصل است و باین مختصر که در
 سالنامه درج میشود آنهم جهت دانش آموزان که اسم امواج را تازه
 ششم ریاضی میخواهند مشکل میباشد و تاحدی که میتوان اشاره مینمایم
 کسانیکه با اسیلوگراف کار کرده اند میدانند از لحاظ تئوری توجیه نکاتی
 که در عمل میباشد چقدر پیچیده و دقیق است البته ساختمان لامبهای رادیویی
 نیز باید واقف بود خلاصه اسیلوگراف کاتدیک از يك لوله بطول ۲۵
 تا ۵۰ سانتیمتر که هوای آنرا خالی کرده باشند و ممکن است با گازهای
 کمیاب تا فشار پنجهزارم میلیمتر نیز کار کرد در یکطرف يك سیم که بچهار
 وات اختلاف سطح داخلی است سرخ میشود و الکترون از خود خارج
 مینماید از فاصله کمی از این سیم يك استوانه مجوف بنام آند که به
 پتانسیل مثبت وصل است داخل همان لوله شیشه ایست باعث میشود الکترونها
 را از سیم میکشد سرعت بصفحه شیشه طرف دیگر اسیلوگراف میخورند
 یعنی بجدار این اشعه که از الکترونها میباشد اشعه کاتودیک مینامند
 این اشعه به بعضی مواد مانند مخلوط سیلیکات دوزنك و تنگستات
 دوکسیم که میخورد در انر فلورسانس آبی رنك میشود البته دیده اید
 بعضی از رادیوها يك لامپ دارد رنگی است که روی ایستگاه بودن
 را معلوم میکند بعد هم استوانه ایست بنام استوانه هذات با ولتاژی که نسبت

به کاتد منفی است (۲۰ وات) شدت اشعه را میزبان میکنند یعنی بار الکتریکی منفی را کم و زیاد که بنمائیم دسته شعاع حین عبور از آن بازو با فشردن میشوند و بعد خازنهایی که سطح پای آنها برهم عمود است و موجب حرکات نوسانی اشعه میشود در این جا باید یادآور شویم که الکترون خیلی جرم کمی دارد و میتواند نوسان کند میتوان آنرا میلیون دفعه بنوسان در آورد حال اگر مغناطیسی در نزدیک این شیشه باشد الکترون در میدان مغناطیس منحرف میشود بنا بر این مرکز صفحه فلورسان که وسیله الکترونها فلورسان شده از جای خود حرکت خواهد کرد و اگر میدان مغناطیسی متناوباً تغییر نماید نقطه نورانی جسم تغییر خواهد کرد ممکن است تاثیر مغناطیسی از انعکاس امواج منعکس از مانع مثل طیاره مورد نظر حاصل نمود و تغییرات شعاع صفحه فلورسان یا نقطه روشن شده را مطالعه کرد مثلاً اگر مغناطیس را با سرعت ۲۰ دور در دقیقه حول محور سیلوگراف حرکت دورانی دهیم نقطه نورانی هم با سرعت ۲۰ دور در دقیقه در روی محیط دایره‌ای بحرکت در خواهد آمد حال به بینیم امواج الکترومانیست چیست و از چه قسمتی از این امواج در رادار استفاده میشود موج که بهم خوردن محیط است مثل سنگی که در آب بیاندازیم دوایری دور میشوند همینطور رادیو طهران امواجی پخش میکند که ما می‌گیریم ۷۵ متر و ۳۴۰ متر و منتهی امواج مغناطیسی است که باتن می‌خورد و در آنتن جریانی درست میشود این جریان بوسیله لامپ‌های رادیویی تقویت میشود و بالاخره وارد بلندگوی رادیو می‌گردد و بعد تبدیل میشود در رادیوها امواج کوتاه و متوسط و بلند را از ۱۳ متر

تا ۲۰۰۰ متر نوشته اما در ادا از امواج ساتی متر يك حدود اعشار متر استفاده مینمایند و البته این امواج مانند نور بخط مستقیم سیر میکنند و عیناً قوانین نور که میخوانیم در باره این امواج ملاحظه مینمائیم که این امواج چگونه منعکس میشوند و از چوب و کوه این امواج عبور مینمایند (برخلاف نور) و با آهن مانند آئینه منعکس میشوند برای ارسال موج از آنتن بسیار بزرگی در حدود قدرت صدها کیلووات استفاده میشود این آنتن با سرعت ۲۰ دور در دقیقه میچرخد و از هر طرف امواج را بخش میکند این امواج بهر طرف حرکت میکنند و پیش میرود تا بمائمی برخورد منعکس شود و از لحظه شروع حرکت موج در صفحه اسیلوگراف دو نقطه روشن یکی نزدیکتر مرکز و دیگری دورتر پیدا میشود و حتی میتوان علاوه بر فاصله آنها سرعت نزدیک شدن یا دور شدن جسم مورد نظر را اندازه گرفت

تصویر اشیاء روی صفحه اسیلوگراف - همانطور که نور بمائمی مانند آئینه میخورد و منعکس میشود بر حسب جنس مانع شدت نور فرق میکند امواج را دار هم در انعکاس برای هر جسم به نسبت ضربی متفاوت شدت نور فرق میکند البته این ضریب هم با آزمایش ثابت میشود که برنك جسم بستگی ندارد و برای فلات از جمله بیشتر است زمین در روی صفحه «اسیلوگراف» روشن کم برنك و فلات روشن تر و آب دریا و رودخانه تازیك بنا بر این با این مقدمه فکر کنید که يك نقشه خاصی که شخص مجرب فوراً همه را تشخیص میدهد بوسیله رادار از فواصل بعید میتوان مشاهده و ادراك نمود.

پارازیت‌های رادار - در روی صفحه اسیلوگراف کاتدیک، گاهی از اوقات علائمی مشاهده میشود که ابتدا معلوم نبود از چیست بعد از تحقیق معلوم شد مربوط به عبور پرندگان ساحل دریای مازش است که دسته جمعی بین دو طرف کانال رفت و آمد می نمایند و چون امواج در اثر برخورد به پرندگان معکس میشوند اینست که در صفحه اثر ظاهر میشود. ناگفته نماند که اطلاعات مربوط بساختمان رادار را تازه سال پیش فقط قوای نظامی آمریکا و انگلستان میدانستند و قریب ده سال پیش (۱۳۲۵) پس از ختم جنگ بین الملل بتدریج تئوری و بعداً کمی اطلاعات فنی مربوط بآن در اختیار افراد گذاشته شد. انگلستان اولین کشور است که رادار را از آزمایشگاه بمیدان عمل و کار یعنی صحنه جنگ وارد کرد بعد دولت آمریکا مخارج زیادی متحمل گردید تا دستگاههای قوی تری بنام (لران) ساخت امیدواریم هم اکنون بشره ترقی از اکتشافات علمی برای بهبود تمدن و راهبری کاروان صلح و ترقی و تعالی استفاده نماید.

« پایان »



(وفا)

پروانه صفت چشم بتودوخته بودم روزیکه خبردار شدم سرخته بودم
خاکستر جسمم بسرشمع فرو ریخت این بود وفایی که من آموخته بودم

انرطبع آقای علی شریف

دبیر ریاضی دبیرستان

(تنازع بقاء)

جهان جز صحنهٔ پیکار نبود	کسی در این میان بیکار نبود
بیند چشم دل جنگ نهانرا	همانا جنبش کون و مکانرا
چه غوغائی است بر باد دل خاک	چه آشوبی است دامنگیر افلاک
همه در کوشش و جنبیدن استند	همه در جنگ و در جنگیدن استند
قرار هر چه بر این یقرا رست	وجود هر چه شرطش پایدار است
رسد هر لحظه بر هر ذره الهام	که در راه تکامل پیش نه گام
برای زنده بودن جنبشی کن	برای پیشرفتن کوششی کن
مبارز باش اگر خواهی بهمانی	و گرنه میشوی ناچار فانی

نسبت به مردم علاقمند باشید و از تظاهر بزرگی و اهمیت خویش اجتناب کنید تسخیر قلب يك فرد مهم نیست بلکه اصل حفظ آن است .

(رباعی)

با مردم دون نشست و برخاست خطاست کز صحبت دون نه جز دنی طبعی خاست
آنکس که بقدر مردم پست فزود بر او نفوذ قدری و از خود کاست

گرد آورنده. امیر حسن خواجوی

« بشوی اوراق اگر هم درس مائی

ریاست عالی انجمن سالنامه

که درس عشق در دفتر نکنجد »

ودبیر محترم دبیر همتان

*(حمله مغول و تأثیر آن در تمدن ایران) *

شما از خونریزهای مغول داستانها شنیده‌اید، ولی علت این خونریزی را نمیدانید و همینطور نمیدانید که مغولم اخیانت و جنایت مهم‌تری بایران کرده‌اند که سبب تغییر مسیر تمدن ملل اسلامی عموماً و ایران خصوصاً شده است. من بخاطر آن چیزهایی که شما نمیدانید این مقاله را مینویسم

مقدمه - وضع سیاسی ایران قبل از حمله مغول : در آخر قرن ششم هر گوشه از ایران در دست امیری بود، اتابکان فارس (سلفریان) اتابکان آذربایجان، سلجوقیان کرمان (قاوردیان)، سلاجقه آسیای صغیر، سلاجقه شام، اتابکان یزد، هریک گوشه‌ای از این خاک پهناور را در دست داشتند، این تجزیه از زمان ملکشاه سلجوقی آغاز شده بود ولی تا وقتی که مدبری چون خواجه نظام الملک زمام امور را در دست داشت تشتت ناپیدا بود. پس از قتل خواجه (۴۸۵ هجری) ملوک الطوائفی آشکار شد. کار تجزیه بآنجا کشید که شهرهائی چون ری و مراغه هریک پادشاه مستقلی داشتند، در این وضع بود که سلطان محمد خوارزمشاه در سال (۵۹۴) بعد از تکش بسلطنت رسید و بتدریج حکومتهای جزء را منقرض کرد و افغانستان را تاحدود سند بدست آورد و مازندران را تصرف نمود و سلسله‌های مختلف ماوراءالنهر

« بامیان - آل افراسیاب ، رامنقرض نمود و حدود کشور خود را
 بداخل ترکستان رسانید و با مغول همسایه شد ، سلطان محمد را
 اسکندر ثانی گفته اند ، شاید در این تسمیه با اسکندر ذوالقرنین نظر
 داشته اند چون درباره اسکندر نقل کرده اند که سلاطین مختلف را
 برانداخت بهر تقدیر آنچه درباره سلطان محمد قابل ذکر است . قدرت
 او در انقراض سلاطین جزء بوده بطوریکه اکثر پادشاهان جزء
 را برانداخت و حکومتی تمام معنی مستقل ، دور از قدرت خلیفه بغداد
 تشکیل داد .

وضع اجتماعی ایران در این دوره - بقدرت شمشیر میتوان
 ممالك زیادی را بچنگ آورد ولی نمیشود ، آنها را اداره کرد . برای
 اداره مملکت تدبیر لازمست ؛ سلطان محمد مقتدر بود ولی مدبر
 نبود اضافه بر این از سال ۵۹۴ تا ۶۱۶ (اولین برخورد با مغول
 ۶۱۴ انجام گرفت) فاصله زیادی موجود نیست ، سلطان محمد
 سالها طول کشید تا بر اوضاع مسلط شد و هنوز نفسی تازه نکرده
 بود که گرفتار دشمن تازه نفس گردید . در سال ۶۰۹ سلطان محمد
 بر سمرقند استیلا یافت و عثمان خان پادشاه سمرقند را کشت و مردم را
 در قصابیها بدار کشید . در قدیم اکثر حکام دارای نفوذ شهری بودند
 آل خجند در حدود دوست سال فعال مایشاء اصفهان بودند و همینطور
 دیگران ، واضح است که از حکومت جدید دل خوشی نداشتند و با او
 همکاری جدی ننمودند . کار خونخواری سلطان محمد بجائی رسید
 که عده ای مردم از ایران کوچ کردند آنها که اهل علم بودند بیشتر

تابآسیای صغیر رفتند (مانند بهاء ولد پدر مولوی) و آنهایی که اهل رزم بودند به ترکستان گریختند این‌کده هستند که راهنمای لشکر جرار مغول قرار گرفتند پس نتیجه گرفته میشود که مردم بسطامحمد چندان نظر خوشی نداشتند موضوع دیگر که در این‌دوره قابل توجه است و نتیجه کلام قبل را تأیید میکند تعصب مذهبی شدیدی است که در بین مردم رواج داشته است، این دوره، دوره اقتدار خلافت بغداد است. زمانی که رسول خلیفه در قرن پنجم بخراسان میرفت در نیشابور مردم قازورات استرا را کحل بصر میکردند ولی سلطانمحمد برخلاف مردم نسبت بخلیفه بدبین بود و میخواست آل علی را برمسند خلافت بنشاند. مردم فاسد زیر بار آل علی نمیرفتند، مردم عامی با تعصب از ناصر خلیفه عباسی پشتیبانی میکردند. خلیفه داهی عباسی چون وضع را چنین دید شروع بتحریر نمود. سلطانمحمد زمانی که غور را فتح نمود نامه‌های خلیفه را در خزائن پادشاه غور، دایر بتحریر آنها برضد خود یافت.

علاقه مردم بخلیفه زمانی آشکار تر میشود که سلطانمحمد ببغداد لشکر میفرستد و کار آمدان لشکر را انارک میکنند و حاضر بچنگ با خلیفه نمیشوند و با این وضع یعنی اغتشاشات پی در پی (از طرف عمال پیشینیان) و موج عصیان (بتحریر خلیفه) سلطانمحمد بالشکر مغول مواجه میشود (پیداست کزین میان چه برخواهد خاست) حمله مغول - سلطانمحمد در سال ۶۱۴ بایکدسته از مغولها مواجه شده، مغولان با وجود قلت سپاه مردانه مبارزه کردند این

تهور رعبی در دل سلطان محمد افکنده در سال ۶۹۶ چنگیز از حدود چین پیش آمد و در کاشغر قتل عام عظیمی کرد بطوریکه فرسنگها از چربی آدم سیاه شده بود، تل عظیمی از استخوان زنها و دخترها بود که از وحشت خود را کشته بودند.

چنگیز با قدرتی عظیم و شهرتی بزرگ بسرحدات محمد نزدیک شد. سلطان محمد عده‌ای برای مذاکره و جاسوسی فرستاد ولی چنگیز هدف عالیتری را در نظر گرفته بود، در کتاب طبقات ناصری نوشته شده «چنگیز خواب دیده‌ام که بزرگی بسر می‌بندد و هر چه می‌پیچد تمام نمیشود یکی از مسلمانین تعبیر کرد که او ممالک اسلامی را فتح خواهد نمود» چنگیز این تعبیر را پسندید. معلوم است که خیالی داشته که تعبیرهای دیگر را پسندیده است ممکن است چهارصد تاجری که بدست محمد کشته شد جاسوسان چنگیز بوده‌اند و گرنه سلطان محمد بجهت آنها را نمیکشت و بهانه‌ای بدست چنگیز نمیداد. مغولان بخاطر دست اندازی بکشور آباد و بر نعمتی بایران تاختند و پیروز شدند. علت پیروزی آنها خیلی چیزها بود.

چرا مغولها پیروز شدند - گذشته از یکدسته و یکجنس بودن لشکر چنگیز این مسأله را باید توجه کرد که جنک در امم سابق پایه‌اش بر قساوت بود و گرنه کشتن با چاقو و نیزه کار آسانی نبود برای چنین کشتار فجیعی باید وحشی بود و از انسانیت خبری نداشت مغولها در روی یکمیلیون آدم کشتند، این کشتار بوسیله بمب و گاز انجام نشد بلکه با اسلحه سرد میلیونها نفر بدردوزندگانی گفتند.

در مقابل کشتار فجیع در کاشغر و شهرت این حادثه؛ مردم مسلمان ممالک ایران روحیه خود را باختند در طول مدت ظهور اسلام و نفوذ فلسفه یونان و رواج ادب و ذوق هنری احساسات و عواطف مردم لطیف شده بود، رحم و عاطفه و عشق بنوع بشر مردم را از جنگ و خونریزی بیزار نموده بود، علاقه بنوع در تربیت دین المسلمین مورد نظر پیغمبر بوده است. حدیث «یکی را کشتن مثل جامه را کشتن است» و «نگهداشتن یک نفر حفظ حیات همه است» دلیل ساده و روشنی برای مدعا است. حتی اسلام از این هم بالاتر رفته و مردم را از آزار حیوانات نیز منع میکند «سید سجاد» ۲۲ سفر پیاده به حج رفت و حاضر نشد شتر را آزار دهد احمد قیل این حدیث «یکی در بیابان سگی تشنه یافت» را نقل نموده و سعدی در بوستان آورده است. پس مردمیکه با این تربیت رشد نموده اند و با این افکار دقیق و عواطف انسانی پرورش یافته اند.

«خلق سراسر نهال باغ خداوند هیچ نه بکن از این نهال و نه بر کن»
و «گیاه از خورد جانور باک نیست چرا جانور؟ جانور را چر است»
«چه کردست این گوسفند ضعیف؟ که دردست جنسی چو خود مبتلاست»
نمی توانند در مقابل قوم وحشی و خونخوار مقاومت نمایند.

علت دیگری که پیروزی مغول را مسجل نمود، یک سابقه تاریخی است که مرتبط با فکر مذهبی می باشد. از ابتدای ظهور اسلام روزیستخیز مورد توجه مسلمین بوده است، در چند جای قرآن هست که مسلمین از پیغمبر می پرسند «که قیامت کی می رسد؟» مطابق عقیده ای که عرب از یهود آموخته بود. عمر جهان را هفت هزار سال میدانستند. منجمین اسلامی هم بعداً این موضوع را تأیید کردند و هر هزار سال را مربوط بیک یکی از سیارات دانستند. برای پایان عمر جهان. در روایات اسلامی شواهد و قرائینی نقل شده است. تباهی اخلاق، فساد، دوری مردم از دین، عشق بمال

دنیا از جمله این شواهد است. در قرن ششم بواسطه وجود ملول الطوائفی و استقلال شهرها خونریزی و ظلم و خیانت زیاد شد. در قفس افتادن سلطان سنجر. کشته شدن بعضی از خلفا، کشتار فجیع کاشغرانیهام مواردی بود که مردم را متوجه کرد که فساد بنهایت رسیده و شاید وقت آنست که قیامت برسد. اضافه بر اینها چون مطابق روایات مسلمین شش هزار و دویست و چند سال بعد از آدم محمد (ص) آمد و ابتدای قرن هفتم پایان هفت هزار سال عمر جهان بایستی بوده باشد. منجمین گفته بودند که هفت سیاره در برج باد جمع میشود و عمر جهان به آخر میرسد. اینکه در حمله مغول مردم بکوهها و غارها پناه برده بودند بواسطه انتظاری بود که داشتند.

« ای خداوند هفت سیاره بادشاهی فرست خونخواره »

دلایل دیگری که پیروزی مغول را مسجل نمود، در مبحث وضع سیاسی و اجتماعی این دوره کاملاً تشریح گردید و تکرار آن مطالب باعث اطاله کلام خواهد بود .

فتح ایران - چنگیز در ابتدای حمله تقسیم سیاه کرد ، یکدسته را بسرداری (یمه و سبنای) به تعقیب محمد فرستاد این عده شهرهای خراسان را تماماً قتل هام نموده و پس از زیر و زبر نمودن ری و آذربایجان و تفلیس و قفقاز از شمال بچنگیز پیوستند خط سیر این لشکر پیاده هزارها کیلومتر بود، این سرعت، و این پیشروی سریع بیجهت نبود از بی تدبیری سلطان نیز نبود؛ (زیرا که محمد در گذشته ثابت نموده بود که آدم لایقی است) بواسطه عللی بود که ما تا آنجا که صفحات مجله اجازه میداد تشریح نمودیم . اینکه در بعضی از تواریخ برای پیروزی مغول دلایل عجیبی اقامه کرده اند

تنها بخاطر عدم دقت در حوادث تاریخی بوده است (صاحب کتاب
روضة الصفا جنگیز را از اولاد زین العابدین میدانند)

البته در همه جا لشکر مغول با این سرعت پیشرفت نکرد؛ در نقاطی
که تشتت کمتر بود و عمل مذکور وجود نداشت مردم دایرانه با مغول
جنگیدند دفاع هرات و اصفهان ثابت نمود که لشکر مغول غیر قابل
شکست نبوده است، اصفهان چهارده سال در برابر مغول مقاومت
کرد آخر نیز بواسطه اختلاف مذهبی شکست خورد، در شام مغولها
مرتب شکست خوردند و آخر نیز نتوانستند آنجا را فتح کنند. محمد
در سال ۶۱۷ در آبسکون مرد و از آنهمه جلال و جبروت کفنی نداشت
که بخاک سپرده شود. مقاومت ده ساله و کوشش جلال الدین منکبرنی
(کسیکه بر روی دماغش خال دارد) نیز نتوانست بحکومت مختصر
خوارزمشاهی سرو صورتی دهد. پس از قتل جلال الدین (۶۲۸) سلسله
خوارزمشاهی منقرض شد و مغولان جانشین آنها گردیدند تا سال ۶۵۱
مغولها ایران را با خاک یکسان نمودند و بهیچکس رحم نکردند و هیچ
چیز را باقی نگذاشتند.

حکومت ایلخانان - در سال ۶۵۱ هلاکو بایران حرکت کرد
و در سال ۶۵۴ قلاع اسمعیلیه را ویران کردند.
سال عرب چوشه صد و پنجاه و چار شد یکشنبه اول مه ذالقعده بامداد
خورشاه پادشاه هماغیلیان ز تخت برخاست پیش تخت هلاکو بایستاد
و در سال ۶۵۶ بعد او را بتصرف آورد و المستعصم را بقتل رسانید.
آسمان را حق بود گر خون بریزد بر زمین

بر زوال ملک مستعصم امیر المومنین

« سعدی »

و حکومت هلاکو دارای نتایج ذیل بود

۱- حکومت مغولی ایران بواسطه جدائی از مغولستان ضعیف شد
 ۲- امرای مغول مجبور شدند تغییر روش بدهند و با ایرانیها کنار بیایند
 ۳- مجبور شدند دوا داره مملکت از ایرانیها کمک بگیرند.
 (مانند اعراب)

۴- مجبور شدند اسلام را بپذیرند.
 ۵- یاسای چنگیزی نرم تر شد و یاسای غازانی مبدل گردید
 (یاسا بمعنی قانون)

۶- مجبور شدند با سلاطین مسلمان روابط حسنه برقرار سازند
 (البته آنها نمی پذیرفتند) احمد تکو دار قطب الدین شیرازی (۶۳۵-۷۱۰)
 را برای صلح بمصر فرستاد و نتیجه ای نگرفت.

تأثیر حمله مغول در فرهنگ ایرانی - حمله مغول تنها زیان
 کشت و کشتار بیرحمانه نبود. بزرگترین ضرر این حمله ؛ سقوط
 يك تمدن درخشان و جانشینی مردمی بدوی بود. مغز متفکر جهان
 آنروز بین جیحون و بغداد قرار گرفته بود که آنهم بایورش بیرحمانه
 لشکر چنگیز با مال سم ستوران گردید.

نظری بوضع فرهنگ ایران در قبل از حمله مغول این حقیقت
 زشت را تأیید میکند. در قرن ششم دانشمندان و ادبا و شعرای بزرگی
 چون امام فخر و غزالی و خاقانی بوجود آمده بودند و نتیجه کوشش
 و مجاهدت علماء و معلمین بزرگوار این دوره بود که در قرن هفتم نام بزرگانی
 چون عطار و مولوی و سعدی و خواجه نصیر زینت بخش تاریخ قرن
 فجایع و خونریزیهامیباشد .

ولی زمانیکه این دانشمندان روی در تقاب خاک کشیدند چهل
 مرکب بر عرصه این خاک پهناور سایه انداخت؛ جهلی که هنوز زود
 است زنگار آن زده شده شود. بین دانشمندان ایرانی قبل و بعد مغول

تفاوت بارزی وجود دارد.

قبل از حمله مغول بواسطه عوامالی، علم دردسترس همه بود درمساجد حلقات تدریس تشکیل میشد، خرج تحصیل وجود نداشت، اضافه براینها هزینه زندگی بسیار کم و بی اهمیت بود.

غزالی میگوید > انسان یا ده درهم (معادل ۳۰ ریال) میتواند دوماه زندگی کند، ملاحظه میفرمائید که ۶۰ درهم (یعنی ۳۰ ریال) کفاف بکسال یکنفر را میداده است، ولی بعد از حمله مغول، بواسطه آتش سوزیها و قتل و غارتها از میزان درآمد کاسته شد و بر خرج افزوده گردید، بطوریکه وضع فلاکت بار مردم همه جا بچشم میخورد.

هان بنگر فست دلتان و نشد جاتان ملول زین و اوهای عفن زین آبهای ناگوار معلومست باینوضع مردم نمیتوانسته اند تحصیل کنند. شما نظری بسهرورد (از توابع زنجان) بیندازید. این ده که امروز بیش از سیصد نفر سکنه ندارد در قرن ششم مولد دانشمندی چون شهاب الدین سهرودی و ابوالنجم سهرودی بوده است .

مسلم است که تمدن وسیعی لازم است چنین دانشمندی را پرورش دهد. ماصد و چند سال است محصل بارو یا میفرستیم، ۶۰ سالست مدرسه حقوق دایر کرده ایم ۲۳ سالست دانشسرای مقدماتی تشکیل داده ایم، از تأسیس دارالمعلمین، ۳۰ سال میگذرد؛ قریب ۶۴ سالست که دانشکده کشاورزی ساخته ایم و گویا صد و شش سال بیش مدرسه طب (دانشکده پزشکی) بنا شده است.

ولی شما بهتر از این میدانید که چقدر دانشمند داریم؛ صد سال فعالیت فرهنگی نتوانسته است بیش از صدی ده مردم این کشور را با سواد کند. در صورتیکه طبق روایت مورخین در ایران قدیم تقریباً همه با سواد بوده اند .

ابوعلی سینا کتاب (اشارات) خود را در درباری نوشت و
 ۱ خواهی نصیر بیشتر کتابهایش را در زندان قرامطه کتابت نمود
 این دفاع از علم بواسطه عقیده بحقیقت بود، آنها علم را
 بخاطر نفس علم دوست داشتند نه برای دیلم و لیسانس و....
 و فعالیت فرهنگی در رجال ایرانی عهد مغول نیز دیده میشود،
 جوینیها چندین مدرسه ساختند و رشیدالدین فضل الله برای طلاب
 علوم مقرری تعیین کرد، ولی این فعالیتها کم بود و نتوانست سیر
 جبری تاریخ را عوض کند و از واژگون شدن کالسه شکستهای
 که در سراسیمه گرفت جلوگیری نماید
 جایگزینی يك طبقه بدوی بجای يك ملت پرورده و حکمرانی
 قومی وحشی بجای مردمی، تمدن اولین نتیجه خود را آشکار ساخت
 این کالای نوظهور (خرافات) بود.

در تاریخ باستانی ما خرافه وجود دارد ولی خیلی کم، این
 امری طبیعی است که خرافه چیزهای بی اساس، در سایر اساطیر
 هر ملتی دیده میشود ولی در دوره مورد بحث خرافات جای علم و
 حقیقت را گرفت و ای این نتیجه بدبختانه تا با امروز نیز ادامه
 یافته است.

در قرنی که اتم شکافته میشود در مملکت ما خانه جن گیرها
 ملاذ و ملجأ بیماران و واماندگان است، پیراهن شاه عباس کبیر هم
 امروز در موزه ایران باستان با تمام طلسمها و ادعیه اش بچشم میخورد
 سلطان حسین در معاصره اصفهان آقدر طلسم بخود بسته

بود که حرکت نمیتوانست کند، اینها افسانه نیست؛ اینها هزاران
[چیز نظیر اینها، سیر انحطاط و زوال ملت متمدنی را نشان
میدهد

حمله قوم وحشی مغول این ارمغان را بما عرضه داشت. هدیه‌ای
که بعد از هفتصد سال هنوز آثار شوم آن با کمال روشنی و وضوح
بچشم میخورد.

علت دیگری که سبب کسادى بازار علم گردید سقوط بغداد
(مرکز خلافت) بود

بغداد مانند مرکز فرماندهی تمام جریانات را اداره مینمود
و مسلمانان را با هم مربوط میکرد

قبل از سقوط بغداد یکنفر مسلمان میتوانست در کشور وسیع
اسلام بسیر و سیاحت و تحصیل و تدریس مشغول باشد و از حلقات
درس و بحث استناده نماید و بوضع مردم آشنا گردد دیگر نژاد و
کشور مهم نبود، آنچه اهمیت داشت مذهب بود سقوط بغداد بمنزله
قطع رابطه علما بود واضح است که علم در اثر تماس دانشمندان با
یکدیگر پیشرفت میکند. زمانیکه این تماس و برخورد عقیده و آراء
از بین رفت علم بطرف تحجر میل میکند.

این تحجر است که بنیاد مقدمه خرابات و تشدید کننده آن
میباشد

من هر وقت درباره دو حمله تاریخی «عرب و مغول» فکر
میکنم نمیتوانم از یک موضوع غافل شوم و آن اینست که عربانه تنها

تمدن مارا واژگون نکردند (آنچه واژگون کردند فی نفسه تمدن نبود) بلکه مقدمانی فراهم ساختند که راه را برای تکامل بعدی ما هموار نمودند.

البته در این گیرودار مقداری از لغات عربی در بین ما و بهمان نسبت از آن مابین آنها رسوخ یافت ولی آنچه حائز اهمیت فراوانی بود و هست مذهب اسلام میباشد که بمنزله چراغی در پیش پای ما قرار گرفت

ولی در حمله مغول با وجودی که از نفوذ لغات ترکی (جز بمقدار کم) و تمدن آنها اثری نمی بینیم بدون هیچ شک و شبهه اثر یک جایگزینی شوم و براد باز بچشم میخورد و همین اثر متحوس سیر مذهب مقدس مارا نیز تغییر داد.

این کالائی که بارمغان آمد و همه چیز مارا دستخوش تباهی قرارداد چهل بود. چهل بود که سبب پیدایش خرافات شد و باز هم همین چهل بود که مذهب مارا با خرافه آمیخت.

نتیجه این شد که ما هم تمدن خود را از دست دادیم و هم مذهب خود را و آنچه در این جریان نصیب ما شد هیچ بود، فقط هیچ.

پایان

کاشان از نظر تاریخی

مقدمه

نظر اجمالی با وضع طبیعی کاشان

شهرستان کاشان با وسعت ۲۱۵۲۶ کیلو متر مربع در ۱۰۵ کیلومتری جنوب شرقی قم در ۳۴ درجه عرض شمالی و ۵۱ درجه و ۲۷ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ و ارتفاع ۱۱۳۰ متر از سطح دریا قرار دارد محدود است از شمال بقم و کویر نمک، جنوب باصفهان، مشرق بکویر نمک و از مغرب به محلات و گلپایگان. این شهرستان از لحاظ وضع جغرافیایی بدو قسمت متمایز تقسیم میگردد.

نواحی جنوب غربی (کرکس ۳۲۱۶ متر ارتفاع)، شرقی و مغرب کوهستانی و روی این اصل مناطق واقع در این نواحی شامل دره‌های سبز و خرم و دارای طراوتی مخصوص میباشد تابستان آن نیز بیلاقی و محل مناسبی برای مردم فراری از گرمای شهر بشمار میرود.

قسمت دیگر ناحیه ایست که بواسطه مجاورت با کویر دارای آب و هوایی بری و متغیر تابستانی گرم و سوزان و زمستانی سرد و خشک دارد اختلاف درجه حرارت آن زیاد بطوریکه حرارت متوسط تابستان

زمانی بچهل درجه سانتی گراد و درجه حرارت متوسط زمستان بر حسب تغییرات جوی گاهی بصفر تا شش درجه زیر صفر میرسد جمعیت این شهرستان طبق آمار سرشماری مورخ آبان ماه ۱۳۳۵ بالغ بر یکصد و شصت و چهار هزار و صد و سی و یک نفر می باشد از این عده ۸۲۲۶۷ نفر مرد و ۸۱۸۶۴ نفر زن هستند بدین ترتیب جمعیت نسبی کاشان معلوم گردیده بطوری که تقریباً در هر کیلومتر مربع هشت نفر زندگی می نمایند چون شهر کاشان مرکز سیاست، تجارت و ادارات دولتی است تمرکز جمعیت در شهر بیشتر است لذا جمعیت شهر به تنهایی بالغ بر چهل و پنج هزار و نهصد و نود و هشت نفر می باشد

تاریخچه کاشان و وجه تسمیه آن

نام کاشان که امروز مورد استفاده عموم است در اثر تغییرات زیادی باین صورت درآمده است. در تاریخ بیہقی ص ۲۶۴ بذام قاسان اشاره شده است ولی عرب زبانان آنرا بصورت قاسان نقل کرده اند این اسم در اثر کثرت استعمال در بین پارسیان بکاشانش نیز گشته شده تا بامروز که در بین همه مردم کاشان شایع است ناگفته نماند که زمانهای قدیم نام این شهر را چهل حصاران هم نامیده اند و از قرار قلعه بندی بخصوصی نداشته تا آنکه بروایت مرآة قاسان تالیف مرحوم عبدالرحیم ابن ابراهیم ضربابی متخلص بسہیل، زمانی که زبیده خاتون زوجہ ہارون الرشید خلیفہ مقتدر عباسی از کاشان عبور می نموده بیکي از قلعه های چهل حصاران میرسد مردم این ناحیہ کہ تازہ دین اسلام را پذیرفته بودند بنا بر عادات خود و اینکہ تجلیلی از او

بعد آمده باشد پذیرائی خاصی از زبیده خاتون نموده و آنچه را که شایسته مقام اوشت باطیب خاطر انجام میدهند زبیده خاتون را از این پذیرائی خوش آمده و در صدد برآمدن که در برابر این همه نیکی اظهار محبتی نماید از اهالی چهل حصاران خواست که از او چیزی بخواهند

مردم در برابر استدعا می نمایند که چون ما و مسکنی نداریم و در چلنگه عریضی متفرق هستیم ناچاراً مال و عیال ما مورد دستبرد دیلمان قرار میگیرد خوبست که از مافع شرو تعدی گردیده مسکن و ماوائی در نظر گرفته شود؛ زبیده خاتون بلافاصله معماران و مهندسين آن زمان را احضار و محل کنونی را برای ساختمان در نظر میگیرند و طرح برج و بارویی ریخته می شود چون در صدد پیاده کردن نقشه در روی زمین بر می آیند « همانطور که امروز نیز مرسوم است با گچ و خاکستر پاکه ساختمان را روی زمین نشان می دهند » آنان نیز با کاه نشانند روی زمین اصل به « کاه نشان » معروف گردید و کاشان امروزی از همان کاه نشان گرفته شده است ، ولی به قید من وجه تسمیه این شهر علت دیگری نیز دارد که برای اطلاع خوانندگان محترم بذكر آن میپردازم

چون قومی بنام (کاسپا) یا « کاسپی ها » که ساکنان اصلی مرکز ایران هستند در ابتدای ورود در کاشان سکونت گزیدند محل سکونت اولیه ایشان با « دان » نسبت به کاسپان یا کاسان معروف شد چون استعمال کاسپان در نزد ایرانیان قدیم ثقیل بوده به کاسان و سپس به کاشان تبدیل یافت موضوعی که این حدس را تأیید مینماید همانا وجود کوهستان (کرکس) است چون کر ؛ گر ، یا گیل بمعنی کوه است و کس مخفف کاس میباشد رو بهم این دو معنی (کوه کس) را میسرساند و کوهستان معظم و مرتفع را بواسطه انشاد باین قوم « کرکس » نامیده اند

از قرار کاسها مبتکر صنعت ظریفه کاشی کاری بوده اند و نام این صنعت منتسب باین قوم است ولی آنچه محقق و مسلم است کاشان بسی و کوشش زبیده خاتون بنا گردیده و از آن صورت قبلی در آمده جنبه شهر بخود گرفته است و نیز در آن زمان کاشان دارای استقلال کاملی نبوده بلکه نیمی از آن جزء اصفهان و نیم دیگر جزئی از دارالایمان قم بوده است در زمان بعث پیغمبر ص و قبل از آن نیز قم شهر آباد و مستقری نبوده بطوریکه در زمان خلافت عمر طرح عمران و آبادی و مسکن آن ریخته میشود و بصورت شهر مستقلی درمی آید (در حقیقت قبل از هجرت حضرت محمد ص کاشان ولایت مجزی، مستقری نبوده و مسکن و ماوای عده ای محوسان و آتش پرستان بوده است

این امر در اثر کاوشهای اخیر که توسط هیئت مسیو گیرشمان در سال ۱۳۱۴ شمسی و تحقیقات مسیو گدار رئیس کل باستان شناسی در تیه سیک، قسمت تختانی مسجد جامع کاشان و آتشکده نیاسر بعمل آمد مسلم شده است آثار مکشوفه همه حاکی از آثار چندین تمدن مختلف و دوره های گوناگون زندگانی انسان می باشد این امر می رساند که قدمت تاریخی کاشان به ۵ هزار سال قبل از میلاد مسیح رسیده است با این ترتیب (کاشان از کهنترین شهرهای ایران باستان و کهنه ترین آثار تمدنی ایران در زیر خاکهای این شهر نهفته بوده که در اثر حفاریات بیرون آمده و امروز که بموزه آثار باستان می رویم نخستین چیزی که جلب توجه می نماید همانا ظروف سفالین از تپه های سیک کاشان می باشد که بنا بر دلائل علمی تقریباً متعلق به ۵ هزار سال قبل از میلاد مسیح است و این خود مسلم است که کاهنان در آن زمان شهری آباد و دارای منزلتی بوده است).

تخقیقات و کاوشهای اخیر:

هیئت مسیو گیرشمان فرانسوی در سال ۱۳۱۴ (۱۹۳۵ میلادی) مامور حفاری در تپه‌های سیلک که در سه کیلومتری جنوب شهر کاشان سر راه فین قرار دارد میشود گیرشمان پس از مدت‌ها حفاری در تپه‌های مذکور نتیجه مطالعات خود را بطور اختصار چنین بیان می‌نماید:

آثاری که در این تپه‌ها مشاهده گردیده از نظر قدمت تاریخی در چهار طبقه مشخص و متمایز از یکدیگر تمدنهای مختلف را نشان میدهد

طبقه اول

در ژرف ترین جای تپه شمالی در ارتفاع بین هشت و یازده متر تنها آثار سوختگی هویدا است این طبقه طبیعتاً جایگاه زیستن اقوامی است که در تپه سیلک ساکن بوده‌اند از عمق هشت متر بی‌الا آثاری از دیوارهای گلی دیده می‌شود

گیرشمان معتقد است که در این محل چهار طبقه خانه که نشانی از زیستن است وجود داشته است اما مهمترین آثاری که در طبقه اول بدست آمده عبارت است از ظروف سفالین که آنها را نیز بچهار دسته میتوان تقسیم کرد سفال بیرنگ روشن با نقشهای سیاه، سفال قرمز رنگ؛ سفال سیاه رنگ، سفال بی نقش و بی رنگ، اشیاء فلزی و سنگی نیز در قسمتهای بالای این طبقه‌ها مانند میله‌های كوچك برنزی و تبر سنگی و دسته چاقو سنگی دیده شده است.

طبقه دوم

در ساختن دیوارهایی که در این طبقه قرار دارد خشت دیده میشود مردگان مانند طبقه اول در خانه‌های مسکونی خود بگور سپرده شده‌اند، ظروف سفالین که در این طبقه بدست آمده قرمز رنگ است

نقش‌هایی که در روی سفالهاست مثلشهای مشبك و خطوط منحنی یا موازیست ، گاهی نیز خطوط مارپیچی ، شاخ و برگ درخت و شکل جانداران بر روی آن دیده میشود

طبقه سوم

طبقه سوم و چهارم در تپه جنوبی است ، کاوشهایی که در این تپه شده تا ژرفای ۳۸۵ متر از سطح جلگه پایین رفته ظروف سفالین این دوره از دوره‌های پیش بسیار ظریف‌تر است ، نقشهای ظروف اکثر سیاه رنگ مخلوطی از نقش حیوانات و خطوط هندسی است .

آثار متوش را با آثاری که در شوش بدست آمده میتوان هم عهد و متشابه دانست . در آثار فلزی این طبقه با انواع خنجر ، داس ، تبر که از مس و برنج ساخته شده است بر میخوریم آخرین قسمت این طبقه را قشری از خاکستر پوشانیده که گواه است بر آنکه شهر طعمه آتش شده است.

(طبقه چهارم)

آثار این دوره بکلی با آثار دوره‌های دیگر متفاوت است و متعلق به اقوام جدید میباشد؛

در تپه‌های سلیك بطور کلی سیر تمدن بشری بنحو بارزی هویدا است گیرشمان معتقد است برای آنکه يك خانه مسكونی ساخته شود و مدتی مورد استفاده باشد و سپس متروك شده و از میان برود هفتاد و پنج سال زمان لازم است و چون در تپه سلیك هفده مرتبه خانه یکی پس از دیگری توسط اقوام مختلف ساخته شده است ، پس تاریخ اولین تمدن در تپه سلیك را میتوان تا اواخر هزاره پنجم قبل از میلاد مسیح حدس زد .

مسیو گیرشمان دو قبرستان مجاور تپه‌های سلیك را نیز مورد کاوش قرار داده و چنین استدلال میکند که این قسمتها متعلق به ۱۴۰۰ قبل از میلاد مسیح میباشد ولی آثار دیگری که میتوان پس از آن دوره‌ها در نظر گرفت

آثار مربوط بدوره پیش از اسلام است میوه گدار نیز در این مورد تحقیقات کافی نموده و حقیقت آن روشن شده است مهمترین آنها آتشکده ایست در نیاسر که از دوره ساسانی برجای مانده که این آثار بهر و زمان ویران گردیده و اخیرا توسط اداره باستان شناسی تعمیر گردیده است این آتشکده بر بالای تپه ای قرار دارد که مشرف بر تمام نقاط نیاسر است در قسمت پایین این آتشکده چشمه جوشانی قرار دارد که از بالای تپه پیاپی آن سرازیر می شود و از جوار آتشکده از محل خاکهای رسوبی سخت عبور نموده از محلی بنام طالار فرو می ریزد و تشکیل آبشار زیبایی را داده که از دور هویدا است در اطراف این ارتفاعات حجرات و سوراخهایی شبیه غار دیده می شود اما غار نیست بلکه پناهگاه و محل زیست آدمیان آن زمان بوده است و گویا مربوط به راهبین و خادمین آتشگاه این ناحیه بوده باشد این حجرات تماما باهم مربوط بوده و اثر دست انسانها در تراش سنگهای آن کاملا هویدا است این آتشکده بسبب معماری دوره ساسانی است و در اطراف آن قبور متعددی است که مربوط بدوره اسلامی می باشد. در اثر کاوشها و تحقیقات فراوان در قبرستان مزبور آثار سفالی ساده از قبیل کوزه - خمره - ظروف دیگر گلی و ییگانه های برنزی از قبور آن بیرون آورده اند و این خود دلیل بر آثار دوره قبل از اسلام است با این وصف معلوم می گردد که نیاسر در دوره قبل از اسلام بسیار معمور و آباد بوده است اگر قدری بجلو آمده و سیر تاریخ را در نظر بگیریم مشاهده می کنیم که در این شهرستان آثار دوره اسلامی بیش از همه جلب توجه نموده و با اسناد و دلائل کافی و وافی عظمت تاریخی این شهر را در همان دوره

میرساند بهترین و زنده‌ترین آثار ایندوره بنای مسجد جامع کاشان واقع در میدان کهنه است که طبق تحقیقات مسیوگدار رئیس کل باستانشناسی بنای این ساختمان در سال ۶۶۶ هجری انجام گرفته و مناره‌ای در آنجا برپاست که کتیبه بالای آن با آجر تهیه شده و میرساند که مربوط بدوره سلطان جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی است (۶۶۵-۷۸۵) این مسجد برورزمان ویران گردیده ولی در سال ۱۱۹۶ بوسیله عبدالرزاق خان کاشی مرمت گردیده است اما چون در تعمیر آن از آثار قدیمه محافظت بعمل نیامده و بواسطه بی‌مبالاتی از بین رفته بانی این مسجد هنوز معلوم نگردیده است تنها اثری که از دوران گذشته در آن باقیست همانا محراب بسیار عالی است که گچ‌بری آن مطابق سبك گچ‌بری قرن پنجم و ششم هجری میباشد که متأسفانه آنهم تاجائی که در دسترس اطفال بوده خراب و از بین رفته است این محراب در قسمت شبستان غربی مسجد قرار دارد و جدار محراب از آجر با خشت نیست بلکه با گل و طرح گبری و چنین و آنمود میکند که محراب‌ها از وسط دیوار گبری در آورده باشند

این آثار باستانی نیز همه در اثر مرور زمان از بین رفت و کار بجائی رسید که بکلی مسجد از حیز انتفاع افتاد ولی خوشبختانه در سال ۱۳۱۸ خورشیدی مردی نیکوکار و خیر بنام آقای حاج میرزا محمد حسین فقیهی نراقی باعزمی راسخ بتعمیر کامل و اساسی مسجد پرداخت و تمام کاشی‌کاریهای زیبای ایوان، رونمای کامل گلدسته و ساختمان کلیه قسمتهای فوقانی و تحتانی مسجد را با طیب خاطر باتمام [

رسانید و باین ترتیب نام نیکی از خود بیادگار گذارد
در این مورد اداره کل باستان شناسی نیز در دیماه ۱۳۲۰
خورشیدی بانصب سنگی در مسجد از زحمات آنمرد نیکو کار
قدردانی نموده است

مناره زین الدین

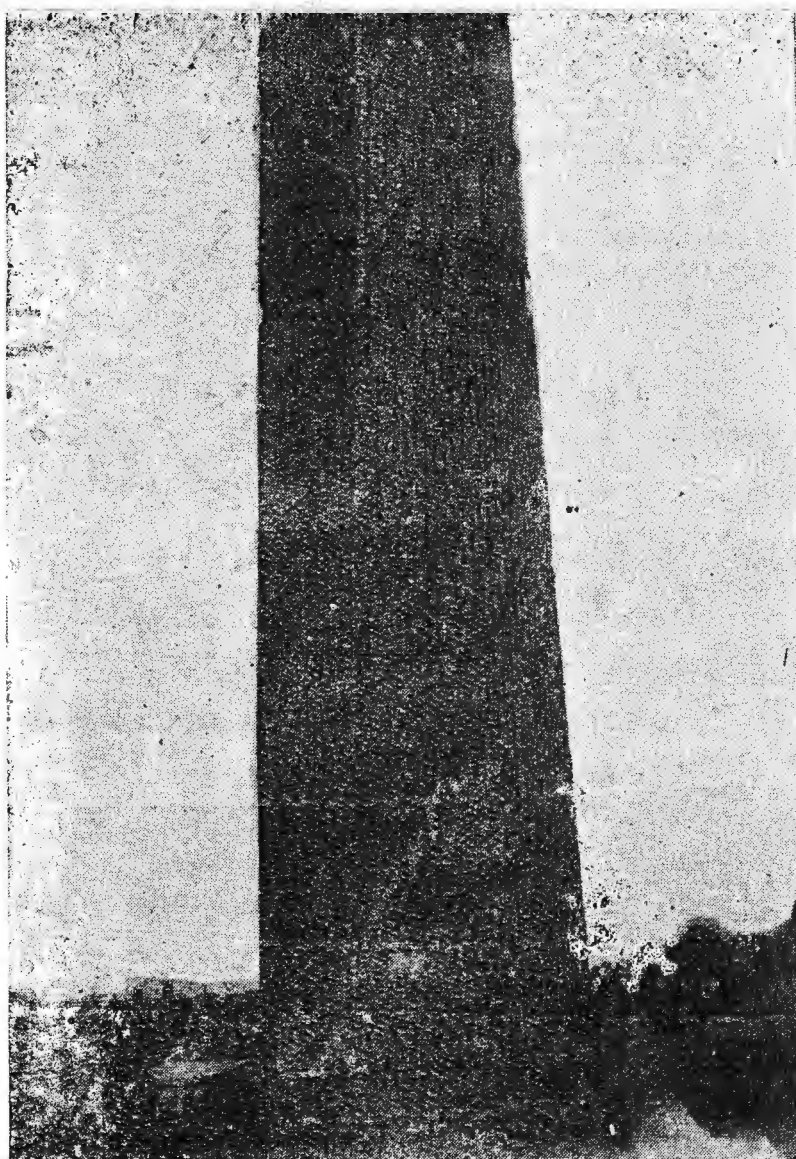
از بناهای دیگر دوره سلجوقی مناره نیمه ویران زین الدین است
این مناره که امروز در حدود نصف آن باقی است دارای خمیدگی
عجیبی میباشد، نظر عموم بر آنست که از ابتدای ساختن مناره دارای
این خمیدگی بوده است و ظاهراً برای کارهای علمی در نظر گرفته اند.
این بنا تاسی سال قبل تقریباً سالم بوده ولی بواسطه ارتفاع زیاد
ویمی که مردم از آن داشتند قسمتی از آن را خراب نموده و بدین ترتیب
از ارتفاع آن کاسته شده است (تصویر مناره قبل از خراب شدن در
کتاب دیولافوا دیده میشود)

(گراور مقابل نمونه ای از وضع فعلی مناره است)

ولی آثار دوره اسلامی منحصر بشهر کاشان نیست بلکه در اکثر
قراء و قضبات کاشان آثار این دوره که نمونه بارزی از قدمت آنها
بشمار میرود دیده میشود،

۱- منبری است در نطنز که از چوب تهیه شده و فعلاً نیز موجود
است ، این منبر متعلق بقرن پنجم هجریست

۲- مسجد جامع نطنز که ظاهراً در سال ۷۰۴ هجری در دوره



سلطنت سلطان محمد خدا بنده از سلسله ایلخانان عمارت گردیده است
(سلطان محمد مروج مذهب شیعه بوده و در ایران مساجد زیادی
بنانهاده است)

۳- مقبره شیخ عبدالصمد که متعلق به ۷۰۷ هجری قمری است
۴- مسجد جامع میمه نیز مربوط بدوره سلجوقی است در این
مسجد سنگ محراب مرمری دیده می شود که با خط کوفی در نهایت
ظرافت و زیبایی سوره آیه الکرسی و نام صانع انرا ذکر نموده ولی
تاریخ بنای آن نوشته نشده است (این سنگ بموزه ایران باستان انتقال
داده شده است) از بناهای ایندوره که بگذریم وبدوره خود نزدیک
شویم آثار دوره مغول نیز در کاشان فراوان است که هر یک از
نظر تاریخی دارای اهمیت زیادی هستند ومهمترین آنها بشرح زیر
ذکر می گردد

۱- بنای مسجد عمادالدین محمود معروف بمسجد میدان از عهد
ابو سعید بهادر ۷۱۶ - ۷۳۶ هجری می باشد منبری که اکنون در بنای
مسجد از کاشی معرق برپاست بهترین گواه بر تاریخ بنای آن است
براین منبر نام سلطان ابوسعید با کاشیهای زیبایی نقش گردیده است
این بنا دردوره سلطنت جهانشاه بن قره یوسف قره قویونلو توسط
خواجه عمادالدین محمود مرمت گردید و برابنیه آن نیز افزوده شد
کتیبه ای در مسجد بنام جهانشاه قره قویونلو وزن او مهد علیا موجود
است که بنوبه خود از نظر باستانی جلب نظر می کند این مسجد
دارای موقوفات زیادی بوده و وقفنامه ای هم در این باره تنظیم

گرددیده که این آن در دسترس است در دوره شاه اسماعیل صفوی نیز
مجدداً مرمتی از این مسجد بعمل آمده است .

۲- مزار باباافضل حکیم وفیلسوف مشهور نیز مربوط بدوره
مغول است این مزار انتهای قریه مرق در دامنه کوهی قرار دارد
و چون مورد توجه مردم بوده بر مزار آن ساختمان زیبایی بنا گردیده
که هم اکنون نیز زیارتگاه مردم آن نواحی است . بر روی مزار
او صندوقی است که از دوره شاه اسماعیل صفوی (۹۰۷-۹۳۰) از
چوب سیاه رنگی که گویا از هند آورده باشند ساخته شده است
دورادور این صندوق سوره ديس بخط بسیار زیبایی کنده شده و
تاریخ آنرا ۹۱۲ هجری حک نموده اند

۳ - بهترین و باصفا ترین آثار دوره صفوی که جلب توجه جهان
گردان و سیاحان را نموده و هر کس که پای بر این شهر نهد بسوی او
رهسپار می گردد همانا باغشاه فین درشش کیلومتری جنوب غربی
کاشانست

این باغ دارای ساختمانهای مجلل و باشکوه که همگی حاکی
از اهمیت و فکر بلند بانی ساختمان یعنی شاه عباس یکانه پادشاه
عادل و لایق صفوی می باشد در این باغ پادشاهان دیگر نیز بنوبه
خود آثاری بیادگار گنارده اند که بطور اشاره ذکر می گردد
از ابتدای ورود بیاعشاه ساختمانهای بالارزش و تاریخی بدین

ترتیب یکایک جلب نظر می نمایند :

الف- قسمت سردرب باغشاه که ازدو طبقه ساختمان معروف به (غلامانها) تشکیل گردیده و در گذشته محل مخصوصی جهت نشستن شاه بشمار می رفته است و شاه در آن محل چوگان بازی واسب سواری سربازان را در قسمت جلو باغشاه مشاهده می نموده است این قسمت امروز تقریباً خراب ولی در سالهای اخیر تعمیر جزئی از آن بعمل آمده است

ب- در قسمت وسط باغشاه يك ساختمان معروف بکلاه فرنگی دیده می شود که در گذشته شامل ۵ طبقه و تمام سطح و دیواره آن از بهترین مرمرها تزئین بافته و دارای درهای منبت کاری و شیشه های رنگارنگ و سقفی منقش که از بهترین نمونه نقاشی های دوران صفویه بشمار می رفته مزین بوده است ولی امروز از آنچه آثار تنها دو طبقه که آنهم در اثر عوامل مختلف خراب گردیده بیشتر باقی مانده است در جلو این بنا شترگلوی معروف شاه عباسی است در همین ساختمان شتر گلوست که شاه صفی نوه شاه عباس تاجگذاری نموده است درونمای شمالی شتر گلو اخیراً بدستور جناب آقای خلودر رئیس فرهنگ از بهترین کاشیها بزرگ کاشی کارهای اصفهان زینت یافته است .

ج- در قسمت جنوب باغشاه روبروی عمارت کلاه فرنگی سالن معروف شاه عباسی قرار دارد و دو جلوه این سالن حوضی است بنام حوض جوشان که در گذشته سطح آن تماماً از آجرهای گل برآجسته مفروش بوده و دارای ده ها سوراخ که هر يك منتهی بفواره ای می گردیده و از آنها آب جوشان بوده است امروز این حوض بدون آجرهای گل برجسته جلوه نمائی میکند



د - در قسمت جنوب شرقی حوضخانه دیگری است که ساختمان اولیه آن از بناهای شاه عباس است ولی در دوره فتحعلیشاه قاجار نیز تعمیراتی در آن بعمل آمده و هم اکنون نمونه‌ای از نقاشیهای دوره صفویه در صدف حوضخانه جاب نظر می‌کند

ه - دو جهت شرقی باغشاه سه ساختمان مورد توجه است که بترتیب ذکر میگردد

۱ - ساختمان مربوط بدوره کریمخان زند که بنای آن پس از حدوث زلزله کاشان انجام گرفته و امروز بکلی ویران گردیده است.

۲ - حمام بزرگ سلطنتی که از بناهای شاه عباس و تمام سطح آن از سنگهای مرمر و دیواره آن از آجرهای منقوش معصوم زینت بخش میشود که تماماً ازین رفته است و در وسط نیز دارای ستونهایی از مرمر است که هم اکنون نیز پای برجاست ولی این حمام فعلاً مورد استفاده نیست

۳ - حمام کوچکتری معروف بحمام امیر کبیر است که دیوارهای اواز کاشیهای منقوش و سطح آن از مرمرهای زیبا مفروش بوده است ولی امروز از این تزیینات اثری باقی نمانده و تعمیرات کلی در آن انجام گرفته است. آنچه نام این حمام را تا ابد جاویدان نموده و نیز جلب نظر کلیه واردین بیباغشاه را می‌نماید همانا شهادت

یگانه رادمرد و آزادیخواه ایران یعنی امیر کبیر می باشد که در
ربیع الاول ۱۲۶۸ هجری بدست حاج علی خان فراشی در حمام مذکور
صورت گرفته است



این رادمرد بزرگ با شهادت دلیرانه خود نام باغشاه را تا ابد
جاویدان ساخت.

اینها نیز شمه ای بود از آثار تمدنی و ساختمانی دوره مغول و صفویه که نمونه های مهم آن اشاره گردید ولی آثاری که پس از آن دوره تا بحال به کمک پادشاهان و مردمان ^{خیر} ساخته شده همه ساختمانهای جدیدالبناء و از نظر قدمت تاریخی بیایه آثاری که در فوق بدانها اشاره شده نمی رسد. و غالب آنها نیز در اثر حوادث و اتفاقات از بین رفته یا حملات و یورش های مهاجمین باعث ویران گردیدن آن ها شده است که برای روشن شدن موضوع لازم است بذکر چند حادثه مهم تاریخی بپردازیم

جریانات و حوادث اتفاقیه در کاشان

اگر کاشان گرفتار لشکر کشی های مهاجمین و طمع خونخواران وحشی یا حدوث آفات سماوی از قبیل زلزله و غیره نشده بود بدون شك امروز این شهر قدیمی نمونه کاملی از سیر تمدنی بشر از شش هزار سال قبل از میلاد مسیح تا بحال بود و بیشتر مرکز سیاحت سیاحان و جهانگردان و محل کاوش و حفريات آن ها می گردید ولی متأسفانه در دوره های مختلف این شهر دچار حوادثی شوم گردید و اقوام مهاجم مانند اعراب سلجوقیان • مغول و افغانها باین شهر هجوم آورده و همه را پایمال سم ستوران خود نموده و دست بقتل و غارت و از بین بردن آثار تمدنی زده اند چنانچه گذشته از حمله اعراب باین شهر در سال ۵۳۲ هجری سلجوق بن محمد بن ملکشاه نیز بکاشان حمله آورده قتل و غارت و خرابی دیگری را باعث گردیده است و لشکر جرار او بر مردم این سامان بهیچوجه رحم ننموده و مردم ناچار بتسلیم شدند هنوز مردم ستم دیده کاشان از شر خونخواران قبلی رهایی نیافته بودند که گرفتار وحشی دیگری مانند اشرف افغان (۱۱۳۷ و ۱۱۴۲) گردیدند این شخص در طی حمله خود بکاشان از هیچگونه ظلم و جور و خرابی فرو گذار نکرد و بقتل و غارت مردم پرداخت

ولی خرابیهای بی حد و حصر او بدستور محمد قاجار صورت آبادی
بخود گرفت و بصورت شهر نوینی در آمد این شهرستان ازگزند
آفات سماوی نیز بی بهره نروده بطوریکه ظاهرا در عصر کریخان
زند زلزله ای حادث میشود که مدرك تاریخی ما در این مورد همانا
کتاب مرآة القاسان است که در نود سال بعد از وقوع زلزله برشته
تحریر درآمده است

مولف این کتاب می نویسد «ابتدا چهار شبانه روز باران متوالی
بارید و چون خانه ها مستعد خراب شدن گردید در نیمه شبی سه نوبت
متوالی زمین بحرکت درآمد و تمام خانه ها را درهم ریخته و خراب
نمود تلفات این زلزله را مولف این کتاب بالغ بر سی هزار نفر دانسته
که در حدود نلک از جمعیت کاشان آن زمان بوده است
از بناهایی که در اثر این زلزله صدمه بسیار دیده مسجد جامع
کاشان و بازار قیصریه است که هر دو بدست رادمرد بزرگ عبدالرزاق
خان کاشی مرمت گردیده است. گذشته از این زلزله ؛ زلزله دیگری
هم تقریبا در سال ۱۲۶۰ هجری حادث گردید که چهار روز ادامه داشت
و با این زلزله نیز ۱۵۰۰ نفر بهلاکت رسیده اند
این حوادث و اتفاقات بی درپی همه ضربات محکمی است که بر
پیکر تمدن این شهرستان وارد گردیده و آثار نفیس و ذیقیت آنرا بیکبار
از بین برده است

هرچند که پادشاهان دوره بعد مانند زندیه وقاجاریه نیز به
نوبه خود آثار ذیقیتی از خود بیادگار گذارده اند که دارای ارزش
تاریخی است ولی در اینجا ناگزیریم از بحث در باره آثار مذکور
بعلت طول کلام خود داری نمایم ضمن معذرت از خوانندگان
محترم سالنامه امید است بتوانم در مقالات بعدی حق مطلب را ادا نموده
و شمارا از آثار تاریخی این دوره نیز آگاه سازم

اثر طبع جناب آقای منشی

غزل

دیدنی که دوست از من بیدل رمید و رفت
پیوند آشنائی و الفت برید و رفت
این دل ز غصه خونشد و باغکم ازدوچشم
آورد سر برون و برویم دوید و رفت
یادش بخیر باد که آن نازنین طیب
رفتم زدست چون ز سرم پاکشید و رفت
صد آه از این دلم که پی عشق گلرخان
صدره فزون ز خلق ملامت شنید و رفت
صاحب دلی که از غم عشق تو جان سپرد
از باغ زندگی گل مقصود چید و رفت
بنواز مرغ جانم از آن بیشتر کز آن
آ که شوی که از قفس تن برید و رفت
(منشی) قدم نهاد چو اندر طریق عشق
گاهی شتاب کرد و گهی آرمید و رفت

اثر طبع آقای علی شریف

دیر ریاضی

غزلی عارفانه

.....
باده از خمخانه عشق ازل نوشیده ایم
راز مخموری زخمار فلك بشنیده ایم

رهروان راه عشقیم و دل از کف داده ایم
 جلوه معشوق را بایک نظر چون دیده ایم
 بساملا یک بارها در محفل بزم فلک
 دستها افشانده ایم و پایها کوییده ایم
 مردم آزاده ایم و صاحب طبع بلند
 دور از قید و تعلق خلوتی بگزیده ایم
 دره اهل طریقت گامها بنهاده ایم
 خوشه ها از خرمن ارباب حکمت چیده ایم
 ما گدایان، پادشاهانیم کز روز ازل
 تاج شاهی را بشاهان جهان بخشیده ایم
 در طریق عشق همچون سالکان وارسته ایم
 دل زدنیاه و همه لذات آن بریده ایم
 بارها مجنون صفت سردریابان کرده ایم
 قصرها فرهادوار از سنک بتراشیده ایم
 نقش روی عاشقان بگرفته خاک کوی دوست
 بسکه پیشانی بخاک در گهش مالیده ایم
 دامن خود در فراق بار گلگون کرده ایم
 بسکه جای اشک خون از دیدگان باریده ایم
 در حریم کعبه و پیرامن دیر و کنشت
 عاشقانه در هوای وصل او گردیده ایم

تکامل هندسه

گرد آورنده : رضا محلوچی

سال پنجم ریاضی

✻ (- نام دانشمندی که قضایای بنام آنها باقیست - دوره درخشان این علم - دوره رکود ، قرون وسطی ، ظهور دکارت و تولد هندسه تحلیلی - بر گشت بدوره قدیم مسائل جالب لاینحل نتیجه -

مقدمه : قبل از شروع لازم میدانم این نکته را توضیح دهم که بیان تاریخچه يك علم را کمتر میشود باالقاب و جملات ادبی کامل نمود زیرا شرح و بسط و شاخ و برگ را ضیق صفحات اجازه نمیدهد امیدوارم اهل معرفت با نظر خطا پوش خود بر این ناچیز خرده نگیرند

پیدایش علم هندسه نیز مانند بیشتر علوم دیگر تاریخ دقیقی ندارد که بتوان تشخیص داد از آن زمان بوجود آمده ولی آنچه مسلم است از ۵۰۰ سال پیش از میلاد القبای این علم بین برخی از ملل متداول بوده است.

شیرینی ولادت را تمام علوم در بر دارند گویی طبیعت تبعیضی قائل شده و خلوت دیگری فوق آنها بحل معما و مسئله ریاضی داده است

از اهل این فن سؤال کنید سپس خواهید یافت که سخنی بگزاف نگفته‌ام
اصولا ریاضیات قوه تفکرات انسان را آنقدر قوی میکند که حدی بر
آن نمیتوان متصور شد و اگر بر حسب تصادف در ضمن تحصیل شاگردی
يك مسئله حل کند آنقدر در خود شعف و نشاط مییابد که یکباره فریفته
تحصیل این دانش میشود

هندسه تنها علمي است که میتوان باور کرد از گزند حوادث مصون
مانده است (مقصود اینست که اگر دانشمندی متمجد در این فن ظهور کرده
زحمات پیشینیان را نتوانسته منسوخ کند) و میتوان اطمینان حاصل کرد
که نمودار این علم همیشه سیر صعودی پیموده است

علماء زبردست و مغزهای قوی در این راه کوشیده و شربت هلاکت
زمانی نوشیده‌اند که آثار بدیعی از خود بیادگار گذاشته‌اند
حق کامل آنها در این مختصر نمی‌گنجد و محققین می‌توانند از کتب
عدیده‌ای که منتشر شده استفاده نمایند

مادر اینجا عده معدودی از این شعله‌های فروزان را که
انوارشان تاجه‌بان بشریت برقرار است نام می‌بریم

هندسه یا (جئومتريك)

در علم لغت اندازه گیری زمین معنی میشود
باستان‌تاریخ و مندرجات «دیدور» در میان طبقات مختلف مصر
تنها رجحان یون مجاز بودند بمطالعه علوم پیردازند و علم هندسه نیز از
جمله علوم بود که هر کشیش مصری بفرزند خود می‌آموخت در مقابل
اینکه چرا مصر را منشا این علم میدانیم باید گفت مصر از قدیم الایام

رودخانه نیل را داشته که هر سال طغیان مینمود و پس از طغیان زمینهای حاصلخیز اطراف خود را با گل ولای میپوشانیده و تفکیک آنها از هم مشکل و در بادی امر علماء مصری را بر آن داشته تا شمه‌ای بکار برده و این ابهام را برطرف کنند جنگهای کشاورزان بر سر زمین زراعتی تا محکمه آنها ادامه داشته و قضاوت را بعهده آنها میگذاشته‌اند گلهای آتشین و فریبنده این علم در نقاط دیگری از جهان شکفتن گرفت مثلاً بابل، در این شهر استادانی پیدا شدند که بتدریس هندسه مشغول گردیدند برای نمونه تساوی ضلع شش ضلعی منتظم محاط در دایره با شعاع آن دایره مورد بحث آنها بود، لیکن با آنکه باصراحت بیان مینمودند بانی برای اثبات نمی‌گشودند.

داشت این علم نضجی می‌گرفت که عده‌ای شاید آنرا وسیله ارتزاق خویش در آورده و بفال و تنجیم مشغول شدند اگر چه مصریان حتی ۱۳۰۰ قبل از میلاد هندسه عملی را میدانستند یونانیان نیز از بای نداشتند و دامن همت بکمر زدند و دلائلی بدست آوردند که عقل آدمی را مطیع میکند.

یونان یا زادگاه دانشمندان اولیه هندسه. یونان یا کشوری که امروز مدارك علمی ما از آن ناحیت است. کم کم نقاط درخشان علم از خلال ابرهای تیره جهل نور افشانی می‌کنند

طالس ملطی (۶۳۹-۵۴۸ قبل از میلاد) اولین دانشمند هندسه در یونان قدیم است.

وجه تسمیه طالس ملطی اینست که وی در یکی از شهرهای یونان بنام ملطیه بدنیا آمد. طالس تمام عمر خود را بتفکر پرداخت و تنها بنیان گذار هندسه نبود بلکه وی در اختراع فیزیک و نجوم سهم بسزایی داشت ،

طالس اولین کسی است که ثابت کرد زوایای مجاور بدو ساق مثلث متساوی الساقین متساویند و با قضیه مشهور خود دو خط متقاطع روی چند خط موازی قطعات متناسب جدائی کنند، آشنائی کامل دانش آموزان را نسبت بخود جلب نمود . جهان دانش مدیون زحمات این دانشمند عالی قدر است.

با بررسی اوضاع یونان قدیم معلوم می شود شعر نیز لیاقت آنرا یافته که داخل میدان ریاضی شود اینست که ریاضی دانها باید اشعار متعددی در برداشته باشند.

فیثاغورث کمتر محصل ابتدائی میتوان یافت که نام این

حکیم و فیلسوف را نداند زیرا جدول اوست که مورد استفاده طبقات مختلف قرار میگيرد بسال ۵۶۹ قبل از میلاد در شهر ساموس متولد و در سال ۴۷۰ ق م بدروود حیات گفت.

فیثاغورث در مکتب طالس تحصیل کرده و ضمناً مسافرتهایی مینمود که شاید کنج کار بهائی در نظر داشت رفتار طالس نفوذ خارق العاده ای در فیثاغورث نمود و می بینیم که قدمهای او را دنبال نمود گویند در اواخر عمر سیری بسوی صوفی منشی نمود و علت اصلی آن رواج بازار خرافات بود از قضایای معروف وی مجذور و ترمساوی مجموع مجذورات دو ضلع در مثلث قائم الزاویه است شاید ما این قضیه را ساده فرض کنیم و ممکن

است نظر ماصائب باشد ولی ابداع این رابطه آنقدر فیثاغورث را
 خشنود ساخت که صد گوسفند قربانی نمود . او حق داشت زیرا برای
 اولین مرتبه رابطه ای بین حساب و هندسه بوجود آورده بود
 افلاطون (۴۲۷-۳۴۷ قبل از میلاد) از شاگردان سقراط بود
 و مدتها برای فراگرفتن علوم نزد استاد خود بسر برد در سال ۳۹۹
 استاد عزیزش چشم از دنیا بیست و اندک روز اقلیدس بمکاررفت
 افلاطون نیز مانند فیثاغورث با مسافرتهاى خود ادعای کاوشهای
 خود را اثبات می کند و این جمله مختصر و با حرارت و عشق مفرطش
 را به هندسه میرساند «هر کس هندسه نمیداند بمحل تدریس من قدم
 نگذارد» از بقیه اکتشافات او چشم پوشیده اجسام مشهورش را که به
 کثیرالاضلاع موسومند نام می بریم

وی چنین نتیجه گرفت که فقط ۵ نوع کثیرالاضلاع منتظم در
 دنیا وجود دارد و بیش از این ممکن نیست . دوره درخشان این علم با
 نام این سه نابغه نامی شروع میشود اقلیدس، ارشمیدس، آپولونیوس
 قهرمانان دانش باردیگر از یونان علم مردانگی برافراشته و گوی
 سبقت از همگنان بردند

آنقدر در علوم رنج بردند که ۱۷۰۰ سال هرچه دانشمندان جدید
 فعالیت کردند نتوانستند نظریات تازه تری بیان کنند تا دکارت که با
 ظهور خود سد سکوت را شکست

اقلیدس ۳۱۵ سال قبل از میلاد متولد شده و ما اطلاعات صحیح
 از زندگانی او در دست نداریم . اینقدر میدانیم که در نزد افلاطون
 تلمذ می نموده تا با سکندریه احضار شده و در آنجا مدرسه تعلیم هندسه
 که غائی ترین هدف او بود بوجود آورد

اقلیدس بعکس دانشمندان ماقبل خود که بجمع آوری اطلاعات خود همت نمیکردند در مدت حیات خود سعی کرد معلومات هندسی را در فرهنگی بصورت قضایا تدوین کند از اینجا می توان فهمید که وی ارزش بیشتری برای گوهر پرارزش هندسه قائل شده است کتابی نوشت بنام مقدمه هندسه که هر نکته آن شامل يك سلسله نکات حساس بود معلوم می شود وی دارای هدفی بسیار عالی بوده . مجملا می گوئیم اینجا است که باید سهل انگاری بشر را سرزنش کرد چرا باید آثار گرانبهائی چون آثار اقلیدس را بادیستی بیرد جای خوشبختی است که بهی نسخ کنجینه های دانش محفوظ مانده است اقلیدس برهان خلف را بوجود آورد بینیم این کار را چه موقع انجام داد ضمن درس هندسه آقای دبیر باینجا می رسد که از نقطه خارج يك خط نمی توان بیش از يك خط بموازات آن رسم نمود ما که در روی میزها نشسته ایم باین توضیح ساده دبیر توجهی نداریم و متاسفانه دانشمندان قدیم همانند ما کودکانه باین مسئله یا تعریف اساسی نظر انداخته و بزودی قبول میکردند و هیچکدام برای اثبات آن اقدامی نمیکردند

ارشمیدس

ارشمیدس دومین اختر تابان دوران درخشان هندسه میباشد بشر بخود می بالد که هموعش آنهمه ترقیات شگرف کند فضیلت این مرد بزرگ بر عموم گذشتگان مسلم است. وی باتسلط عجیبی که بر انواع علوم یافت دست دانشمندان عهد عتیق را از پشت بست (۲۸۷ و ۲۹۲ ق م) وی در موطن اصلی خود سیراکوز شربت هلاکت نوشید و بعکس سایر دانشمندان بمرک خدائی نمرد. ارشمیدس که بحفاظت

مرز کشور خویش مامور شده بود در باطن بکار تفکر و مطالعه سر می کرد تصادفاً حملات لشکریان سیراکوز با محاکمه این دانشمند بزرگ توأم بود لشکریان جرار و خونخوار مارسلوس باین مرزبان عالم توجهی ننمودند و حتی یکی جسارت کرده او را مورد سوال قرار داد چون جوابهای صمیمی نشنید ارشمیدس را که نورابصار بشریت بود نا بود کرد قبل از آنکه چشم از جهان بیست وصیت کرد روی مقبره اش کره محاط در داخل استوانه بسازند و رئیس لشکریان که بعظمت او بی برد وصیت او را بجا آورد

لایپ نیتز

لایپ نیتز می نویسد هر کس قادر باشد نوشته های ارشمیدس را درک نماید. اکتشافات بزرگترین مردان عصر حاضر را تحقیر خواهد نمود ارشمیدس علاوه بر اینکه در فیزیک و مکانیک دست داشت در هندسه اکتشافاتی مربوط بکره، استوانه، شبه کره ها؛ شبه مخروطات، اندازه محیط دایره و غیره کرده است

آبولونیوس

آبولونیوس در سال ۲۴۵ قبل از میلاد در شهر پرژمتولد و تا سال ۲۰۵ در اسکندریه میزیست. او کتابی نرشت تحت عنوان مقاطع مخروطی که گریور و هالی در آکسفورد منتشر نمودند آبولونیوس او این کسی است که درباره هندسه مطلق کتاب نوشته. دو قضیه او سخت معروفست که راجع باقطار مزدوج مقاطع مخروطی است

دوره قرون وسطی

در مقدمه گفتیم که هندسه تنها علمی است که سیر قهقرائی

نیموده و ترقیات آن روز افزون و جالب بوده لیکن اینجا عاظمی را کنار گذاشته می‌گوئیم بشر مدت‌ده قرن دم‌از‌گفتار فرو بست زیرا زندگی آنقدر مشکل شده بود که مجبور بود حد اکثر فعالیت خود را صرف یافتن مواد خوراکی نماید و برای حراست خود از شر دشمنان نقشه بکشد

مسئله امنیت در راس پیشرفت رشته‌های مختلف علوم قرار دارد امنیت اگر رخت از جهان بر بست بشر راه جنگلها را پیش خواهد گرفت اما آنروز که جنگها و مشاجرات آتشین نبود اما امروز تصور عدم امنیت اطمینان پایان عمر زمین را در بردارد حالا دیگر يك پیش قراول از هند احیاء این علم را عهده‌دار شده است؛ نام او را شاید شنیده باشید «براهما گوتیا»
براهما گوتیا از علماء بزرگی است که مترصد تجمع هندسه و حساب و جبر بود

یونانیان چون کلمات سرعت و عجله از آثار هندیان درك می‌کردند بسی نفرت داشته و زحمات طاقات فرسای آنانرا بهیچ انگاشته‌اند.
محمد بن موسی که در قرن نهم میزیسته جداولی نجومی از ترکیب طرق ایرانیان، هندیان و بطلمیوس تنظیم و در قرن دوازدهم توسط آدلہارد و بات بزبان لاتینی ترجمه شد، انتظار با ظهور نابغه دهر موسوم بدکارت پایان یافت
دکارت و هندسه تحلیلی

ظهور دکارت درست زمانی بود که اغتشاشات فرانسه شدت یافته بود مردم بدو طبقه تقسیم میشدند و دائما بر علیه یکدیگر مبارزات سخت می‌کردند بعدا معلوم خواهد شد که این مرد بزرگ با چه رشادتی

حقایق را آشکار و موهومات و خرافیون را در آغل تنگی مجبوس نمود

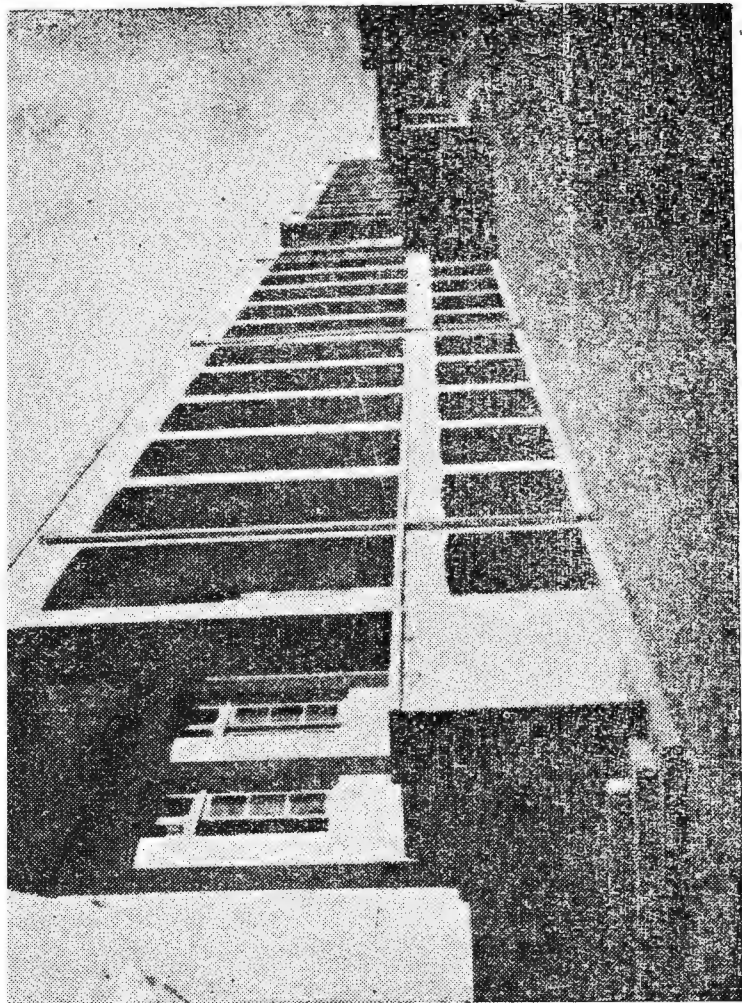
رنه دکارت در سال ۱۵۹۶ متولد شد رشد فکری این نابغه پشت مخالفین را بلرزه در آورد زیرا او باوضوح تمام آزادانه درصدد یافتن هدف و منظور اصلی خود بود و صحت روش خود را با دلایل کافی ثابت نمود

دکارت در مکتب ژزوئیت ها کار میکرد جوانی بود که صحت مزاجش ناقص بود شاید اوزان این سرنوشت ناراضی نبود زیرا توانست نیروی جوانی را صرف تفکر و تعمق نماید. بامقایسه اینکه اغلب جوانان نیروی جوانی را بمصرف هدفهای دیگری میرسانند معلم دکارت اطلاع کاملی ازوضع مزاجی او داشت. لذا باو اجازه داد قبل از ظهرها راتمامی استراحت کند

دکارت از موقع استفاده نمود و همان وقت استراحت را بمطالعه سرکرد. دکارت بعدآسا علوم زمان خود را فراگرفت و جمله ای گفت که جزمطمت و تفوق فکری او چیز دیگری را نمی رساند (ناراضی از کتب و معلمین تصمیم گرفتم که حقیقت را ازخودو در کتاب بزرگ جهان جستجو نمایم)

دکارت باآنکه در فلسفه، فیزیک، شیمی، ریاضیات و غیره متبحر بود ولتر آثار او را باخشونت زیاد رد می کند. وی میگوید «کسی که بخواهد بدون مواد اولیه ساختمان کند بنای وی يك بنای موهومی خواهد بود»

آری هیچگاه ولتر نتوانست از عظمت این بزرگ مرد بکاهد زیرا دکارت نماینده فکر علمی اروپا بلکه نماینده مغز علمی جهان بود



نمای غربی ساختمان دبیرستان پهلوی

ابداع اساسی دکارت جمع افکار متفرق بود و عظمت موارد استعمال
 و حقیقت آن چشم جهان دانش را روشن نمود در این بخش شرحی
 از آن را ذکر می کنیم، امروزه از بیشتر طبقات که با روزنامه
 یا کتاب سر و کار دارند می توان تعریف نمودار را سوال کرد
 محققا آنها جوابهای نسبتا صحیحی خواهند داد نمودار یا گرافیک همان
 علاماتی است که در پیشرفت و ترقی و تنزل کشور از لحاظ کشاورزی
 علمی- فرهنگی و غیره بکار میرود قبل از دکارت مفهوم نمودار
 معلوم نبود. مختصات دکارت که شامل دو محور مقایسه است امروز
 چیز ساده ایست. لیکن تجسم آن در زمان دکارت از تراوشات منزی
 قوی بوده است هندسه تحلیلی دکارت در بادی مر مورد طعن و
 انتقاد واقع شد. بعضی گفتند این هندسه روح مکاشفه و الهام
 را از بین می برد برخی گفتند زیبایی و ظرافت هندسه بکلی بایمال
 می شود. عده ای چنین عقیده داشتند که شاید با بوزخند و تمسخر
 او را از پیشرفت باز دارند. بیخبر از این که بشر باید با علم
 خود افلاک را مهار کند نه آنکه خود را مهار جزئیات نموده از
 چهار دیوار خانه گامی برون نهد. امروز زحمات دکارت چون
 روز روشن است و مباحثات میکند جهان بفرزند برومند خود دکارت
 برگشت بدوره قدیم. در سال ۱۷۸۱ لاگرانژ در سن ۵۱ سالگی
 بدانشمند معروف دلامبر مینویسد « اکنون حس میکنم که رگه این
 علم بسیار عمیق شده و اگر اختراعات تازه ای بوجود نیاید بزودی
 یسمان این علم پاره خواهد شد »
 این فکر را تنها لاگرانژ نکرده بود بلکه عموم دانشمندان
 جهان انتظار یک تحول عظیمی داشتند. اکتشافات قرن بیستم در
 علم هندسه مایوسان را امیدوار کرد
 میشل شال « ۱۸۸۰ و ۱۷۹۳ » ۱ میلادی که با امپراطور هندسه

موسوم است ظهور کرد . یکی از بزرگان می نویسد ..
«تمام هندسه دانان اروپا شاگردان میشل شال می باشند» زیرا
ترقیات هندسه مطلق را که باعلاترین درجه رسانید نمی توان گنمان کرد
مسائل جالب لاینحل ..

اکنون بحث را در باره مسائل جالب لاینحل هندسه اختصاص می
دهیم . این مسائل زیبا که ۲۰۰۰ سال دانشمندان بزرگ را مقهور
خود نمودند در ظاهر بسیار ساده بنظر می رسیدند . ظرافت ظاهری
و تصور اینکه بسیار ساده بودند عده بیشماری را عاشق و سرگردان
کرده بودند . هرکس میخواست این مسائل را حل کند . مخصوصا
در اواخر که جنبه سود مادی و معنوی داشت
معلوم نیست صورت این مسئله را کی بهمان آورد اما بطور
تقریب از ۵۰۰ سال قبل از میلاد بحث اینکه مربعی ترسیم کرد
که مساحت آن مساوی دایره معلومی باشد . مسئله تربیع و تثلیث زاویه
و تضعیف مکعب بهمان آمد

مسئله تربیع بیش از سایر مسائل جلب توجه می کرد لذا دانشمندان
با کوشش هر چه تمامتر فعالیت می نمودند و از اینکه در موقع
حل راهی بنظرشان می رسید و برفور از نظرشان معهود می شد
هیچان شدیدی در خود احساس می نمودند . این عدم کنترل اعصاب
بر عموم آن ها حکفرمایی داشته . تعداد بیشماری در باره این
مسئله بحث کردند و بنوشتن رسائل پرداختند . افسوس که همه
غلط و پوچ بود . هرچه سن این مسئله زیاد میشد بر اهمیتش افزوده
می گردید . مخصوصا وقتی کسی دلائلی بدست می آورد حاضر
می شد مبالغی گرد آورده بکسی بپردازد که او را محکوم کند
منازعه و گفتگوهای سختی در بین دانشمندان بوجود آمد
اشکال عمده عدد با (بی) بود که هر کدام یک تقریبی می گرفتند

و ما امروز می‌توانیم بسادگی بر اشتباهات آنها خط بکشیم زیرا عدد تقریب جواب صحیحی بدست نمی‌دهد

دو قرون وسطی مسئله تربیع هیجان شدیدی بر پا نمود .

ریمول اول که جوانی را با هرزه گردی سر کرده بود و بعد ها به ریاضیات علاقمند شده بود کتابی بنام تربیع و مثلث بندی دایره نوشت که هیچگاه چاپ نشد

کاردینال کرنا در سال ۱۴۵۰ کتابی در باره متمم هندسه

نوشت که در آن راه‌حل‌هایی در باره مسئله فوق نوشته شده بود ، مسلما همه غلط بوده است مخصوصا در یکی از آن راه حلها يك قوس سیکلوئید را با يك قوس دایره مشتبه فرض نموده

مطالب ماوراء الطبیعه‌ایکه بمسئله نسبت میدادند بمراتب از خود مسئله عجیبتر بود مثلا ژم‌والکرن که کتابش از مقداری شعر تشکیل شده و بمحبوبه خود اهدا نمود شامل اشعار جالبی بود منجمه دایره با شرح مبسوطی از وی تشکر می نمود زیرا او ظاهرا تربیع دایره را انجام داده بود .

عموم مردم از این مسئله در شگفت بودند و سعی داشتند راه حلی پیدا کنند . در این مرحله وقت آن است که هر کس قلم را در دست گرفته ودایره ترسیم وجائزه تسلیم شود و نام ابدیت یابد شارل کن ۱۰۰ هزار اکو معادل با صد هزار ریال برای کسی که آن را حل کند اختصاص داد و نیروی جاذبه این مبلغ گراف بر تعداد جستجو کنندگان افزود .

در حدود سال ۱۶۵۰ هونر فیلسوف که گمان میکرد راه حلی برای مسئله تربیع و تثلیث پیدا نموده بادعا بر خاست وبزودی مقهور عده ای ریاضیدان قرار گرفت . وی از شدت عصبانیت به **والیس** که اشتباهش را ثابت کرده بود دشنام داد .

سر انجام در سال ۱۸۸۲ میلادی بوسیله پروفیسور لیندمان عدم حل آن اثبات گردید .

نتیجه . از مطالب مذکور دریافتیم که چگونه يك چیز ساده مغزهای متفکرین را خسته می کند و راه بجائی ندارند همینطور موقع را مفتنم شمرده با کمال احترام از دبیران محترم این فن تقاضا می کنم که در توجیه استنلال خود حد اکثر کوشش را مبذول فرمایند تا بزبان ساده مطالب ریاضی را دوستانه در میان بگذارند تا عاشقان درك حقایق ریاضی از طفولیت دماغ سوخته نگشته و رغبت غریزی را در نهاد آنها توسعه دهند زیرا تصور می کنم افراد کشور دار ایران سزاوار نیست از این علم که پایه علوم جهان است برخوردار نباشند و با توضیح آنکه این علم بسرعت سرسام آوری پیش میرود و بقول دبل، اگر بخواهیم پیشرفتهای این علم را در قرن نوزدهم بررسی کنیم بیش از ۱۷۰۰۰ صفحه خواهد شد . اکنون باید تصدیق نمود که بزرگترین مغز ها در فرا گرفتن آنها مه مطلب عاجز می ماند . تنه اراه فرا گرفتن اینهمه تئوریا تعمیم و ترکیب آنها و مستهلک ساختن آنها در يك مطلب کلی تر میباشد که امروز مورد تکوین است و روزنه امید بر روی جهانیان می گشاید .

از خداوند متعال و دانای حقیقی آرزو می کنیم جوانان ما را استعدادی عطا فرماید تا بتوانند از درك مطالب ریاضی برخوردار شوند

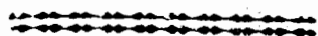
پایان



دادگاه عشق

ننگارا تا بریدی رشته عهد و قرار از من
تو خوددانی کشیدی انتقام روزگار از من
گسستی رشته مهری که پیوندش بدل بستم
شکستی عهد و پیمانی که بودش بود و تار از من
کمیت بردباری خسته شد از بار هجرانش
مدر کاران راه عشق بردارید بار از من
اگر با بوسه ای جان داده مت دیگر چه میگوئی
چرا خواهی بهای بوسه پیرار و بار از من
ترا شب خواب و آرام است مارا ناله سوزان
بیا تعویض گردانیم شام از تو نهار از من
بیام کوفتی انسان برندی طبل رسوائی
که ماه آسمانی میکند امشب فرار از من
نگفتم ماجرای خویش جز بامرغ شب زیرا
که خود تعلیم نمیگیرد بشبهاز پروزار از من
الا ای داوران دادگاه عشق می گویم
غزال مشک موئی آورد بیرون دمار از من
خدارا همتی بنیان صبر فیض ویران شد
اگر زودت نبینم زود بینی انتحار از من

حسن ختام



بجان دوست گرم دسترس بجان بودی
کمینه پیشکش بندگانش آن بودی
اعتراف می‌کنم که اگر همکاری صمیمانه دوستان و کمک
و معاضدت آشنایان و راهنمایی‌های استادان گرانمایه نبود بهیچ
وجه من‌بده نمیتوانستم این وظیفه خطیر را بپایان برسانم .
بیش از همه رهین راهنمایی‌های جناب آقای محسنی آراسته
ریاست محترم دبیرستان هستم و در مرحله نانی وظیفه دارم از آقای
رضاعطار پور مجرد دانش آموز کلاس ششم که با جدیت
خستگی ناپذیر خود مرا شرمنده نمودند سپاسگزاری نمایم .
همچنین وظیفه دارم از زحماتی که آقای ماشاالله عربی (نماینده
فرهنگ نطنز) و آقای محمود عربی (ناظم دبیرستان بهلولی)
و آقای جلال زاده دبیر دبیرستان سپهر و آقای جلال
مروجی «مدیر دبستان محمد رضا شاه و خانم مطهرین مدیر
دبستان پروین و دوشیزه منیژه سمیعی» ناظم دبستان نریا و دوشیزه
غفاری دانش آموز دبیرستان شاهدخت در فروش قبوض قبل
از انتشار سالنامه متحمل شده‌اند سپاسگزاری نمایم .
همچنین جادارد از دوستانی که در راه انتشار این نامه سنگ اندازی

و کارشکنی نمودند و بدینوسیله مارا بکوشش بیشتری واداشتند از دل و جان و با کمال اخلاص و احترام تشکر نمایم .

و در خاتمه اضافه مینماید باینکه هزینه طبع و نشر این سالنامه بالغ بر ۱۴۰۰۰ ریال میشده فقط مبلغ ۱۰۰۰ ریال از قبوض قبل از انتشار بوسیله اشخاص فرهنگ پرور خارج از دییرستان خریداری شده و بقیه هزینه بوسیله خود دانش آموزان و مربیان تامین گردیده که نماینده علاقه مفرط و پشتکار بی نظیر آنان در انجام عملیات فوق برنامه میباشد و بطور کلی باید در نظر داشت که این سالنامه منحصرأ بمساعی و همت دانش آموزان تدوین و انتشار یافته است . البته ناگفته نبایستی بماناد که همکاری کارگران (آقایان: محمود ربانی و جواد کهری و رحمت الله دامغانی) و مدیر چاپخانه کاشان (آقای محمد علی ربانی) نیز در چاپ این مجموعه، شایسته بسی تقدیر و تبجیل میباشد که برآشنایان بامور مطبوعات پوشیده نیست .

امیر حسن خواجوی

